



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

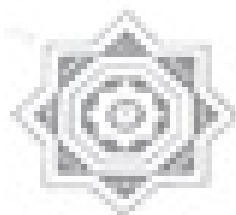
.net

.ir

توکل بر و جانشانی های اسلامی خداوند

زهد در کلام معصومین

محقق: علی نجفی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زهد در کلام معصومین علیهم السلام

نویسنده:

محسن علی نجیمی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	زهد در کلام معصومین علیهم السلام
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۹	دیباجه
۲۱	پیش گفتار
۲۴	بخش اول: کلیات
۲۴	اشاره
۲۵	تعریف واژگانی زهد
۲۵	اشاره
۲۶	معنای اصطلاحی زهد
۲۶	اشاره
۲۶	زهد نزد اهل اخلاق و عرفان
۲۸	معنای زهد در روایات
۳۰	پیشینه زهد
۳۰	اشاره
۳۰	زهد در میان هندی ها
۳۲	زهد در میان مسیحیان
۳۴	زهد در میان مسلمانان
۳۸	معرفی دو کتاب مهم درباره زهد
۳۸	اهمیت و ضرورت زهدورزی
۴۳	بخش دوم: حقیقت زهد
۴۳	اشاره

۴۴	دو دیدگاه درباره زهد
۴۴	اشاره
۵۰	بررسی چند شبهه
۵۲	زهد و مفاهیم دیگر
۵۲	اشاره
۵۲	۱_ رابطه زهد و ایمان
۵۴	۲_ رابطه زهد و تقوا
۵۵	۳_ رابطه زهد و فقر
۵۶	۴_ رابطه زهد و کسب حلال
۵۶	۵_ رابطه زهد و رهبانیت
۶۰	۶_ رابطه زهد و ریاضت
۶۱	۷_ رابطه زهد و قناعت
۶۲	۸_ رابطه زهد و تصوف
۶۶	بخش سوم: عوامل پیدایش زهد
۶۶	اشاره
۶۷	عوامل شناختی و عقیدتی
۶۷	اشاره
۶۷	۱_ اعتقاد به کمال بخشی خداوند
۶۸	۲_ اعتقاد به گذرا بودن دنیا و بقای آخرت
۷۴	عوامل عاطفی و اخلاقی
۷۴	اشاره
۷۴	۱_ یادآوری مرگ
۷۶	۲_ عشق ورزی به خدا و یاد کردن او
۷۷	۳_ رغبت به آخرت
۷۷	۴_ تقوای الهی
۷۹	بخش چهارم: درجات زهد

۷۹ اشاره
۸۰ درجات زهد از جهت متعلق زهد
۸۲ درجات زهد از جهت دل‌بستگی به زهد
۸۳ درجات زهد از جهت انگیزه
۸۷ درجه های زهد از جهت روش زهدورزی
۸۸ بخش پنجم: آثار زهد در روایات معصومین علیهم السلام
۸۸ اشاره
۸۹ ۱_ دل نبستن به غیر خدا
۹۰ ۲_ آرامش قلب
۹۲ ۳_ پرهیز از حرام های الهی
۹۳ ۴_ کوتاه شدن آرزوها
۹۴ ۵_ شکرگزاری نعمت های الهی
۹۴ ۶_ نزدیکی به خدا
۹۵ ۷_ تقویت دین داری
۹۶ ۸_ وسیله آراستگی
۹۷ ۹_ حکمت
۹۹ ۱۰_ محبوب شدن میان مردم
۹۹ ۱۱_ رهایی از بدبختی
۱۰۱ ۱۲_ سخاوت
۱۰۱ ۱۳_ زندگی ساده
۱۰۱ ۱۴_ ترجیح دادن آخرت بر دنیا
۱۰۳ ۱۵_ اختیار عزت بر ذلت
۱۰۴ ۱۶_ بیزاری از زندگی دنیا
۱۰۵ ۱۷_ ترجیح گرسنگی بر سیری
۱۰۷ ۱۸_ فراموش نکردن
۱۰۸ ۱۹_ دوستی با دوست خالق

- ۲۰_ دشمنی با دشمن خالق ۱۰۹
- ۲۱_ رحم کردن به مسلمانان ۱۰۹
- ۲۲_ عمل به وظیفه ۱۱۰
- ۲۳_ ایثار ۱۱۱
- بخش ششم: آفات زهد در روایات معصومین علیهم السلام ۱۱۳
- اشاره ۱۱۳
- ۱_ دوستی دنیا ۱۱۴
- ۲_ طمع ۱۱۸
- ۳_ بخل ۱۱۹
- ۴_ ثروت اندوزی ۱۱۹
- ۵_ آز ۱۲۰
- ۶_ آرزو ۱۲۲
- بخش هفتم: اسوه های زهد ۱۲۴
- اشاره ۱۲۴
- زهد پیامبران گذشته ۱۲۵
- زهد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم ۱۲۷
- زهد امام علی علیه السلام ۱۳۰
- بخش هشتم: خلاصه و دستاوردها ۱۳۴
- بخش نهم: همراه با برنامه سازان ۱۴۴
- اشاره ۱۴۴
- سیمای زهد در صدا و سیما ۱۴۵
- اشاره ۱۴۵
- ضرورت طرح بحث زهد در صدا و سیما ۱۴۵
- آموزش درست و منطقی ۱۴۸
- آسیب شناسی زهد در رسانه ۱۴۸
- الگوسازی ۱۴۹

۱۴۹	ارایه محورهای برنامه سازی
۱۵۰	پرسش های مصاحبه ای
۱۵۱	پرسش های کارشناسی
۱۵۵	پیام های کوتاه [زیرنویس]
۱۶۲	کتاب نامه
۱۶۸	درباره مرکز

زه_د در کلام معصومین علیهم السلام

مشخصات کتاب

زه د در کلام معصومین علیهم السلام

کد: ۶۸۹

نویسنده: محسن علی نجیمی

ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ اول / ۱۳۸۲

شمارگان: ۱۲۰۰

بها: ۸۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRCgIRIB.COM

اینترنت: http://WWW.IRC.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۹۶۴-۷۸۰۸-۲۶-۷-۷۸۰۸-۲۶-۷ / ISBN: ۹۶۴

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

دبیاچه ●●● ۱

پیش گفتار ●●● ۳

بخش اول: کلیات

تعریف واژگانی زهد ●●● ۹

معنای اصطلاحی زهد ●●● ۱۰

زهد نزد اهل اخلاق و عرفان ●●● ۱۰

معنای زهد در روایات ●●● ۱۲

پیشینه زهد ●●● ۱۵

زهد در میان هندی ها ●●● ۱۵

زهد در میان مسیحیان ●●● ۱۷

زهد در میان مسلمانان ●●● ۲۰

معرفی دو کتاب مهم درباره زهد ●●● ۲۳

اهمیت و ضرورت زهدورزی ●●● ۲۴

بخش دوم: حقیقت زهد

دو دیدگاه درباره زهد ●●● ۳۱

بررسی چند شبهه ●●● ۳۷

زهد و مفاهیم دیگر ●●● ۴۰

۱_ رابطه زهد و ایمان ●●● ۴۰

۲_ رابطه زهد و تقوا ●●● ۴۲

۳_ رابطه زهد و فقر ●●● ۴۳

۴_ رابطه زهد و کسب حلال ●●● ۴۳

۵_ رابطه زهد و رهبانیت ●●● ۴۴

۶_ رابطه زهد و ریاضت ●●● ۴۷

۷_ رابطه زهد و قناعت ●●● ۴۸

۸_ رابطه زهد و تصوف ●●● ۵۰

بخش سوم: عوامل

پیدایش زهد ●●● ۵۳

عوامل شناختی و عقیدتی ●●● ۵۵

۱_ اعتقاد به کمال بخشی خداوند ●●● ۵۵

۲_ اعتقاد به گذرا بودن دنیا و بقای آخرت ●●● ۵۶

عوامل عاطفی و اخلاقی ●●● ۶۳

۱_ یادآوری مرگ ●●● ۶۴

۲_ عشق ورزی به خدا و یاد کردن او ●●● ۶۵

۳_ رغبت به آخرت ●●● ۶۶

۴_ تقوای الهی ●●● ۶۷

بخش چهارم: درجات زهد

درجات زهد از جهت متعلق زهد ●●● ۷۱

درجات زهد از جهت دلبستگی به زهد ●●● ۷۳

درجات زهد از جهت انگیزه ●●● ۷۴

درجه های زهد از جهت روش زهدورزی ●●● ۷۸

بخش پنجم: آثار زهد در روایات معصومین

۱_ دل نبستن به غیر خدا ●●● ۸۱

۲_ آرامش قلب ●●● ۸۲

۳_ پرهیز از حرام های الهی ●●● ۸۴

۴_ کوتاه شدن آرزوها ●●● ۸۵

۵_ شکرگذاری نعمت های الهی ●●● ۸۶

- ۶_ نزدیکی به خدا ●●● ۸۷
- ۷_ تقویت دین داری ●●● ۸۸
- ۸_ وسیله آراستگی ●●● ۸۸
- ۹_ حکمت ●●● ۸۹
- ۱۰_ محبوب شدن میان مردم ●●● ۹۱
- ۱۱_ رهایی از بدبختی ●●● ۹۲
- ۱۲_ سخاوت ●●● ۹۳
- ۱۳_ زندگی ساده ●●● ۹۴
- ۱۴_ ترجیح دادن آخرت بر دنیا ●●● ۹۴
- ۱۵_ اختیار عزت بر ذلت ●●● ۹۵
- ۱۶_ بیزاری از زندگی دنیا ●●● ۹۵
- ۱۷_ ترجیح گرسنگی بر سیری ●●● ۹۶
- ۱۸_ فراموش نکردن ●●● ۹۷
- ۱۹_ دوستی با دوست خالق ●●● ۹۸
- ۲۰_ دشمنی با دشمن خالق ●●● ۹۹
- ۲۱_ رحم کردن به مسلمانان ●●● ۹۹
- ۲۲_ عمل به وظیفه ●●● ۱۰۰
- ۲۳_ ایثار ●●● ۱۰۱

۱_ دوستی دنیا ●●● ۱۰۵

۲_ طمع ●●● ۱۱۰

۳_ بخل ●●● ۱۱۰

۴_ ثروت اندوزی ●●● ۱۱۱

۵_ آز ●●● ۱۱۲

۶_ آرزو ●●● ۱۱۴

بخش هفتم: اسوه های زهد

زهد پیامبران گذشته ●●● ۱۱۷

زهد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم ●●● ۱۱۹

زهد امام علی علیه السلام ●●● ۱۲۳

بخش هشتم: خلاصه و دستاوردها

خلاصه ●●● ۱۲۹

بخش نهم: همراه با برنامه سازان

سیمای زهد در صدا و سیما ●●● ۱۴۱

ضرورت طرح بحث زهد در صدا و سیما ●●● ۱۴۱

آموزش درست و منطقی ●●● ۱۴۳

آسیب شناسی زهد در رسانه ●●● ۱۴۳

الگوسازی ●●● ۱۴۴

ارایه محورهای برنامه سازی ●●● ۱۴۵

پرسش های مصاحبه ای ●●● ۱۴۶

پرسش های کارشناسی ●●● ۱۴۸

پیام های کوتاه [زیرنویس] ●●● ۱۵۰

کتاب نامه ●●● ۱۵۳

الف) کتاب های عربی ●●● ۱۵۳

ب _ کتاب های فارسی ●●● ۱۵۶

دیباچه

دیباچه

در هر جامعه ای برای جلوگیری از فساد و تباهی کج روی اهرم هایی وجود دارد. برخی از این اهرم ها نقش پیش گیری و بازدارندگی و برخی دیگر نقش مبارزه و از میان بردن فساد را ایفا می کنند.

یکی از فسادهای بزرگی که جامعه اسلامی را تهدید می کند، دنیاخواهی و دنیاپرستی است. البته روشن است چنان چه مسلمانان و اجتماع آنان، به چنین بیماری مُهلکی دچار گردند، خود و جامعه را در ورطه نابودی قرار خواهند داد؛ زیرا حیات حقیقی جامعه اسلامی بر ایثار، از خود گذشتگی، انفاق، دست گیری از دیگران و... استوار است. هر گاه این مفاهیم و ارزش های گران سنگ، کم رنگ گردند، جز پوسته ای بی ارزش و بی روح از جامعه اسلامی بر جای نخواهد ماند.

اسلام برای سازندگی فرد و جامعه و حرکت به سوی تکامل حقیقی، دارای طرح و برنامه حساب شده، منطقی و گسترده است. یکی از اهرم های بازدارنده در جهت دنیاطلبی انسان ها، «زهد» است. به راستی با دقت در مفهوم دنیاطلبی، فسادها و پی آمدهای ناگوار آن بر زندگی فردی و اجتماعی بشر، به اهمیت موضوع و نیز تأکید امامان معصوم علیهم السلام به زهد پی برد.

دین کامل اسلام، نه دنیا را از انسان گرفته است و نه آخرت را؛ بلکه دنیا و آخرت را به گونه ای برای مسلمان جمع کرده است که به هیچ کدام آسیبی وارد نیاید. زهد حقیقی از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام در حالی که انسان را بریده از دنیا نمی کند، مسئولیت های فراوانی را بر دوش او می نهند. با

بی رغبتی به دنیا او را به سمت ارزش های والایی همچون ایثار و انفاق رهنمون می سازد.

زهد به معنای بی رغبتی به چیزی، و قناعت به کم آن است و در اصطلاح نداشتن گرایش و رغبت قلبی به زهدورزی انسان تأثیر دارد که بهترین آن حب الهی است.

بی رغبتی به دنیا آثار گوناگونی در زندگی فردی و اجتماعی و دنیایی و آخرتی دارد که در روایت های ائمه اطهار علیهم السلام بدان ها اشاره گردیده است. نیز آفت هایی دارد که به واسطه آن نمی توان به زهد واقعی دست یافت؛ مهم ترین آن ها دوستی دنیا است.

به هر حال با توجه به اهمیت مسئله زهد، لازم بود به چنین موضوعی اهتمام می شد. این اهمیت به اندازه ای است که باید موضوع به صورت های گوناگون در صدا و سیما جمهوری اسلامی مطرح گردد.

امید است این پژوهش، مورد استفاده برنامه سازان محترم قرار گیرد. تا در پرتو آن، زمینه بالندگی ایمانی بینندگان و شنوندگان رسانه فراهم گردد و در نتیجه، زهد واقعی جایگاه خود را در جامعه اسلامی بیش از پیش به دست آورد.

این پژوهش حاصل همکاری مشترک مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما و دانشگاه قم است. با تشکر از عزیزانی که ما را در تهیه این اثر یاری کردند، امید داریم در پرتو تعامل علمی هر چه بیش تر شاهد شکوفایی روز افزون فرهنگی اسلامی کشورمان باشیم.

انشاء الله

آنه ولی التوفیق

مدیریت پژوهشی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

انسان در زندگی اجتماعی خود با خواسته‌های بی‌شمار و زیبایی‌های بسیار دنیایی روبه‌رو است. از سویی خواسته‌ها و کمال‌طلبی‌های انسانی ریشه فطری دارد، و از سوی دیگر نیازمندی‌های وی و نیز گرایش‌ها و امور دنیایی، انسانی را به سوی خود می‌کشاند. از این رو، در مسیر زندگی برخی راه افراط در پیش گرفته، همه چیز را فدای دنیای‌شان می‌کنند و برخی دیگر راه تفریط برگزیده، برای رسیدن به کمال فطری‌شان، از دنیا کناره گرفته‌اند.

برخی واژگان و مفاهیم اسلامی بر اثر تبیین نشدن درست از زندگی اجتماعی _ فردی انسان ترک شده است. زهد یکی از آن مفاهیم است که درباره آن افراط‌هایی صورت گرفته است. بسیاری زهد را صفتی همراه با ترک تلاش‌های اجتماعی و انزواطلبی پنداشته‌اند، در صورتی که همه مفاهیم اسلامی حیات بخش، سازنده و حرکت آفرین است. استاد شهید مطهری می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (۱)؛ تمامی تعلیمات اسلامی حیات بخش و زنده کننده است. یعنی وقتی به انسان می‌رسد، به انسان روح و حیات و تحرک می‌بخشد؛ بنابراین هر مفهومی از مفاهیم اسلامی که حیات بخش و زنده کننده نباشد، مفهوم صحیحی از اسلام نیست. (۲)

۱- انفال، آیه ۲۴.

۲- حق و باطل، استاد شهید مطهری، ص ۱۳۶ و ۱۳۷ با گزینش.

سخنان امامان معصوم علیهم السلام بهترین راه های دست یابی به زهد حقیقی را به ما نمایانده است.

انحرافات اساسی از دنیاخواهی و ناپرهیزگاری سرچشمه می گیرد. در جامعه ما نخستین تهدید متوجه خواص، به ویژه مسئولان است و امام راحل بارها در سخنان خود بر آن تأکید فرموده اند. رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله العظمی خامنه ای نیز بارها به این مهم اشاره نموده اند. ایشان با یادآوری دلبستگی سه تن از خواص زمان پیامبر به دنیاخواهی، می فرماید:

البته این مربوط به زمان خلفای راشدین است که مواظب و مفید بودند، اهمیت می دادند، پیامبر را سال های متمادی درک کرده بودند، هنوز فریاد پیامبر در مدینه طنین انداز بود و کسی مثل علی بن ابی طالب علیه السلام در آن جامعه حاضر بود. بعد که قضیه منتقل به شام شد، دیگر مسأله از این حرف ها بسیار گذشت. (۱)

در بخش دیگر وظایف مسئولان را مهم تر دانسته، می فرماید:

آن کسانی که حوزه حاکمیتشان از شخص خودشان وسیع تر است، هم مواظب خودشان باشند، هم مواظب دیگران باشند. آن کسانی که در رأسند، هم مواظب خودشان باشند، هم مواظب کل جامعه باشند که به سمت دنیاطلبی، به سمت دل بستن به زخارف دنیا و به سمت خودخواهی نروند. (۲)

مسئولان کشور باید به معنای واقعی کلمه از لحاظ زهد، معینی بی رغبتی به زخارف دنیایی سرمشق دیگران باشند، حد آن هم، حد ورع است. (۳)

۱- روزنامه کیهان، تاریخ ۱۳۷۷/۲/۱۹.

۲- روزنامه کیهان، تاریخ ۱۳۷۷/۲/۱۹.

۳- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام اسلامی، ۱۳۶۹/۹/۱۴.

ایشان یکی از بارزترین ویژگی های حکومت علی علیه السلام را زهد دانسته و می فرماید:

بارزترین خصوصیت او _ امیرالمؤمنین علیه السلام _ دوران حکومتش که مربوط به امروز من و شما می شود، دو چیز است: یکی عدل اجتماعی؛ یکی زهد نسبت به دنیا.

عزیزان من این دو چیز را ما باید مثل پرچم در جامعه خودمان بلند کنیم. (۱)

با توجه به نقش مهم زهد و پرهیزگاری در سلامت بخش به جامعه اسلامی مان، به ویژه در مقطع کنونی و تأکیده‌های پی در پی رهبر معظم انقلاب، نگارنده بر آن شد تا در این زمینه نوشتار حاضر را فراهم آورد.

در پایان از همه کسانی که این جانب را در به نتیجه رسیدن این نوشتار یاری رسانده اند، به ویژه استاد گرامی جناب آقای دکتر جعفر نکونام که زحمت های بسیاری متحمل گردیدند، تشکر و قدردانی نمایم. امید است مورد لطف حضرت بقیه الله، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرند.

۱۰/۵/۱۳۸۱

محسن علی نجیمی

ص: ۱۲

بخش اول: کلیات

اشاره

بخش اول: کلیات

در این فصل به تعریف، پیشینه و اهمیت زهد می پردازیم.

تعریف واژگانی زهد

اشاره

تعریف واژگانی زهد

زهد را بی رغبتی به چیزی و بسنده کردن به مقدار کم آن دانسته اند.

راغب اصفهانی در معنای زهد می نویسد: «الزهد الشیء القلیل و الزاهد فی الشیء الراغب عنه و الراضی منه بالزهد ای القلیل [وَ كَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ (۱)(۲)]»؛ زهید چیز کم را گویند و زاهد یعنی روی گرداننده از چیزی و خوشنودشونده به مقدار کم آن چنان چه قرآن درباره فروختن یوسف علیه السلام به قافله مصری می فرماید: آنان به بهایی اندک و ناچیز برای فروختن یوسف علیه السلام قانع بودند.

طریحی مانند همین معنا را آورده، می گوید: «الزهد من الشیء خلاف الرغبه فيه (۳)؛ زهد نسبت به چیزی عبارتست از عدم تمایل و گرایش قلبی نسبت بدان.

و دهخدا در مورد واژه زهد می نویسد:

بی رغبت شدن، ناخواهان شدن، پارسا شدن، ناخواهانی نمودن، روی برگردانیدن از چیزی به واسطه حقیر شمردن آن چیز، خلاف رغبت کردن و خواهش ننمودن به لذات دنیا، ترک دنیا و گرفتن اقل کفایت از حلال و

۱- یوسف، آیه ۲۰.

۲- معجم مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ص ۲۲۰. نیز در نهاییه ابن اثیر آمده است: «افضل الناس مؤمن مزهد» المزهد: القلیل الشیء. و قد أزهدها اذها و شیء زهید: قلیل و منه الحدیث «لیس علیه حساب و لاعلی مؤمن مزهد». و منه حدیث ساعه الجمعه «فجعل یزهدها» ای یقللها.

۳- مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، ج ۱، ص ۲۹۶.

ترک زاید. (۱)

بنابراین زهد در لغت یعنی بی رغبتی به چیزی و قناعت به کم آن.

معنای اصطلاحی زهد

اشاره

معنای اصطلاحی زهد

در این جا واژه زهد را در اصطلاح عالمان اخلاق و عرفان و حدیث بررسی می کنیم.

زهد نزد اهل اخلاق و عرفان

زهد نزد اهل اخلاق و عرفان

واژه زهد در اصطلاح اهل حقیقت، دشمن داشتن دنیا و روی گرداندن از آن است و برخی گفته اند ترک کردن راحتی دنیا به خاطر راحتی آخرت است. به اصطلاح سالکان، زهد بیرون آمدن از دنیا و آرزوهایی است که بدان وابسته است؛ مانند مال و جاه و مُلک و ناموس و غیره. در متعلق زهد اختلاف است. برخی آن را درهم و دینار دانسته اند؛ یعنی زهد ترک دینار و درهم است و برخی آن را مطعم و مشرب می دانند؛ بنابراین زهد ترک مطعم و مشرب است. ولی ابن مسروق از آن فراتر رفته، می گوید:

«زاهد کسی است که هیچ امری بر او تسلط نداشته باشد مگر خدای تعالی. (۲)»

از این رو به نظر وی متعلق زهد غیر خدا را شامل می شود.

غزالی در معنای زهد قیدی آورده، می گوید: «زهد انزوا از دنیا، از روی میل و رغبت است با قدرت بر آن (۳)». یعنی به نظر او زهد آن است که به هنگام دست رسی به خواسته

۱- لغت نامه، علی اکبر دهخدا، حرف ز. نیز در المنجد آمده است: «الزهد و الزهاده الاعراض عن الشیء احتقارا له؛ زهد و زهاده روی برگرداندن از چیزی به جهت حقیر و کوچک شمردن آن است.

۲- علی اکبر دهخدا، پیشین.

۳- کیمیای سعادت، ابوحامد محمد غزالی طوسی، ج ۲، ص ۴۳۵. نک فرهنگ معارف اسلامی، جعفر سجادی، ج ۲، ص ۵۰۸.

دنیا، بدان بی میل باشد.

البته هر رغبتی به دنیا منافی زهد نیست. از این رو، اخوان الصفا در این باره می گویند:

زهد ترك توجه به دنیا و علايق مادی و اعراض از تمام اموری است که انسان را از توجه به مبدأ المبادی باز دارد. (۱)

و فیض کاشانی در معنای زهد قید دیگری افزوده، می نویسد:

زهد آن است که به آن چیزی بی رغبت باشد که مطلوب انسان است، و گرنه اگر به چیزی که مطلوب انسان نیست بی رغبت باشد، زهد نامیده نمی شود؛ مثل خاک و سنگ و حشره ها که انسان به آن ها بی رغبت است. (۲)

بنابراین، زهد یعنی بی رغبتی به غیر خدا و قانع بودن به اندک آن. قیدهای آورده شده در معنای زهد این است که ۱- متعلق زهد، مطلوب آدمی باشد؛ ۲- آدمی قدرت دست یابی به آن را داشته باشد؛ ۳- مانع توجه خدای تعالی گردد.

از بررسی مفهوم واژگانی و اصطلاحی زهد به دست می آید که زهد همان گرایش نداشتن و بی رغبتی قلبی به دنیا و امور دنیایی و پرهیز از آن است. به عبارت دیگر، با توجه به معانی واژگانی، زهد همان دل بسته نبودن به دنیا و بهره مندی کم از خواسته ها و لذت های دنیایی به خاطر خوار شمردن و کوچک دانستن آن است. البته قابل توجه است که زهد در ادیان الهی بی بهرگی از امکانات دنیایی نیست؛ چنان که انسان گوشه نشین شده و رهبانیت را پیشه خود سازد و خود را از لذت های دنیایی محروم نماید؛ بلکه حقیقت زهد این است که انسان به دنیا وابسته نباشد و امکانات

۱- جعفر سجادی، پیشین، ج ۲، ص ۵۰۹.

۲- المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، محسن فیض کاشانی، تصحیح: علی اکبر غفاری، ج ۷، ص ۳۴۵. نیز غزالی در احیاء علوم الدین ج ۵، ص ۱۱۹ گوید: «کسی که روی برگرداند از آنچه مطلوبش نیست، زاهد نامیده نمی شود، زیرا تارک سنگ و خاک و آنچه بدان ها شبیه است، زاهد نامیده نمی شود.»

دنیاپی را در راه خدا به کار بندد. لذا چنان چه زاهد از آن بهره ای برد، خوشحال نمی شود و اگر آن را از دست دهد، غمگین نمی گردد.

معنای زهد در روایات

معنای زهد در روایات

در روایت های بسیاری معنای زهد در دو بُعد خلاصه شده است: یکی تأسف نخوردن بر آن چه از دست رفته؛ دیگری خوشحالی نکردن بر آن چه به دست آمده است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام، می فرماید:

الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ: قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَافَاتِكُمْ، وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي، وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي، فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفِيهِ. (۱)

تمام زهد میان دو کلمه قرآن است: خداوند سبحان می فرماید: «به آن چه از دست می دهید تأسف نخورید و به آن چه به دست می آورید، شادمان نباشید» کسی که به گذشته تأسف نمی خورد و نسبت به آینده خوشحال نیست، هر دو طرف زهد را رعایت کرده است.

حفص از امام صادق علیه السلام در مورد گستره زهد پرسید:

جَعَلْتُ فِدَاكَ فَمَا حَدَّ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا؟ فَقَالَ: فَقَدْ حَدَّ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ». إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَخْوَفُهُمُ لِلَّهِ وَأَخْوَفُهُمْ لَهُ أَعْلَمُهُمْ بِهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِهِ أَزْهَدُهُمْ فِيهَا. (۲)

فدایت شوم میزان زهد در دنیا چیست؟ حضرت فرمود: خداوند میزان زهد را در کتابش بیان فرموده است «تا بر آن چه از دست می دهید، دلنگ نشوید و بر آن چه به شما می رسد، خوشحال نگردید. آگاه ترین مردم به خدای تعالی کسانی اند که بیش تر از خدا می ترسند و کسانی که بیشتر از خدا بترسند، به او آگاه ترند و کسانی که به او آگاه ترند، در دنیا

۱- صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۴۳۹، ص ۵۵۳.

۲- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۲، ص ۲۷.

پرهیزکارترند.

در روایات آمده است که زهد از میان بردن مال و حرام کردن حلال نیست؛ زیرا زهد واقعی بی رغبتی و دل بسته نبودن به دنیای مادی است و کسی که به آخرت گرایش دارد، دنیا را محل کسب و کار و مزرعه آخرت قرار داده و از نعمت های الهی در دنیا برای رسیدن به هدف های آخرتی سود می جوید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا بِإِضَاعَةِ الْمَالِ وَ لَا بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ، بَلِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَا تُكُونَ بِمَا فِي يَدِكَ أَوْ تَقُ مِنْكَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

زهد در دنیا، از میان بردن مال و حرام دانستن حلال نیست؛ بلکه زهد در دنیا این است که آن چه در دست توست، از آن چه در نزد خداست، قابل اعتمادتر نباشد.

در احادیث آمده است که معنای زهد حقیقی آن است که انسان در آن چه حلال است، زهد ورزد و در همان حال، موافق سنت نبوی باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

طُوبَى لِمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ وَ زَهَّدَ فِي مَا أَحَلَّ لَهُ مِنْ غَيْرِ رَغْبَةٍ عَنْ سُيِّئَتِي وَ رَفَضَ زَهْرَةَ الدُّنْيَا مِنْ غَيْرِ تَحَوُّلٍ عَنْ سُيِّئَتِي وَ اتَّبَعَ الْأَخْيَارَ مِنْ عَثْرَتِي مِنْ بَعْدِي وَ خَالَطَ أَهْلَ الْفِقْهِ وَ الْحِكْمَةِ وَ رَحِمَ أَهْلَ الْمَسْكِنَةِ. (۲)

خوشا به حال کسی که نسبت به خدای تعالی فروتن باشد و در آن چه برایش حلال نموده، زهد بورزد، بدون آن که از سنت من روی گرداند؛ و زیبایی دنیا را رها کند، بدون آن که سنت مرا دگرگون کند و پس از من از خوبان عترت من پیروی نماید و با اهل فقه و

۱- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۷۰، ص ۳۱۰؛ وسایل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۱۵، حدیث ۲۰۸۳۹ و المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، الجزء الثانی، ص ۳۴۹، از پیامبر اکرم ص نقل نموده است.

۲- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۲۸. نک بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۴ چنین آمده: «من بعدی و جانب اهل الخیلاء و التفاخر و الرغبه فی الدنیا المبتدعین خلاف سنتی العاملين بغیر سیرتی».

حکمت رفت و آمد کند و به فقیران رحم نماید.

قید «غَيْرَ رَغْبَةٍ عَنْ سُنتِي» نشان می دهد که ترک کردن هر چیزی از امور دنیایی برای مسلمان جایز نمی باشد؛ بلکه اگر چنین عمل نماید از جرگه مسلمانان خارج است؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «... مَنْ رَغِبَ عَنْ سُنتِي فَلَيْسَ مِنِّي (۱)؛ کسی که از سنت من روی گرداند، از من نیست.»

پیشینه زهد

اشاره

پیشینه زهد

زهد از زمان های قدیم در جامعه های انسانی بوده است و شاید از نخستین عادت ها و رسوم انسانی به حساب آید. حق تعالی فطرت آدمی را چنان پرداخت که هرگز به دنیا راضی نشود و پیامبران را مأمور کرد تا مردم را از دنیادوستی پرهیز دهند و به زهد دعوت نمایند. گرایش به زهد در برخی جوامع اثری عمیق داشته و به صورت فرهنگی نهادینه شده است ولی زهد در امت های پیش از میلاد، همیشه همراه با تحمل سختی و ریاضت و در میان مسیحیان همراه با رهبانیت و در گروه های اسلامی گاه همراه با تصوف بوده است. درباره تفسیر و حقیقت زهد از دیدگاه اسلام، سخن خواهیم گفت. اکنون بحث خود را در سه موضوع بالا پی می گیریم.

زهد در میان هندی ها

زهد در میان هندی ها

قدیمی ترین ریاضت ها در هند یافت می شود. قدیمی ترین و شایع ترین ادیان هندی دو آیین معروف برهمنی و بودایی است که هم اکنون نیز در هندوستان، چین، ژاپن و سرزمین های دیگر پراکندگی کامل دارند. آیین برهمنی با بیش از سه هزار سال سابقه در هندوستان، بعد از تغییر و دگرگونی هایی که در آن پدید آمده، به شکل آیین هندو نمایان شد که اکنون بیشتر مردم هندوستان پیرو این آیین هستند. پس از آن، آیین بودایی از نظر پیشینه و تعداد پیروان، در هند اهمیت بسیار دارد و سابقه آن به دو

هزار و پانصد سال می رسد. هم چنین آیین های گونه گون دیگری مانند آن دو مذهب در هندوستان یافت می شود.

آیین های مختلف هندی در این اصل مشترکند که پایه و اساس سعادت و نجات، همانا فرار از دنیا و ترک همه لذت ها و خواهش های جسمانی، همراه با شکنجه بدنی و ریاضت کشی می باشد. بر این اساس باید نفس را با ریاضت های گوناگون و شکنجه های سخت عادت داد تا بدین وسیله علاقه او از دنیا و خوشی های جسمانی قطع گردد.

برهمنیان بر اساس تناسخ معتقدند سعادت انسان در محروم بودن و رنج اختیاری است و آزاد شدن از وابستگی های مادی و ترک لذت ها موجب نجات در زندگی بعدی می باشد و بازگشت به زندگی دنیایی نیز اجباری است. بنابراین، رنج و عذاب در زندگی برای انسان همیشگی است و برای نجات و رسیدن به روح کلی، جز ریاضت نفس و گذشتن از خوشی های زندگی راه دیگری نیست. آیین های دیگر هندی نیز مانند برهمنی از لحاظ نظری بر بدبینی نسبت به زندگی مادی مبتنی است و سعادت و نجات را در رهایی از قیده های مادی و وابستگی های جسمانی و سرانجام در ترک کلی دنیا می داند. آیین جین پیروان خود را به زهد، خودفرااموشی، ترک لذت ها و گونه ای رهبانیت افراطی دعوت می کند و برای روزه گرفتن و برهنگی اهمیت بسیار زیادی می دهد، به گونه ای که می نویسند: پایه گذار این آیین دوازده سال تمام در حال ریاضت، سکوت، برهنگی و تجرد به سر می برده و همواره دور از اجتماع زندگی می کرده است. حتی امروزه، نیمی از افراد این آیین تنها با یک لنگک به سر می برند. به اعتقاد اینان زندگی جز رنج نیست و هوس های نفسانی سرچشمه همه رنج ها است. پس باید خواهش های نفسانی را از خود دور کرد و خود را به ریاضت عادت داد. هم چنین در آیین یوگ که پیروان آن به نام جوکیان معروفند، بریدگی از جهان مادی به وسیله ریاضت های جان فرسا و تمرین های سخت و ترک همه چیز،

تنها راه رهایی از تجدید زندگی (یعنی تناسخ) و رسیدن به روح کلی و یگانه گشتن با آن است.

ترک دنیا و ریاضت کشی در آیین بودا نیز به عنوان یک اصل مسلم و اجتناب ناپذیر است. آیین بودا چند اصل اساسی دارد که چکیده آن چنین است:

تمام جهان، چه در گذشته انسان و چه در آینده اش، رنج و عذاب است و ریشه آن رنج ها، خواهش ها و لذت های نفسانی و دنیایی است. بنابراین، رهایی از وابستگی های مادی و خواهش های نفسانی، تنها وسیله سعادت انسان از بازگشت به زندگی مادی، یعنی تناسخ است و تنها در صورت دوری از بهره های دنیوی و کشتن هوای نفس می توان از عذاب نجات یافت.

بنابراین آیین بودایی بر اساس این اصل، بریدگی از دنیا، ترک بهره مندی از جلوه های دنیایی، گوشه نشین کردن و خوار شمردن جسم، ترک لذت ها و خواهش های نفسانی مانند ازدواج و دیگر وابستگی های مادی و سرانجام ریاضت کشی و فقر را می آموزد.

در هر حال، نتیجه بحث های گذشته این است که هندیان از زمان های بسیار قدیم همای سعادت را همواره در پشت پا زدن به دنیا و ریاضت کشی جست و جو می کرده اند و اساس آموزه های همه آیین ها و مسلک های هندی بر پایه بدینی به زندگی، فرار از دنیا، رهایی از قیدها و تمایلات و خوشی ها و تن دادن به سختی ها و شکنجه های گوناگون بوده است. (۱)

زهد در میان مسیحیان

زهد در میان مسیحیان

آن گونه که از متن اناجیل و تاریخ های گوناگون و منابع اسلامی به دست می آید، عیسی علیه السلام _ پیامبر نجات دهنده قوم یهود و بنی اسرائیل _ به زهد و پارسایی بیشتر

۱- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، عمید زنجانی، ص ۳۴ تا ۳۸ با گزینش.

توجه می کرد و به دنیا و جلوه های ظاهری زندگی مادی تمایلی نشان نمی داده است و نزدیک به سه سال پیامبری و رسالت خود را به حالت پارسایی، تجرد، گردش و خانه به دوشی به سر کرد و مردم را از دل بستن به دنیا و غوطه ور شدن در اندیشه های شیطانی، ثروت اندوزی، شهوت پرستی و دل بستگی های پست مادی منع کرده، به زهد و توجه بیش تر به معنویات و تهذیب نفس دعوت می نمود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد آن حضرت می فرماید:

وَإِنْ شِئْتَ قُلْتُ فِيعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَقَدْ كَانَ يَتَوَسَّدُ الْحَجَرَ، وَيَلْبَسُ الْخَشِنَ، وَيَأْكُلُ الْجَشَبَ، وَكَانَ إِدَامُهُ الْجُوعَ، وَ سِرَاجُهُ بِاللَّيْلِ الْقَمَرَ، وَ ضَلَالُهُ فِي الشِّتَاءِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا، وَ فَاكِهَتُهُ وَ رِيحَانُهُ وَ مَا تَنَبَّتِ الْأَرْضُ لِلْبَهَائِمِ، وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ تَفْتِنُهُ وَ لَا وَلَدٌ يَحْزَنُهُ، وَ لَا مَالٌ يَلْفِتُهُ، وَ لَا طَمَعٌ يُدِلُّهُ، دَابَّتُهُ رِجَالَهُ، وَ خَادِمُهُ يَدَاهُ! (۱)

و اگر می خواهی از عیسی بن مریم علیه السلام بگویم: که سنگ را بالش خود قرار می داد؛ لباس پشمی خشن به تن می کرد و نان خشک می خورد؛ نان خورش او گرسنگی، و چراغش در شب ماه، و پناه گاه زمستانی او شرق و غرب زمین بود؛ میوه و گل او سبزیجاتی بود که زمین برای چهارپایان می رویاند؛ زنی نداشت که او را فریفته خود سازد؛ فرزندی نداشت تا او را غمگین سازد؛ مالی نداشت تا او را سرگرم کند؛ و آز و طمعی نداشت تا او را خوار و ذلیل نماید؛ مرکب سواری او دوپایش و خدمت گزار وی دستهایش بود.

بنابراین، دعوت به زهد و بریدن از وابستگی های مادی و تأمین سعادتِ آخرت، از هدف های اساسی رسالت آن حضرت بوده است. شاید این امر را با وجود تمام دگرگونی ها و دگرگونی های زیادی که آیین مسیحیت را در طول قرون متمادی به صورت ها و اشکال گوناگونی در آورده است، بتوان غیرقابل تردید دانست.

علت این امر را می توان این گونه بیان کرد که حضرت عیسی علیه السلام وقتی به پیامبری برانگیخته شد، تمام قوانین و شریعت الهی حضرت موسی علیه السلام را تأیید کرد و باتوجه به این که تمام نیازهای اجتماعی آن روز، در شریعت حضرت موسی علیه السلام موجود بوده است، بنابراین لزومی نبوده است که قوانین جدیدی پدید آید. ولی مهم غوطه ور گشتن قوم یهود در شهوت رانی و دنیا پرستی بود. یهودیان بعد از دوران حضرت موسی علیه السلام بنا بر خوی پست خود، به دنیا گرایی پیدا کرده و روز به روز به زراندوزی و مال پرستی و توجه به امور مادی مشغول گردیدند؛ لذا ستم و جنایت و فساد در جامعه افزونی یافت. در نتیجه هدف اصلی رسالت حضرت عیسی علیه السلام از میان بردن اخلاق فاسد آن ها بود. پس آیین حضرت عیسی علیه السلام بر زهد و دوری از دنیا مبتنی بود.

البته آموزه های اخلاقی و زهدی که عیسی علیه السلام تعلیم می داد، غیر از رهبانیتی بود که در قرن های چهارم و پنجم میلادی به نام مسیحیت در میان مسیحیان پیدا شد؛ عده ای از زنان و مردان مسیحی به عنوان پیروی از مسیح علیه السلام و آیین وی در دیرها و صومعه ها اعتکاف کردند و در زندگی تنها به ریاضت و عبادت پرداختند. اگر عیسی مسیح علیه السلام در کمال زهد و سادگی به سر می برد و از همه چیز چشم پوشیده بود، برای این بود که بتواند با گفتار و کردارش هدف الهی و مبارزه مقدس خود را به نتیجه برساند. هم چنین حواریان آن حضرت نیز مأمور بودند که برای پیش برد هدف مسیح علیه السلام از روش وی پیروی نمایند. هرگز مسیح علیه السلام دستور نداده بود که پیروانش ازدواج نکنند و گوشه نشینی و دیرنشینی و ریاضت کشی و روزه داری پیش گیرند و تمام عمرشان را در گوشه دیر و بیابان به ریاضت و عبادت بگذرانند. (۱)

زهد در میان مسلمانان

زهد در میان مسلمانان

۱- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، ص ۷۲ تا ۷۷ با گزینش.

هر گاه از جنبه فرهنگی به اهل عرفان نگریسته شود، با عنوان «عرفا» و هر گاه جنبه اجتماعی شان در نظر باشد، بیشتر با عنوان «متصوفه» از آنان یاد می شود. هر چند عرفا و متصوفه یک گروه مذهبی در اسلام نیستند و خود نیز چنین ادعایی ندارند و در همه فرقه های اسلامی حضور دارند، با این حال یک گروه وابسته و به هم پیوسته اجتماعی هستند. یک رشته اندیشه ها و آداب ویژه در برخوردها، پوشش، آرایش ظاهری و سکونت در خانقاه ها و غیره به آنان در شکل یک فرقه خاص مذهبی - اجتماعی، رنگ مشخصی داده است. البته همواره - به ویژه در میان شیعیان - عارفانی بوده و هستند که هیچ امتیاز ظاهری با دیگران ندارند و با این حال عمیقاً اهل سیرو سلوک عرفانی می باشند؛ در حقیقت عارفان حقیقی همین هاینند، نه گروه هایی که صدها آداب از خود در آورده و بدعت ها ایجاد کرده اند. (۱)

نخستین شکل تصوف که به طور بی سابقه ای از نیمه قرن دوم هجری در تاریخ اسلام ظاهر گشت، همان روش رهبانیت و ترک دنیا بود که به جای آموزه های اعتدال گرای اسلامی به عنوان زهد و پارسایی در میان گروهی از مسلمانان افراطی که عده ای از آنان تازه مسلمان نیز بودند، گسترش یافت. (۲)

از میان عوامل خارجی و غیر اسلامی تشکیل دهنده تصوف رهبانیت نخستین مسلکی است که پیش از همه چیز در شکل گیری تصوف نقش داشته است. روش راهبان مسیحی بر گروهی از مسلمانان تأثیر گذاشته و به رفتارهای آنان در زندگی رنگ تازه ای بخشید. علت این امر این بود که مسیحیان در سراسر سرزمین های اسلامی پراکنده بودند و مسلمانان با آنان نشست و برخاست های بسیار داشتند؛ لذا بر آنانی که شیفته رهبانیت مسیحی گشته بودند، تأثیر گذاشته و افق تازه ای در این زمینه

۱- آشنایی با علوم اسلامی، مرتضی مطهری ره، ج ۲، ص ۷۱.

۲- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، ص ۱۷۷.

بر روی برخی مسلمانان گشوده شد، که بعدها نام تصوف به خود گرفت. (۱)

ابن جوزی در کتاب تلبیس ابلیس می گوید:

سبب اقبال مردم به تصوف این است که مدح زهد در نفوس جای گزین شده و پارسایی را بزرگترین چیزها شمرده اند و چون صورت ظاهر صوفیان را موافق زهد یافتند و نیز کلام آن ها را لطیف و رفیق دیدند، به آن ها گرویدند. درحالی که روش قدما برخلاف صوفیه خالی از خشونت و خشکی نبوده است. به اضافه تصوف، هم ظاهرش آراسته به پاکیزگی و تعبد و زهد است و هم باطنا راحت طبع می بخشد و آن خشکی را ندارد که از سماع و امور ذوقی جلوگیری کند. دیگر از علل محبوبیت صوفیه و انتشار تصوف آن است که این فرقه در اول امر از آن هایی که سرگرم کارهای دنیا هستند، احتراز می جستند. (۲)

خلاصه سخن ابن جوزی این است که مسلمانان صدر اسلام به خاطر دوست داشتن زهد و ساده زیستی و عدم دنیاگرایی به صوفیه گرایش پیدا کرده اند.

در قرن دوم، گروه ویژه ای در اسلام پیدا شدند که به خاطر نوع لباس و روش زندگی و سکونت خاصشان باید نامی جداگانه بر آنان نهاد؛ مانند ابراهیم ادهم (وفات ۱۶۱ - ۱۶۶ ه. ق.)، سفیان ثوری (وفات ۱۶۱ ه. ق.) و معروف کرخی (وفات ۲۰۰ ه. ق.). اینان دسته ای بودند که گوشه نشینی برگزیده و بر خود سخت می گرفتند.

در قرن سوم با پیدایش و گسترش فلسفه در نزد مسلمانان، آموزه های خاصی در طریقت تصوف راه یافت و به صورت علمی و مسلکی امتیاز پیدا کرد و آموزه های عرفانی مانند وحدت وجود و فناء فی الله و بقاء فی الله از این قرن به بعد وارد تصوف گردید. افرادی همچون جنید بغدادی (وفات ۲۹۰ ه. ق.) و حارث محاسبی (وفات ۲۴۳ ه. ق.)

۱- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، صص ۲۵۹ و ۲۶۰ با گزینش.

۲- تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن، کریم نیرومند محقق، ص ۱۳۱.

ه. ق) در این دوره می زیسته اند.

تصوف در قرن چهارم و پنجم اساس محکمی یافت و دارای مبانی، کلیات و آداب و رسوم خاصی گشت. خواجه عبدالله انصاری (وفات ۴۸۱ ه. ق) و باباطاهر در میانه قرن پنجم در این دوره بوده اند. جدال و کشمکشی که سخت کیشان معتزلی، اشعری، شیعه و سنی را به خود مشغول کرده بود، به صوفیه فرصتی داد تا بیش تر به خود برسند و دسته ای از مردم نیز به آن ها گرویدند.

در قرن ششم تصوف و عرفان به دست افرادی چون امام احمد بن محمد بن احمد غزالی برادر امام محمد غزالی رونق یافت و تا اندازه ای آموزه های آن ها گردآوری گشت.

در قرن هفتم و هشتم دو مکتب بزرگ در تصوف اسلامی پدیدار گشت: یکی مکتب مولوی و دیگری مکتب سهروردی؛ که در قرن هشتم و نهم مکتب سهروردی و ابن عربی رونق یافته و با عرفان در آمیخت.

تصوف از قرن دهم تا چهاردهم وارد مرحله جدیدی شد و صوفیان بیش تر در کنار عمل به دستوره های خود، به حاکمان زمان نیز نزدیک شدند و در بسیاری موارد به انحراف از خط اصیل اسلام دچار گشتند؛ به گونه ای که حتی برخی از فرقه های آن خود را از عبادت های واجب شرعی نیز بی نیاز دانستند.^(۱)

علاوه بر کتب ذکر شده، برخی دانشمندان اسلامی بحث مستقلی را تحت عنوان زهد اختصاص داده اند. از آن جمله می توان به بحارالانوار جلد ۷۰ صفحه ۳۰۹ تا ۳۲۳ تحت عنوان زهد و درجات آن و کتاب المحججه البیضاء جلد ۷ صفحه ۳۱۳ تا ۳۷۶ تحت عنوان کتاب الفقر و الزهد و کتاب کیمیای سعادت جلد ۲ صفحه ۴۱۹ تا

۱- تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن، کریم نیرومند محقق، ص ۱۴۲ تا ۱۵۵ با گزینش.

۴۵۳ تحت عنوان کتاب فقر و زهد اشاره کرد.

معرفی دو کتاب مهم درباره زهد

معرفی دو کتاب مهم درباره زهد

۱_ کتاب الزهد، نوشته حسین بن سعید کوفی اهوازی: این کتاب که تحقیق آن به دست آقای غلامرضا عرفانیان به انجام رسیده، در بیست باب گردآوری شده است و هر باب احادیثی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام درباره مصادیق زهد در بردارد. بعضی از موضوعات احادیث این کتاب، عبارتند از: حُسن خلق، تفکر، سوء خلق، برحذر داشتن از دنیا، تواضع، تقوا، مذمت ریا، نفاق، عجب، کبر، شرک و تنبه زاهد به مضرات آن ها، معرفت حسن توبه و ندامت و اقرار قبل از موت، گریه به خاطر خشیت الهی، ذکر موت و قبر، مؤمن و کافر پس از مرگ، در قبر و عذاب و برزخ، اوضاع حشر و نشر و حساب و موقف و صراط. پژوهش گر محترم سند همه احادیث کتاب را در پاورقی آورده است.

۲_ زهد اسلامی نوشته سید محمد شفیعی مازندرانی: این کتاب هشت بخش دارد که در آن ها نویسنده محترم کوشیده است مهم ترین مسائل زهد اسلامی را با توجه به روایات و سخنان بزرگان به رشته تحریر در آورد.

موضوعات این کتاب عبارتند از: معنای زهد، اهمیت زهد، ارکان زهد اسلامی، عوامل پیدایش و تقویت زهدگرایی، دیدگاه ها در تفسیر زهد، ویژگی های زهد اسلامی، راز زهدورزی بعضی از فرزندگان، برخی از آثار حیات بخش زهد در زندگی و نگاهی به زندگی پیشوای زاهدان امام صادق علیه السلام.

اهمیت و ضرورت زهدورزی

اهمیت و ضرورت زهدورزی

در اندیشه اسلامی زهد به معنای گوشه گیری و دوری از دنیا و روی آوری به عبادت تنها نیست؛ چون این مفهوم، سکون و مردگی را نهادینه می کند، بلکه مفهوم درست زهد به معنای بی رغبتی و وابسته نبودن به دنیا است که به انسان پویایی و

حرکت می بخشد. (۱)

بنابراین، زهد برای همه مسلمانان ضروری و برای رهبران جامعه ضروری تر است. در این جا به اهمیت و ضرورت زهد که در سخنان امامان معصوم علیهم السلام بیان گردیده، اشاره می شود.

امام هشتم علیه السلام فرمودند:

وَاللَّهِ لَئِنْ صِرْتُ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ لَأَكُلَنَّ الْخَبِيثَ بَعْدَ الطَّيِّبِ وَلَا لِبَسَنَ الْخَشِينِ بَعْدَ اللَّيِّنِ وَلَا تُعَبِّنَ بَعْدَ الدِّعَةِ. (۲)

به خدا قسم اگر به رهبری جامعه دست یابم، ناخوشایندترین غذاها را خواهم خورد، در حالی که اکنون غذاهای گوارا می خورم؛ و نیز خشن ترین لباس ها را خواهم پوشید، در حالی که اکنون از لباس های نرم استفاده می کنم؛ و به کارهای سخت خواهم پرداخت، با آن که اکنون از آسایش و رفاه برخوردارم.

روزی یکی از اطرافیان امام صادق علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: اگر نعمت های بنی عباس از آن شما بود، ما هم با شما در عیش و خوشی بودیم. حضرت فرمود: «هرگز، اگر چنین بود، برای ما جز نگهداری شبانه و تلاش روزانه و پوشاک زبر و درشت و خوراک سخت و بی خورش، چیزی نبود.» (۳)

از مسایل بسیار مهمی که در ارتباط با مسئولان حکومتی در روایت های امامان معصوم علیهم السلام بسیار تأکید شده، شرکت داشتن مسئولان با مردم در سختی های روزگار است. بر حاکمان دولت اسلامی لازم و واجب است که مانند فقیرترین افراد اجتماع زندگی کنند تا بدین وسیله فقیران به حاکمان اقتدا کرده و ثروتمندان، از اندازه خود فراتر نروند.

۱- حق و باطل، مرتضی مطهری، ص ۱۳۷ گزینش.

۲- زهد اسلامی، محمد شفیعی مازندرانی، ص ۹۰، به نقل از مکارم الاخلاق، ص ۱۵۵.

۳- اصول کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، ج ۲، ص ۲۷۳.

امام علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِحَلْقِهِ، فَفَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ مَلْبَسِي كَضَعْفَاءِ النَّاسِ، كَيْ يَفْتَدِيَ الْفَقِيرَ بِفَقْرِي وَ لَا يُطْغِيَ الْغَنَى عِنَاهُ. (۱)

خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داد و بر من واجب ساخت که درباره خود و خوراک و نوشیدنی و پوشاکم، مانند مردم ضعیف و مستمند، بر خود تنگ گیرم، تا فقیر از فقر من پیروی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان ننماید.

هم چنین به فرموده امام علی علیه السلام مسئول باید به فکر فقیران دوردست ترین جاهای کشور اسلامی باشد و خود را با آن ها وفق دهد:

هَيْهَاتَ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ، وَ يَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعَمَةِ - وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ، وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّبِيعِ - أَوْ آيَّتِ مِطْنَانَا وَ حَوْلِي بُطُونٌ غَرَثِي وَ أَكْبَادٌ حَرَى (۲)؛

هرگز هوا و هوس بر من غلبه نمی کند و حرص و طمع مرا وانی دارد که غذاهای لذیذ برگزینم، در حالی که ممکن است در سرزمین حجاز یا یمامه کسی باشد که حتی به دست آوردن قرصی نان را امید نداشته باشد و هرگز شکمی سیر نخورده باشد. آیا من با شکمی سیر بخوابم، در حالی که در اطرافم شکم های گرسنه و کبدهای سوزانی باشند؟

امام علی علیه السلام عنوان امام و مسئول و رئیس داشتن را کافی نمی داند؛ بلکه همگام بودن با مردم در تلخی های زندگی را امر می کند:

أَقْعُ مِنْ نَفْسِي بَأَنْ يُقَالَ: هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ لَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ، أَوْ أَكُونَ أَسْوَأَ لَهُمْ فِي جُشُوبِهِ الْعَيْشِ! فَمَا خُلِقْتُ لِيَسْخَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ، كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ، هَمُّهَا عَلْفُهَا، أَوِ الْمُرْسَلَةِ شُغْلُهَا تَقَمُّمُهَا، تَكْتَرِشُ مِنْ أَعْلَافِهَا، وَ تَلْهُو عَمَّا يُرَادُ بِهَا، أَوْ أُتْرَكَ

۱- اصول کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲- صبحی صالح، پیشین، نامه ۴۵، ص ۴۱۸.

سُدَى، أَوْ أَهْمَلَ عَابِثًا، أَوْ أَجْرَ حَبْلِ الضَّلَالَةِ أَوْ أَعْتَسَفَ طَرِيقَ الْمَتَاهَةِ! (۱)؛

آیا به همین راضی باشم که مرا امیرالمؤمنین خوانند و در تلخی های روزگار با مردم شریک نباشم؟ و در سختی های زندگی الگوی آنان نگردم؟ آفریده نشده ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد؛ همچون حیوان پرواری که تمام همت او علف، و یا چون حیوان رها شده ای که شغلش چریدن و پر کردن شکم بوده، و از آینده خود بی خبر است. آیا مرا بیهوده آفریدند؟ آیا مرا به بازی گرفته اند؟ آیا ریسمان گمراهی در دست گیرم؟ و یا در راه سرگردانی گام بگذارم؟

هم چنین امام صادق علیه السلام در مورد هم دردی نبی اکرم صلی الله علیه و آله با مردم زمان خود، به سفیان ثوری می فرماید:

أَخْبَرَكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ فِي زَمَانٍ مُقْفَرٍ جَشَبٌ (۲)؛

بدان که پیغمبر صلی الله علیه و آله در دورانی می زیست که آب و علفی نبود و مردم همه با غذاهای خشن و ناگوار به سر می بردند، [و ناچار پیامبر چنان می زیست که مردم دیگر زندگی می کردند].

وظیفه هم دردی با ضعیفان جامعه اسلامی بر آحاد مسلمانان واجب و لازم است، ولی بر پیشوایان و مسئولان واجب تر و لازم تر است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعد از جنگ جمل در بصره، وقتی برای عیادت صحابی خود، علاء بن زیاد که بیمار بود، بر او وارد شد. وقتی خانه بسیار آراسته و گسترده او را دید، فرمود: «با این خانه وسیع در دنیا چه می کنی؟ در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری. آری اگر بخواهی می توانی با همین خانه به آخرت برسی. در این خانه وسیع مهمانان را پذیرایی کنی؛ به خویشاوندان با نیکوکاری مرتبط باشی؛ و حقوقی که بر گردن تو است به صاحبان حق برسانی؛ پس آن گاه با همین خانه وسیع به

۱- صبحی صالح، پیشین، نامه ۴۵، ص ۴۱۸.

۲- تحف العقول، ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی، ص ۴۰۲.

آخرت نیز می توانی پردازی.

علاء به حضرت عرض کرد: یا امیرالمؤمنین از برادرم عاصم بن زیاد به شما شکایت می کنم. فرمود: چرا؟ گفت: عبایی پوشیده و از دنیا کناره گرفته است. امام فرمود او را بیاورید. وقتی آمد، امام فرمود: ای دشمن جان خویش، شیطان سرگردانت کرده، آیا به زن و فرزندان رحم نمی کنی؟ تو پنداری که خداوند نعمت های پاکیزه اش را حلال کرده، اما دوست ندارد تو از آن ها بهره گیری؟ تو در برابر خدا کوچک تر از آنی که این گونه با تو رفتار کند.

عاصم گفت: یا امیرمؤمنان، پس چرا خود با این لباس خشن، و غذای ناگوار به سر میبری؟

امام فرمود:

وَيَحْكُكُ، إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ، إِنَّ اللَّهَ - تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّهِ الْعَدْلَ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ، كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ (۱)؛

وای بر تو، من مانند تو نیستم؛ خداوند بر پیشوایان حق، واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگ دست را به هیجان نیاورد، و به سرکشی نکشاند.

در هر حال دنیا طلبی و عدم هم دردی با فقرا آفتی بسیار بزرگ برای مسئول و کارگزار در نظام اسلامی است.

ص: ۳۱

بخش دوم: حقیقت زهد

اشاره

بخش دوم: حقیقت زهد

در این فصل نخست دو دیدگاه درباره حقیقت زهد، سپس چند شبهه و سرانجام رابطه زهد با مفاهیم دیگر بررسی می شود.

دو دیدگاه درباره زهد

اشاره

دو دیدگاه درباره زهد

درباره حقیقت زهد دو دیدگاه جداگانه وجود دارد. یکی زهد را مانند رهبانیت مسیحی، در ترک دنیا و چله نشینی برای عبادت و ریاضت می داند و دیگری آن را در ترک دنیاخواهی و دل بریدن از دنیا می داند.

الف) زهد ترک دنیا است: برخی معتقدند کار دنیا و کار آخرت از یکدیگر جداست. بدین معنا که ما دو نوع کار داریم؛ بعضی کارها به رابطه فرد با اجتماع و با دنیای اطراف خود مربوط است، در مقابل، کارهای دیگری هست که به رابطه شخصی با خدا مرتبط است که همان عبادت و پرستش می باشد. عبادت یعنی دعا خواندن، روزه گرفتن و ریاضت کشیدن. پس زهد یعنی رها کردن زندگی اجتماعی و پرداختن به اعمال عبادی. بنابراین، برای زاهد شدن راهی بجز جدا کردن خود از جامعه نداریم، و باید انزواطلبی و گوشه گیری انتخاب کرد. نتیجه این امر همان رهبانیتی است که در دنیای مسیحیت رایج بوده است و اسلام آن را نمی پذیرد.

برخی دیگر می گویند همه کارهای دنیا را ما براساس وظیفه انجام می دهیم، ولی حساب لذت دنیا از لذت آخرت جداست؛ در واقع زهد ترک لذت دنیایی است.

انسان در دنیا باید بکوشد که لذت نبرد؛ زیرا هرچه در این دنیا لذت ببرد، از لذت آخرتی اش کاسته می شود. اینان نمی گویند که باید کار و کسب و زندگی را رها کرد، بلکه می گویند براساس وظیفه انجام می دهیم؛ زیرا خوشی های دنیا از خوشی های آخرت می کاهد. (۱)

نکته دیگر این که به باور این دسته، زهد امری قلبی است، نه عملی. یعنی از مرحله قلب به مرحله عمل سرایت نمی کند؛ زیرا اگر به عمل سرایت کند، پی آمدهای ویران کننده ای خواهد داشت که همان رهبانیت است. آنان این نکته را با توجه به حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر معنای زهد، ابراز می نمایند که غمگینی و شادی که در آیه «لَكَيْلًا تَأْسُوْا عَلٰی مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوْا بِمَا آتَاكُمْ» اشاره شده، مربوط به قلب است نه عمل. (۲)

ب) زهد ترک دنیا طلبی است: مفهوم درست و دقیق زهد بدین صورت است که اسلام میان دنیا و آخرت آن گونه که کارها را دو دسته کند، قائل نیست. از نظر اسلام کارهای دنیایی نیز می تواند به آخرت مربوط باشند. در اسلام تجارت یا زراعت، هم می تواند جنبه مالی و دنیایی داشته باشد و هم جنبه آخرتی. در واقع به هدف شخص بستگی دارد. اگر کسب و کار از راه مشروع باشد، این کار از نظر اسلام عبادت است. بنابراین، در اسلام امور دنیایی از آخرتی جدا نیست و در قلمرو عبادت می گنجد. آن چه مکتب های دیگر آن ها را جزو عبادت می شمارند از نظر اسلام جزو زندگی دنیاست؛ یعنی رفتارهای عبادی مانند نماز و روزه نه تنها برای آخرت مفید است، برای دنیا نیز سودمند است.

۱- حق و باطل، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۱۳۹ تا ۱۴۳ با گزینش. نک: کیمیای سعادت، محمد غزالی، ج ۲، ص ۴۲۰ تا

۴۳۵؛ معراج السعاده، احمد نراقی، ص ۲۷۵ و ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۳۰.

۲- عرفان اسلامی، حسین انصاریان، ج ۸، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

ولی اگر کارها از راه غیر مشروع بود، نه تنها برای آخرت ضرر دارد برای دنیا هم چنین است؛ مثل ربا و قمار و دیگر گناهان، که هم برای دنیا و هم برای آخرت زیان آورند. (۱)

در احادیث بسیاری امور دنیایی تکمیل کننده امور آخرتی شمرده شده است، به گونه ای که اگر انسان می خواهد در آخرت برداشت خوبی داشته باشد، می باید در دنیا آن را به ثمر نشانند.

در پاسخ آنانی که می گویند زهد به معنای ترک دنیا است، باید گفت در اسلام قطعاً چنین نیست؛ یعنی لذت های آخرتی نتیجه محرومیت های عمدی بشر برای خود نیست؛ بلکه زائیده عوامل دیگر است. بنابراین، نظریه ای که می گوید اگر انسان در دنیا لذت برد در آخرت از لذت های او کاسته می شود و بالعکس، از نظر اسلام مردود است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

وَأَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ، فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ، وَ لَمْ يَشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ، سَيَكُونُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَيَكُونَتْ، وَ أَكَلُواهَا بِأَفْضَلِ مَا أُكِلَتْ، فَحَظُّوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظَّ بِهِ الْمُتْرَفُونَ، وَ أَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَابِرَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ، ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ، وَ الْمَشَجِرِ الرَّابِحِ. أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ، وَ تَيَقَّنُوا أَنَّ هِمَّ جِرَانِ اللَّهِ غَدَا فِي آخِرَتِهِمْ. لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ، وَ لَا يَنْقُصُ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنْ لَذَّةِ؛ (۲)

بندگان خدا بدانید که پرهیزکاران دنیا را پشت سر گذاشته و بهره آخرت را بردند. با مردمان دنیا در دنیایشان شریک گشتند، و مردم دنیا در آخرت آنان شرکت نداشتند. در دنیا در بهترین خانه ها زندگی کردند، از بهترین خوراکی ها خوردند، از لذتی که خوش گذران ها

۱- حق و باطل، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۱۴۲.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۲۷، ص ۳۸۳ و ۳۸۴.

در دنیا بردند، بهره مند گردیدند؛ از سودی که ستمگران خودخواه بردند بهره گرفتند، با این حال، از آن سرمایه معنوی هم که آنان را به بهشت برساند و از آن تجارتی که برای آخرت سودمند باشد، برخوردار گردیدند. در دنیا طعم لذت زهد چشیدند و یقین کردند که فردا در آخرت همسایه خدا گردند. دست دعای آنان برتابد و بهره شان از لذت کاهش نیابد.

بنابراین، طبق فرمایش حضرت علی علیه السلام زهد ترک دنیا و لذت های آن نیست؛ بلکه به گونه ای است که زاهدان از بهترین بخشش های خداوندی سود می برند و با این حال طعم لذت زهد را نیز چشیده اند و در آخرت هم به جای لذت دنیا، چیزی از آن ها کم نخواهد شد. پس وابسته نبودن به دنیا، بنده و برده دنیا نبودن، می تواند با بهره مندی از دنیا و ترک نکردن دنیا همراه باشد.

در اسلام بعضی لذت های دنیایی، حرام است. چنان چه شخصی از لذت حرام بهره گیرد، از لذت های آخرتی محروم خواهد شد؛ اگرچه کیفر هم در پی دارد، ولی لذت های حلال چنین نیست؛ به دلیل این که هم برای جنبه های روحی و جسمی فرد مفید است و هم برای جنبه های اجتماعی.

قرآن می فرماید:

«وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ (۱)؛ چیزهای پاکیزه را بر آنان حلال می شمارد، و ناپاکی ها را حرام می داند.»

و در جای دیگر می فرماید:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ (۲)؛ بگو چه کسی زینت های الهی را که بر بندگان خود آفریده، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟»

و همچنین می فرماید:

۱- اعراف، آیه ۱۵۷.

۲- اعراف، آیه ۳۲.

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن الطَّيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی دادیم، بخورید.»

و خطاب به پیامبران الهی می فرماید:

«يا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا (۲)؛ ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و کردار صالح انجام دهید.»

پس چنین منطقی در زمینه زهد در اسلام وجود ندارد که کسی از لذت حلال دنیا چشم پوشی کند تا در عوض لذتی در آخرت به او ببخشند. البته اسلام با لذت پرستی هرچند از راه حلال موافق نیست، حتی اگر شخص خودش را در لذت های حلال گرفتار کند کار حرامی نکرده است؛ گرچه اگر غرق در لذت های حلال نشود، عمل اخلاقی بزرگی انجام داده است. (۳)

علت این است که آن چه به نام زهد در اسلام وجود دارد، یک امر واجب نیست؛ بلکه یک فضیلت و کمال است؛ فضیلت و کمالی که فلسفه و هدفی دارد.

نکته دیگر در مورد زهد این بود که زهد تنها یک امر قلبی است و به عمل انسان سرایت نمی کند. در صورتی که چنین نیست؛ بلکه بیش ترین کارکرد زهد در عمل انسان نمایان می گردد نه در قلب و طبعاً این آثار گران بها در جامعه نتیجه های بسیار مثبتی برجای می گذارد. استاد شهید مطهری رحمه الله در این زمینه می فرماید:

زاهد از آن نظر که دلبستگی هایی معنوی و اخروی دارد، به مظاهر مادی زندگی بی اعتنا است. این بی اعتنایی و بی توجهی تنها در فکر و اندیشه و احساس و تعلق قلبی نیست و در مرحله ضمیر پایان نمی یابد. زاهد در زندگی عملی خویش سادگی و قناعت را پیشه می سازد و از تنعم و تجمل

۱- بقره، آیه ۱۷۲.

۲- مؤمنون، آیه ۵۱.

۳- حق و باطل، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۱۴۳ تا ۱۴۶، با گزینش.

و لذت گزایی پرهیز می نماید.

زندگی زاهدانه آن نیست که شخص فقط در ناحیه اندیشه و ضمیر، وابستگی زیادی به امور مادی نداشته باشد، بلکه این است که زاهد عملاً از تنعم و تجمل و لذت گزایی پرهیز داشته باشد. زهاد جهان آن ها هستند که به حداقل تمتع و بهره گیری از مادیات اکتفا کرده اند. شخص علی علیه السلام از آن جهت زاهد است که نه تنها دل به دنیا نداشت، بلکه عملاً نیز از تمتع و لذت گزایی ابا داشت و به اصطلاح تارک دنیا بود. (۱)

حدیث شریف معراج شاهی عملی در زمینه زهد است:

به نبی اکرم صلی الله علیه و آله خطاب می شود که:

يَا أَحْمَدُ إِنَّ أَحَبَّتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعُ النَّاسِ فَازْهَيْدْ فِي الدُّنْيَا وَ ارْغَبْ فِي الْآخِرَةِ، فَقَالَ: يَا إِلَهِي كَيْفَ أَرْهَدُ فِي الدُّنْيَا وَ ارْغَبُ فِي الْآخِرَةِ؟ قَالَ: خُذْ مِنَ الدُّنْيَا خَفًّا مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ اللَّبَاسِ، وَ لَا تَدَّخِرْ لِعَدِّ. (۲)

ای احمد اگر می خواهی پرهیزگارترین مردم باشی، پس در دنیا زهد پیشه کن و به آخرت روی آور. آن حضرت فرمود: خدایا! چگونه زهد پیشه نمایم و به آخرت روی آورم؟ خطاب رسید: در دنیا، غذا و نوشیدنی و لباس کمی استفاده کن و برای فردای خود ذخیره مکن.

نتیجه این که چگونگی زهدورزی بهره گیری کم از دارایی دنیا است؛ زیرا این بهره گیری کم سبب بازدهی زیاد است. در واقع زهد همان برداشت کم برای بازدهی زیاد است.

بازدهی های انسان در مقایسه با امور مادی رابطه معکوس دارند، هم در مسائل عاطفی و اخلاقی و اجتماعی و هم در مسائل شرافت و کمال و صعود انسانی.

۱- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۲۱۴.

۲- محمدی ری شهری، پیشین، ج ۴، ص ۲۵۷.

برخوردار بودن و بهره مندی زیاد انسان از امور مادی و طبیعی و اسراف در لذت های مادی او را در امور معنوی و کمال انسانی ضعیف و زبون می سازد. برعکس چنان چه از امور دنیایی بهره کم تری ببرد _ البته به اندازه _ روح او جلا و صفا یافته، نیرومند می گردد. ولی ویژگی حیوان بدین گونه است که با بهره مندی بیش تر از امکانات دنیایی، بیش تر به کمال حیوانی اش نزدیک می گردد؛ البته در موارد هنرنمایی باید از امور دنیایی کمتر بهره گیرد؛ مثلا- اسب های مسابقه ای، باید کمتر بخورند و بیشتر تمرین کنند. (۱)

بررسی چند شبهه

بررسی چند شبهه

شبهه نخست: آیا زهد موجب ضعیف شدن نیروهای جسمی _ روحی انسان نمی شود؟

زهد به معنای کمتر از اندازه خوردن نیست؛ بلکه دل بسته نبودن به زخارف دنیا، رکن اصلی زهد است. و گرنه صحیح نیست که توصیه کنیم افراد کمتر از اندازه بخورند. طبیعی است که تغذیه ناسالم و غیر کافی انسان را بیمار کرده و حتی ممکن است به مرگ زودرس دچار کند. اگر کسی بر اثر تغذیه غیر کافی خود را بیمار نماید، این ستم به خویشتن است، نه زهد!

زهد تمرین روح است. انسان با زهد، روحش را تقویت نموده، دل بستگی های دنیایی را از خود دور می سازد و سبکبال می گردد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام از تقوا و زهد به عنوان ورزش تعبیر می نماید: «وَ إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوْضُهَا بِالتَّقْوَى (۲)؛ همانا نفس خویش را با تقوا ورزش می دهم.»

انسان زاهد نه تنها ضعیف و زبون نمی گردد، بلکه قدرت و نیروی روحی بسیار

۱- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۲۴۷ تا ۲۴۹، با گزینش.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۴۵، ص ۴۱۷.

زیادی می یابد. هرچه درجه زهد کامل تر گردد، زاهد، دارای قدرت روحی بیش تری می گردد. نتیجه بحث گذشته، یعنی استفاده کم و بازدهی زیاد، افزایش قدرت روحی انسان است. بهر حال هرچه انسان نفسش را با تقوا بیش تر ورزش دهد، به کمال الهی نزدیک تر شده، روحی قوی خواهد یافت.

علاوه بر این، زهد، به افزایش توان جسمی انسان می انجامد؛ زیرا انسان هرچه از تن پروری و تنبلی فاصله گیرد، قدرت جسمی اش افزایش می یابد و همان گونه که ثابت گردیده، توانایی جسمی انسان در خوردن و خوابیدن زیاد نیست.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به عثمان بن حنیف می نویسد:

وَكَاَنِّي بِفَائِلِكُمْ يَقُولُ: «إِذَا كَانَ هَذَا قُوتُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَدْ قَعِدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنِ قِتَالِ الْأَقْرَانِ، وَمُنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ». أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْعَجْرِيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا، وَالرَّوَاتِحَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا، وَالنَّابِتِيَّاتِ الْعَمْدِيَّةَ أَقْوَى وَقُودًا، وَابْطَأَ حَمُودًا. وَ أَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ كَالضُّوءِ مِنَ الضُّوءِ وَالذَّرَاعِ مِنَ الْعُصْدِ. وَاللَّهِ لَوْتَظَّاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَيَّ قِتَالِي لَمَا وَ لِيَتْ عَنْهَا. (۱)

شاید کسی از شما بگوید: اگر خوراک فرزندان ابوطالب این است، باید در کاروزار با قهرمانان ضعیف باشد و نتواند با جنگاوران نبرد نماید. باید توجه داشت که چوب درخت بیابانی محکم ترین چوب است و درخت های سبز که در شهرها می روید، پوستش نازک تر و شعله درخت های بیابانی زیادتر و دوامش بیش تر است. نسبت من به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم همانند نسبت روشنی به نور و یا مانند نسبت دست به بازو است. به خدا سوگند اگر تمام عرب پشت به پشت هم دهند که با من درآویزند، من به آنان پشت نمی کنم.

شبهه دیگر این است که آیا زهد عامل فقر نیست؟

پاسخ این است که زهد به معنای کم کاری و تنبلی نیست؛ بلکه زهد به

وابستگی ها و دلبسته نبودن به دنیا مربوط است. در زمینه زهد اسلام به دو گونه قدرت معتقد است: یکی قدرت اخلاقی و دیگری قدرت اقتصادی. از لحاظ روحی و اخلاقی انسان باید آن قدر خود را نیرومند سازد که مال و ثروت دنیا نتواند او را بنده خود کند، و از نظر اقتصادی نیز باید بکوشد تا مال و ثروت را از راه مشروع به دست آورد و از آن بهره گیرد(۱).

بنابراین در اسلام توصیه گردیده است که زاهد از توانایی مادی نیز بهره مند باشد تا بتواند در حل دشواری های خود و جامعه گام بردارد.

زهد و مفاهیم دیگر

اشاره

زهد و مفاهیم دیگر

زهد با برخی صفت های اخلاقی دیگر به گونه ای ارتباط دارد که در این جا بدان ها پرداخته می شود.

۱_ رابطه زهد و ایمان

۱_ رابطه زهد و ایمان

زهد و ایمان به گونه ای با هم ارتباط تنگاتنگ دارند که زهد را شرط چشیدن لذت ایمان دانسته اند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ فِي قَلْبِهِ حَتَّى لَا يُبَالِيَ مِنْ أَكْلِ الدُّنْيَا، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: انسان شیرینی ایمان را در قلبش نمی یابد مگر این که به بهره های دنیایی بی اعتنا باشد. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: چشیدن شیرینی ایمان بر دل های شما حرام است، مگر این که در دنیا زهد پیشه کند.

۱- حق و باطل، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۱۲۸.

۲- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۴۹ و تفسیر نور الثقلین، عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، ج

دل‌بستگی به دنیا و دل‌بسته بودن به خدا (ایمان به خدا) نقیض یکدیگرند؛ چون خدای تعالی تنها یک دل برای آدمی قرار داده است، کسی که زهد پیشه ساخته و به دنیا دل نمی‌بندد، محبت و دل‌بستگی به دنیا از قلبش بیرون شده، طعم واقعی ایمان را خواهد چشید.

گروهی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم عرض کردند: ما ایمان آورده ایم. حضرت فرمود: نشانه ایمانتان چیست؟ گفتند: صبر هنگام بلا، شکر هنگام سختی، خوشنودی به سرنوشت الهی و ناراحتی نکردن در مصیبت هنگام چیرگی دشمنان. آن گاه حضرت فرمود:

فَإِنْ كُنْتُمْ كَذَلِكَ فَلَا تَجْمَعُوا مَالًا تَأْكُلُونَ وَلَا تَبْنُوا مَالًا تَشْكُونَ وَلَا تَنَافِسُوا فِيمَا عَنهُ تَزْحَلُونَ (۱).

پس اگر این چنین هستید، نباید آن چه را نمی‌خورید جمع و ذخیره کنید و نباید خانه‌ای بسازید که در آن سکنی نمی‌گزینید و نباید در آن چه آن را ترک می‌کنید، دل ببندید.

در این روایت، زهد، تکمیل‌کننده ایمان معرفی شده است. در بعضی روایت‌های دیگر زهد اساس و اصل ایمان و یقین دانسته شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الزُّهُدُ أَسَاسُ الْيَقِينِ» (۲).

بنابراین، تا آدمی از دنیا دل نکند، به آخرت باورمند نخواهد شد. همین معنا در کلام دیگری از آن بزرگوار نقل شده است:

«زُهِدُ الْمَرْءِ فِيمَا يُفْنَى عَلَى قَدَرِ يَقِينِهِ بِمَا يَبْقَى؛ (۳) دل‌کندن آدمی به آن چه فانی می‌گردد به اندازه یقین اوست به آن چه باقی می‌ماند.»

۱- محسن فیض کاشانی، پیشین، ج ۷، ص ۳۵۲.

۲- غررالحکم و درالکلم، عبدالواحد آمدی، برگردان: محمدعلی انصاری، ج ۱، ص ۲۱.

۳- آثارالصادقین، صادق احسان بخش رشتی، ج ۸، ص ۵۴.

بنابراین نیکوترین خلقی که انسان را به خدای تعالی نزدیک می کند، زهد و آن چه ایمان را فاسد می نماید، دل بستن به دنیا است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

حُسْنُ الزُّهْدِ مِنْ أَفْضَلِ الْإِيمَانِ وَ الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْإِيْقَانِ (۱)؛

زهد خوب نتیجه برتری ایمان است و دل بستن به دنیا یقین را فاسد می نماید.

نیز امام صادق علیه السلام فرمودند:

لَمْ يَطْلُبْ أَحَدٌ الْحَقَّ بِبَابِ أَفْضَلُ مِنَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ ضِدُّ لِمَا طَلَبَ أَعْدَاءُ الْحَقِّ. [عن عبدالله بن سلام] قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مِمَّاذَا؟ قَالَ: مِنَ الرَّغْبَةِ فِيهَا (۲)

هیچ کسی حق را در جایی بهتر از بی رغبتی به دنیا نمی جوید. زهد ضد چیزی است که دشمنان حق می جویند. عبدالله بن سلام می گوید: پرسیدم: فدایت شوم چرا چنین است؟ فرمود زیرا به دنیا دل بسته اند.

۲_ رابطه زهد و تقوا

۲_ رابطه زهد و تقوا

تقوا در فرهنگ احادیث یعنی از خدا ترسیدن. امامان معصوم علیهم السلام چنین صفتی را در آدمی عامل زهد و بی رغبتی به دنیا معرفی کرده اند. با این اندیشه، به دست می آید که حلال دنیا حساب و حرامش کیفر دارد. اگر آدمی از حساب و کیفر الهی پروا داشته باشد، لزوماً به دنیا بی رغبت می شود و به اندک آن بسنده می کند؛ به تعبیر دیگر تقوا سبب زهد می شود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

مَنْ رَغِبَ بِالتَّقْوَى زَهَدَ فِي الدُّنْيَا (۳)؛

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۷۸.

۲- کلینی، پیشین، ج ۳، ص ۱۹۶، و نیز بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۵۶ و وسایل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۱۳، حدیث ۲۰۸۳۴.

۳- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۰.

هر که پروا پیشه کند به دنیا بی رغبت می گردد.

از امام حسن مجتبی علیه السلام در معنای زهد پرسیدند، آن حضرت فرمود:

الرَّغْبَةُ فِي التَّقْوَى وَالزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا (۱)؛

[زهد یعنی] میل به پروا پیشگی و بی رغبتی به دنیا.

۳_ رابطه زهد و فقر

۳_ رابطه زهد و فقر

چه ارتباطی میان بی میلی به دنیا و بی بهرگی از آن است؟ پاسخ این است که این دو از یکدیگر کاملاً جدایند. یکی پسندیده و دیگری ناپسند است. نیز یکی خواسته و دیگری ناخواسته است. زهد با برخورداری از مال منافی نیست؛ ولی فقر یعنی نابرخورداری از آن. بسا زاهدی که دارا است و بسا فقیری که زاهد نیست. زهد صفتی قلبی است؛ اما فقر پدیده ای خارجی است.

علی علیه السلام درباره زشتی فقر به فرزندش، محمد بن حنفیه می فرماید:

يَا بُنَيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ، فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَمْتِ (۲)

من از فقر درباره تو می ترسم. از فقر به خدا پناه بر؛ زیرا فقر برای دین ضرر دارد، عقل را نگران می کند و دشمنی پدید می آورد.

هم چنین فرمود:

الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ (۳)

فقر مرگ بزرگ است.

و نیز از آن حضرت است که:

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۰۲.

۲- صبحی صالح، پیشین، حکمت ۳۱۹، ص ۵۳۱.

۳- صبحی صالح، پیشین، حکمت ۱۶۳، ص ۵۰۰.

القَبْرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ (۱)

قبر بهتر از فقر و تهی دستی است.

بنابراین، جمع میان فقر و زهد بدین صورت امکان پذیر است که شخص مسلمان در همان حالی که بی رغبت به دنیا است و به آن وابسته نیست، در همان حال با کار و تلاش در حوزه حلال، فقر را از خود می زداید.

۴_ رابطه زهد و کسب حلال

۴_ رابطه زهد و کسب حلال

زهد با کسب حلال در گذران زندگی نه تنها قابل جمع است که بسیار مورد ستایش قرار گرفته است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا مُكَاثِرًا مُفَاخِرًا لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبٌ بَانٌ وَمَنْ طَلَبَهَا إِسْتِغْفَافًا عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَصِيَانَةً لِنَفْسِهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ (۲)

هر کس حلال دنیا را برای فزون طلبی و فخر فروشی بخواهد، خدا را دیدار خواهد کرد، در حالی که از او خشمناک است و هر کس آن را به منظور حفظ آبرو از در یوزگی و خویشتن داری بطلبد، روز قیامت درحالی که چهره اش چون ماه شب چهارده می درخشد، در آن صحنه حاضر می شود.

نیز امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

وَالدُّنْيَا حَانُونَةٌ (۳)

دنیا محل کسب [انسان مؤمن] است.

۵_ رابطه زهد و رهبانیت

۵_ رابطه زهد و رهبانیت

رهبانیت از واژه «رهبه» به معنای خشیت و فروتنی است و در اصطلاح به بریدن

۲- مجموعه ورام، ابوالحسین ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۲۸۹.

۳- محمد شفیعی مازندرانی، پیشین، ص ۷۲، به نقل از جامع الاخبار، فصل ۴۱، ص ۹۸.

انسان از مردم برای عبادت خدای تعالی [به خاطر ترس از او] اطلاق می گردد(۱).

رهبانیت نگاه بدبینانه به هدف زندگی، هستی و آفرینش است. رهبانیت، بریدن از مردم و روی آوری به عبادت و ریاضت است. رهبانیت برخلاف جامعه گرایی است و لازمه آن احساس بی مسئولیتی شخصی می باشد. رهبانیت جداانگاری و بیگانه انگاری امور دنیایی از آخرتی است. در صورتی که چنین نیست و منافاتی با پرداختن به زندگی دنیایی ندارد. زاهد واقعی، دنیا و آخرت را با هم جمع می نماید. راهب، سلامت، بهداشت، انتخاب همسر و تولید نسل را کوچک می شمارد؛ ولی زاهد آن را وظیفه خود می داند. راهب، دنیا و آخرت را کاملاً از هم جدا و بی ارتباط و بلکه متضاد و غیرقابل جمع می داند؛ به عبارت دیگر وسایل خوشبختی دنیا و وسایل سعادت آخرت را مغایر و رویاروی هم می داند(۲).

از نمونه های بارز رهبانیت ازدواج نکردن است که در این مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

تَزَوُّجُوا فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأَمَمَ وَ لَا تَكُونُوا كَرَهْبَانِيَةِ النَّصَارَى (۳)؛ ازدواج نمایید که من به بسیاری شما بر ملت های دیگر افتخار می کنم و مانند مسیحیان راه رهبانیت پیش مگیرید.

پیدایش رهبانیت در مسیحیت، پس از قرن سوم میلادی و در زمان ظهور امپراتور رومی به نام دیسیوس و مبارزه شدید او با پیروان مسیح علیه السلام بود. آن ها با شکست از این امپراتور خون خوار، به کوه ها و بیابان ها پناه بردند. در روایت های اسلامی، این معنی به صورت دقیق تری نقل شده است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به

۱- المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبائی، ج ۱۹، ص ۱۷۳.

۲- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۲۱۵ تا ۲۲۲.

۳- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۲۹، حدیث ۱۱۴۵.

ابن مسعود فرمود: «می دانی عامل رهبانیت چه بود؟» عرض کرد: خدا و پیامبرش آگاه ترند، فرمود: بعد از عیسی علیه السلام گروهی ستمگر ظهور کردند که مؤمنان سه بار با آنان پیکار نمودند ولی شکست خوردند؛ لذا به بیابان ها پراکنده شدند، و به انتظار ظهور پیامبر موعود عیسی [محمد] در غارها به عبادت مشغول گشتند؛ برخی از آن ها بر دین خود باقی ماندند و بعضی راه کفر در پیش گرفتند. سپس افزود: آیا می دانی رهبانیت امت من چیست؟ عرض کرد: خدا و رسولش آگاه ترند، فرمود:

«الْهَجْرَةُ، وَالْجِهَادُ، وَالصَّلَاةُ، وَالصَّوْمُ، وَالْحَجُّ، وَالْعُمْرَةُ(۱)؛

رهبانیت امت من هجرت و جهاد و نماز و روزه و حج و عمره است.»

آیه «و رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ... (۲)» نشان می دهد که گونه ای رهبانیت مطلوب در میان مسیحیان بوده است، هر چند در آیین مسیح دستوری الزامی برای آن نبوده است؛ ولی پیروان مسیح آن رهبانیت را از اندازه اش بیرون برده و به انحراف کشاندند. به همین دلیل اسلام به شدت آن را محکوم کرده و حدیث معروف «لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ» در بسیاری از منابع اسلامی دیده می شود(۳).

مرز میان زهد و رهبانیت بسیار ظریف است. بسیاری به بهانه پیمودن راه زهد، از دنیا و سیاست و امور مادی چشم پوشیده، رهبانیت را پیشه خود کردند و با تحریف مفهوم زهد در اسلام، به راهی رفتند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم از آن نهی کرده بود.

به عبارت روشن تر آن گونه که پیش تر گفتیم، زهد به معنی دلبسته نبودن به دنیا است، نه ترک دنیا. زهد و ترک دنیای افرادی مانند ابراهیم ادهم و بایزید بسطامی، زهد اسلامی نیست.

۱- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۲۳ ص ۳۸۴ تا ۳۸۶.

۲- حدید، آیه ۲۷. ترجمه: «و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، و ما بر آن ها مقرر نداشته بودیم.»

۳- ناصر مکارم شیرازی، پیشین. درباره وجود نوعی رهبانیت مطلوب در بین مسیحیان نک: ابوعلی طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۶۵ و ناصر مکارم شیرازی، نمونه، ج ۲۳، ص ۳۸۲.

برای فهمیدن نظر اسلام درباره رهبانیت و ترک دنیا یادآوری داستان عثمان بن مظعون بسیار مناسب است. وی از یاران برجسته رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود.

روزی همسرش از او نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شکایت کرد که عثمان روزها روزه می گیرد و شب ها را در عبادت به سر می برد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در حالی که آثار خشم در چهره اش نمایان بود، نزد عثمان رفت و او را در حال نماز دید. پس از نماز به او فرمود:

يا عُثْمَانُ لَمْ يُرْسِلْنِي اللَّهُ بِالرُّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ، أَصُومُ وَأُصَلِّي وَأَلْمَسُ أَهْلِي... (۱)

ای عثمان خداوند مرا برای رهبانیت نفرستاده؛ بلکه مرا برای یکتاپرستی آسان فرستاده است. روزه می گیرم، نماز می خوانم، با همسرم آمیزش می کنم.»

۶- رابطه زهد و ریاضت

۶- رابطه زهد و ریاضت

درباره ریاضت هایی که بشر از دیر زمان داشته است، علامه طباطبایی می گوید:

سزاوار نیست؛ در این مطلب شك نماییم که این ریاضات و اشتغالات نفسانی سنت تازه ای در زمان ما نیست؛ زیرا دلایل نقلی و عقلی (۲) دلالت دارند بر این که این سنت ها در بین مردم جریان داشته و هرچه از جهت تاریخی به عقب برگردیم، متوجه می شویم که این سنت ها از قدیمی ترین دوره هایی که انسان بر این زمین زندگی می کرده، جزو سنن لازمه انسانیت بوده است. (۳)

با این که ریاضت های نفسانی بسیار گوناگون است ولی وجه اشتراک و اساس همه آن ها بر این است که در کل با نفس مخالفت بشود. (۴) و در مورد فرقه های

۱- وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمدبن حسن حر عاملی، ج ۱۴، ص ۷۴، حدیث ۲۵۱۵۷.

۲- ظاهراً آنچه بر وجود یک سنت دلالت دارد، دلایل نقلی و تاریخی است نه عقلی.

۳- محمدحسین طباطبایی، پیشین، ج ۶، ص ۱۸۱.

۴- محمدحسین طباطبایی، پیشین، ج ۶، ص ۱۸۱.

مختلف که به ریاضت های نفسانی پرداخته اند، مانند ساحران و اهل سیمیا و طلسمات و تسخیر ارواح و جن و روحانیات حروف و کواکب و کسانی که به تسخیر نفوس مشغولند و در همه آنانی که ریاضت های نفسانی شخصی دارند، نتیجه چیرگی بر نفس است. (۱)

کارکرد ریاضت این است که برای نفس حالتی ایجاد می شود که به انجام دادن خواسته هایش توانا است. پس هنگامی که ریاضت درست و تمام باشد، انسان به گونه ای می شود که اگر خواسته هایش را به طور مطلق یا با شرایط ویژه ای اراده کند، عملی می گردد؛ مثل حاضر کردن روح برای کودک غیر بالغ در آینه. (۲)

همان گونه که گفته شد اساس ریاضت، مخالف با نفس است. در زهد نیز ریشه دل بسته نبودن به دنیا مخالفت با نفس است. پس مخالفت با نفس نقطه اشتراک میان زهد و ریاضت است. اما ریاضت لازمه زهد نیست؛ هر چند در برخی موارد مقدمه رسیدن به زهد و وابسته نبودن به دنیا، ریاضت است. بنابراین، زهد و ریاضت دو مقوله جدا از یکدیگرند که هر یک کارکردهای مخصوص به خود دارند.

۷_ رابطه زهد و قناعت

۷_ رابطه زهد و قناعت

قناعت در برابر حرص قرار دارد و حالتی است که بسنده کردن به اندازه نیاز و ضرورت و زحمت نکشیدن در به دست آوردن مال زیادی را در آدمی برمی انگیزد. صفت قناعت سرچشمه دیگر فضیلت ها است. چه بسا با دارا شدن آن، بتوان به سعادت ابدی رسید؛ زیرا هر که به اندازه ضرورت قناعت نماید و دل را مشغول امر زیادی نکند، همیشه سبک بال و دارای آرامش و اطمینان خاطر است. در نتیجه، توجه

۱- محمد حسین طباطبایی، پیشین، ص ۱۸۵.

۲- محمد حسین طباطبایی، پیشین، ص ۱۸۷.

به امر آخرت برایش سهل و آسان می گردد. (۱)

امام صادق علیه السلام به مردی فرمود:

إِقْنَعْ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَا عِنْدَكَ غَيْرُكَ وَ لَا تَتَمَنَّ مَا لَسْتَ نَائِلُهُ فَإِنَّهُ مَنْ قَنَعَ شَبَعَ وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَشْبَعْ وَ خُذْ حَظَّكَ مِنْ آخِرَتِكَ. (۲)

در آن چه خدای تعالی برای تو روزی کرده قناعت کن و به آن چه در نزد غیر توست، چشم ندوز و آن چه را که بدان دست نمی یابی، آرزو نکن. پس کسی که قناعت پیشه کرد، سیر می گردد و کسی که قناعت نکرد سیر نمی شود و بهره ات را از آخرت بگیر.

حقیقت قناعت در آن است که آدمی خود را از خواهش های نفسانی دور بدارد و به کم دنیا راضی باشد و بر گردآوری دارایی ها، حرص نداشته باشد و بر آن چه از دست رفته، غمگین نباشد.

در زبور داود علیه السلام آمده است که قناعت کننده، ثروت مند است، اگرچه گرسنه و برهنه باشد؛ چون بی نیازی نفس دارد و هر که قناعت کرد و طمع و حرص نداشت، از شر و آشوب و بدی مردم راحت می گردد و نزد اهل زمانش، جایگاهی بلند و با عزت می یابد. (۳)

نخستین گام زهد، قناعت است؛ زیرا زهد بهره کسی خواهد شد که خود را از غم دنیا رها ساخته باشد. قناعت از نتیجه های اصلی دلبسته نبودن به دنیا است.

۸_ رابطه زهد و تصوف

۸_ رابطه زهد و تصوف

صوفیه از تصوف تعریف هایی کرده اند که بعضی از آن ها عبارتند از:

تصوف اندک خوردن است و با خدای آرام گرفتن و از خلق گریختن؛

تصوف ذکر است به اجتماع و وجدی است به استماع و عملی است به اتباع.

۱- معراج السعاده، احمد نراقی، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

۲- الروضه من الکافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، ج ۸، ص ۲۴۳، حدیث ۳۳۷.

۳- ارشادالقلوب، دیلمی، ترجمه: سید هدایت الله مسترحمی، ص ۸۶ و ۸۷.

تصوف اصطفا است، هر که از غیر خدا گزیده شده، او صوفی است.

تصوف دشمنی دنیا است و دوستی مولا(۱).

به منظور دانستن رابطه میان زهد و تصوف، مناسب است که نخست دو ویژگی برجسته تصوف آورده شود و سپس با زهد پذیرفته شده پیشوایان معصوم علیهم السلام مقایسه گردد.

از ویژگی های متصوفه آن است که ذکر نزد آنان جایگاه ارجمندی دارد؛ تا آن جا که واجبات دینی را تحت تأثیر خود قرار داده و صوفیان آن را مانند واجبات درجه اول معتبر می دانند.

از ویژگی های دیگر صوفیان مبالغه در توکل، یعنی اعتماد داشتن به خداوند است. آنان به اندازه ای در توکل افراط می کنند که خود را نیازمند هیچ تلاشی نمی یابند.

آنان هرگز در فراهم آوردن معاش، فردا را در شمار روزهای خود نمی آورند و در تأیید این باورشان، این حدیث را ذکر می کنند:

«پند و حکمت از آسمان فرود می آید و هیچ گاه وارد دلی نمی شود که فکر فردا را دارد.» و بر این باورند که هر کس متعلق به زمانی است که در آن به سر می برد؛ بر این اساس برای آینده زندگی خود هیچ گونه، تلاشی نمی کنند. از این رو، فقر و تهی دستی را فضیلت می دانند(۲).

اساساً به هیچ امری که به تن وابستگی دارد، توجه نمی کنند؛ مثلاً- اگر بیمار شوند، هیچ گاه در صدد مداوا و مراجعه به پزشک بر نمی آیند. به گفته های مردم درباره آن ها اهمیت نمی دهند و از گفته های تأثیرگذار در میانشان این است که: «هر که بر خدا توکل کند، به مدح و ذم مردم توجهی ندارد.»

۱- زهد و تصوف در اسلام، گولد تسهیر، ترجمه: محمدعلی خلیلی، ص ۸۵.

۲- نک. محمد غزالی، کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۴۱۹ تا ۴۳۵.

اینان هیچ گاه در پی آن نیستند که بدی را با بدی جبران کنند. به این ترتیب، در واقع به دستور منسوب به مسیح علیه السلام عمل می کنند که فرمود: «شنیده اید که گفته اند چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان؛ ولی من می گویم که بدی را جبران نکنید و در برابر آن ایستادگی ننمایید و اگر کسی بر گونه راست سیلی زد، گونه چپ را نیز به سمت او بپرازد (۱)».

امامان معصوم علیهم السلام هرگز چنین زهدی را تأیید نمی کنند. محمد بن حسین بن ابی خطاب که از خواص یاران چندین امام بوده است، گوید: همراه امام علی النقی علیه السلام در مسجد پیامبر نشسته بودیم که گروهی از یاران آن حضرت بر او وارد شدند. یکی از ایشان ابوهاشم جعفری نام داشت که مردی فصیح و بلیغ بود و جایگاهی بزرگ نزد آن حضرت داشت. سپس گروهی از صوفیه وارد مسجد شدند و در یک گوشه، حلقه زده و به گفتن «لا اله الا الله» مشغول شدند.

امام علیه السلام رو به یاران خود نموده، فرمود: به این فریب دهندگان توجه نکنید. ایشان جانشینان شیطان ها و ویران کنندگان قواعد دینند. برای آسایش دادن جسم ها اظهار زهد می کنند و به جهت شکار چهارپایان، شب بیداری می کشند؛ یعنی مسخر کردن آن هایی که مانند چهارپایانند. چنان که حق تعالی می فرماید: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ (۲)». اینان جز برای فریب مردم، «لا اله الا الله» نمی گویند، و ایشان را کم کم و پنهانی در چاه گمراهی خود می افکنند. وردهایشان رقص کردن و دست زدن است و ذکرهایشان سراییدن و آواز غنایی خواندن است. جز سفیهان، ایشان را پیروی نمی کنند و جز بی خردان و نادانان بر آنان اعتقاد ندارند. پس هر که به زیارت یکی از ایشان در زمان زندگی یا مرگشان برود، گویا به زیارت شیطان و پرستش بتان رفته باشد و هر که یکی از ایشان را یاری نماید، گویا یزید و معاویه و ابوسفیان را مدد رسانده است. یکی از یاران آن حضرت گفت: هر چند به حق شما اعتراف

۱- گولد تسهیر، پیشین، ص ۴۳ تا ۴۷، با گزینش.

۲- اعراف، آیه ۱۷۹.

کنند؛ یعنی اگرچه به امامت شما باورمند باشند. حضرت مانند شخص غضبناک بر او نگریست و فرمود: این گفتار را بگذار؛ آن که به حق ما آگاه باشد، از ما نافرمانی نمی کند و به مخالفت با ما بر نمی خیزد. آیا نمی دانید که این طایفه، پست ترین طایفه های صوفیه اند و صوفیه همگی از مخالفان ما هستند. راه و روش ایشان غیر راه و روش ماست و ایشان جز نصاری و مجوس این امت نیستند(۱).

۱- حدیقه الشیعه، احمد بن محمد، معروف به مقدس اردبیلی م. ۹۹۳، ص ۶۰۳.

بخش سوم: عوامل پیدایش زهد

اشاره

بخش سوم: عوامل پیدایش زهد

دو دسته از عوامل در پیدایش زهد تأثیر دارد.

عوامل شناختی و عقیدتی

اشاره

عوامل شناختی و عقیدتی

اعتقاد به پاره ای از اصول، آدمی را به زهدورزی تشویق می کند که اکنون بدان پرداخته می شود.

۱_ اعتقاد به کمال بخشی خداوند

۱_ اعتقاد به کمال بخشی خداوند

از عوامل اساسی در پیدایش زهد، آگاهی و شناخت انسان است. امام علی علیه السلام می فرماید:

«يَسْتَبِيرُ الْمَعْرِفَةَ يُوجِبُ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا (۱)؛ شناخت سبب کناره گیری از دنیا است.» هم چنین آن حضرت اثر معرفت را کناره گیری از دنیا می داند: «ثَمَرَةُ الْمَعْرِفَةِ الْعَزُوفُ عَنْ دَارِ الدُّنْيَا (۲)؛ ثمره شناخت کناره گیری از خانه دنیاست.»

شناخت خداوند متعال براساس فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام بالاترین شناخت ها است. حضرت می فرماید: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِفِ (۳)؛ شناخت خدای سبحان بالاترین شناخت ها است.»

این شناخت، سبب تأثیرگذاری ها و برکت های بسیاری در زندگی فردی و اجتماعی و دنیایی و آخرتی دارد. یکی از کارکردهای شناخت، زهد در دنیا است؛

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲ ص ۸۶۶.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۶۱.

۳- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۱۵۵.

زیرا هر چیزی که نیاز آدمی را برطرف می کند، بدان رغبت پیدا می کند و خدا برترین کسی است که همه نیازهای آدمی را برمی آورد. این شناخت رویگردانی انسان از دنیا و توجه به خدا را در پی دارد.

هر چه شناخت انسان به خداوند بیش تر گردد، نسبت به دنیا بی رغبت تر خواهد شد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَخْوَفُهُمْ لِلَّهِ وَأَخْوَفُهُمْ لَهُ أَعْلَمُهُمْ بِهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِهِ أَزْهَدَهُمْ فِيهَا (۱)

داناترین مردمان به خدا کسانی اند که بیش تر از خدا می ترسند و آن هایی که از خدا بیش تر می ترسند، داناترین به خدا هستند و داناترینشان به خدا کسانی اند که در دنیا بیشتر زهد می ورزند.

۲_ اعتقاد به گذرا بودن دنیا و بقای آخرت

۲_ اعتقاد به گذرا بودن دنیا و بقای آخرت

از باورهایی که مسلمان را به زهد ترغیب می کند، این باور داشت است که دنیا پل گذر به آخرت است. آگاهی به چهره واقعی دنیا یکی دیگر از عوامل پیدایش زهد در انسان است. امام علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا تَزَهَّدَ (۲)؛ کسی که دنیا را بشناسد، زهد می ورزد.»

حقیقتا وقتی انسان به چستی دنیا آشنا شد و دریافت که پایان آن فنا و نابودی است، از آن دل کنده و به امور باقی آخرت دل می بندد.

از امیرالمؤمنین علیه السلام است که:

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۷.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۶۱۹.

«يَتَّبِعِي لِمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا وَيَعْرِفَ عَنْهَا(۱)؛

برای کسی که دنیا را می شناسد، سزاوار است که در آن زهد ورزیده و از آن کناره گیرد.»

هم چنین فرمود:

«دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدُ عِنْدِي مِنْ عَقْطِهِ عَنِّي(۲)؛

دنایای شما در نظر من بی ارزش تر از آب بینی گوسفند است.»

نیز آن حضرت می فرماید:

«أَحَقُّ النَّاسِ بِالزَّهَادَةِ مَنْ عَرَفَ نَقْصَ الدُّنْيَا(۳)؛

کسی که کاستی و خواری دنیا را می شناسد، حق دارترین مردم به زهد است.»

هم چنین آن حضرت فرمود:

«كُونُوا مِمَّنْ عَرَفَ فَنَاءَ الدُّنْيَا فَزَهَدَ فِيهَا وَعَلِمَ بَقَاءَ الْآخِرَةِ فَعَمِلَ لَهَا(۴)؛

از کسانی باشید که فانی شدن دنیا را می شناسند و در آن زهد می ورزند و باقی ماندن آخرت را نیز می دانند و برای آن

عمل می کنند.»

امام موسی بن جعفر علیه السلام در برابر قبری ایستادند و در لزوم زهد به خاطر خواری دنیا فرمودند:

إِنَّ شَيْئًا هَذَا آخِرُهُ لَحَقِيقٌ أَنْ يَزْهَدَ فِي أَوَّلِهِ وَإِنَّ شَيْئًا هَذَا أَوَّلُهُ لَحَقِيقٌ أَنْ يَخَافَ مِنْ آخِرِهِ(۵)؛

چیزی که قبر پایان آن است، حق این است که در اول آن [زندگی دنیایی] زهد بورزند و

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۸۵۹.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۳، ص ۵۰.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۹۷.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۷۰.

۵- حر عاملی، پیشین، ج ۱۱، ص ۳۱۵، حدیث ۲۰۸۴۰.

چیزی که اول آن قبر و برزخ است، حق آن است که از پایانش [قیامت] بترسند.

امام علی علیه السلام دید زاهد به دنیا را این گونه توصیف می کند:

أَيُّهَا النَّاسُ، انظُرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِينَ فِيهَا، الصَّادِقِينَ عَنْهَا، فَإِنَّهَا وَاللَّهِ عَمَّا قَلِيلٍ تُزِيلُ الثَّائِبِي السَّاكِنَ، وَتَفْجَعُ الْمُتَرَفِّفَ الْأَمِينَ، لَا يَرْجِعُ مَا تَوَلَّى مِنْهَا فَأَذْبَرُ، وَلَا يُدْرِي مَا هُوَ آتٍ مِنْهَا فَيَنْتَظِرُ. سِيرُورُهَا مَشُوبٌ بِالْحُزْنِ، وَجِلْدُ الرَّجَالِ فِيهَا إِلَى الضَّعْفِ وَالْوَهْنِ، فَلَا يُعْرَفُكُمْ كَثْرَةُ مَا يُعْجِبُكُمْ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنْهَا.

رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ، فَكَأَنَّ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ، وَكَأَنَّ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ عَمَّا قَلِيلٍ لَمْ يَزَلْ، وَكُلُّ مَعْدُودٍ مُنْقَضٍ، وَكُلُّ مُتَوَقَّعٍ آتٍ، وَكُلُّ آتٍ قَرِيبٌ دَانَ (۱).

به این جهان بنگرید! از نوع نگرستن زاهدان در دنیا و رویگردانید از آن، که به خدا سوگند، آن که در آن مانده و جای گرفته دیری نپاید، و آن که به ناز پرورده و ایمن به سر برده، به درد آید. آن که از آن رفت، بازگشتنی نیست، و آن چه آینده است، نتوان دانست چیست تا در انتظار آن زیست. شادی آن آمیخته به اندوه است و بد حالی، و چابکی و چالاکی مردان را ناتوانی و سستی در پی می باشد. پس فریفته نگرداند شما را فرونی آن چه شادمانتان گرداند، که اندک است آن چه از آن با شما می ماند.

خدا بیامرزد آن را که بیندیشد و پند گیرد و بصیرت یابد؛ که گویی در مدت کمی آن چه از آن دنیا بود، نمانده است و آن چه از آخرت است، پاینده است و هر چیزی که شماره شود، تمام می گردد و هر چه را انتظار می کشیم، می آید و آن چه در حال آمدن است به زودی نزدیک می شود.

خلاصه این که دنیا در نظر زاهد جایگاهی است که می داند برای آن آفریده نشده است؛ بنابراین، اهتمام خود را بر امور پایدار آخرت قرار می دهد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

إِنَّكَ لَنْ تُخْلَقَ لِلدُّنْيَا فَازْهَدْ فِيهَا وَاعْرِضْ عَنْهَا(۱)؛

تو برای دنیا خلق نشده ای، پس در دنیا زاهد باش و از آن روی گردان.

بینش زاهد واقعی به او می گوید دنیا پل گذر است. خداوند راه های حق را روشن ساخته است؛ سرانجام کار یا بدبختی دایمی و یا سعادت ابدی است. پس چون نمی داند کی از این جهان خواهد رفت و هر گاه که برود، چیزی از دنیا همراهش نخواهد بود، زاد و توشه راهش را فراهم می سازد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

عِبَادَ اللَّهِ، اللَّهُ - اللَّهُ - فِي أَعْزَالِ أَنْفُسِ عَلَيْكُمْ، وَ أَحَبَّهَا إِلَيْكُمْ: فَإِنَّ اللَّهَ - قَدْ أَوْضَحَ لَكُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ وَ أَنْارَ طُرُقَهُ. فَشِدَّةُ قُوَّةٍ لَازِمَةٌ، أَوْ سَعَادَةٌ دَائِمَةٌ فَتَرَوُودُوا فِي أَيَّامِ الْفَنَاءِ لِأَيَّامِ الْبَقَاءِ. قَدْ دَلَّلْتُمْ عَلَى الزَّادِ، وَ أَمَرْتُمْ بِالظُّعْنِ، وَ حَثَّيْتُمْ عَلَى الْمَسِيرِ، فَإِنَّمَا أَنْتُمْ كَرَكِبٍ وَ قُوفٍ، لَا يَدْرُونَ مَتَى يُؤْمَرُونَ بِالسَّيْرِ. أَلَا فَمَا يَصْنَعُ بِالدُّنْيَا مَنْ خُلِقَ لِلْآخِرَةِ! وَ مَا يَصْنَعُ بِالْمَالِ مَنْ عَمَّا قَلِيلٍ يُسِيلُهُ، وَ تَبْقَى عَلَيْهِ تَبَعْتُهُ وَ حِسَابُهُ(۲)

ای بندگان خدا! خدا را خدا را! مراقب عزیزترین و محبوب ترین اشخاص نسبت به خویش (یعنی خودتان) باشید چه این که خداوند مقصد حق را واضح، و راه های آن را برایتان روشن ساخته است، سرانجام کار، یا بدبختی دایمی است و یا سعادت همیشگی! پس در این روزگار فانی برای روزگار باقی زاد و توشه فراهم کنید. زاد و توشه شما معرفی شده و به کوچ کردن فرمانتان داده اند و با سرعت به حرکت درآمده اید، شما همچون کاروانی هستید که درجایی توقف کرده اید. و نمی دانید چه وقت دستور حرکت داده می شود. بدانید آن را که برای آخرت آفریده شده با دنیاپرستی چه کار؟ و آن را که به زودی ثروتش را از

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۵۷، ص ۲۲۱ و ۲۲۲.

او می گیرند با اموال دنیا چه می کند؟ آن هم ثروتی که مؤاخذه و حسابش بر او است [و سودش برای دیگران].

زاهد به گونه ای به دنیا می نگرد که عیش دنیا را کوتاه و خیر آن را کم می بیند و می داند که دیر یا زود از این محل بیرون می رود.

زاهد می داند که دنیا محل حزن و اندوه و رنج است. به کسی وفا نکرده لذا حداکثر استفاده از آن را برای آخرت می نماید.

هم چنین از علی علیه السلام است که:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ازْهَدُوا فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ عَيْشَهَا قَصِيرٌ وَ خَيْرُهَا يَسِيرٌ وَ إِنَّهَا لَدَارُ سُخُوصٍ وَ مَحَلَّةٌ تَنْغِيصُ وَ إِنَّهَا لَتُدْنِي الْأَجَالَ وَ تَقْطَعُ الْأَمَالَ، أَلَا وَ هِيَ الْمُتَصَدِّبَةُ لِلْعُيُونِ وَ الْجَامِحَةُ الْحُرُونَ وَ الْمَائِيَةُ الْخَثُونُ(۱).

ای مردم در دنیا زهد را پیشه خود سازید؛ زیرا که عیش دنیا کوتاه و خویش کم است. دنیا سرای بیرون رفتن و جایگاه ناخوشی و اندوه است. این دنیا است که اجل ها را نزدیک و آرزوها را می برد و برای چشم ها مانع است. این اسبی است سرکش، چموش، کشنده و خیانت کننده.

حضرت زهرا علیها السلام نخستین لحظه های زندگی با علی علیه السلام را با عبادت خدا آغاز کرد. در شب ازدواج امام علی علیه السلام، آن حضرت را نگران و گریان دید. فرمود: چرا ناراحتی؟ پاسخ داد:

«تَفَكَّرْتُ فِي حَالِي وَ أَمْرِي عِنْدَ ذَهَابِ عُمْرِي وَ نُزُولِي فِي قَبْرِي فَشَبَّهْتُ دُخُولِي فِي قَبْرِي بِمَنْزِلِي كَدُخُولِي إِلَى لَيْدِي وَ قَبْرِي فَأُشِدُّكَ اللَّهُ - إِنْ قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَنَعْبُدُ اللَّهَ - تَعَالَى هَذِهِ اللَّيْلَةَ(۲)»؛

درباره حال و روز خویش می اندیشم؛ به یاد پایان عمر خود و منزلگاه دیگرم، یعنی قبر

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۸۶۹.

۲- نهج الحیاه فرهنگ سخنان فاطمه، محمد دشتی، ص ۳۵، حدیث ۱۲.

افتادم که: امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی از این جا به سوی قبر و قیامت خواهم رفت. در این آغازین لحظه های زندگی، تو را به خدا سوگند می دهم که بیا تا به نماز بایستیم تا با هم در این شب خدا را عبادت کنیم.»

بنابراین، زندگی واقعی و حقیقی در آخرت است؛ زیرا ۱- بقا و جاودانگی هر چیزی در آخرت است؛ درحالی که در دنیا چنین نیست. امام علی علیه السلام فرمود:

لِكُلِّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ، خُلُودٌ وَ بَقَاءٌ (۱)

هر چیزی در آخرت جاودانگی و بقا دارد.

۲- در آخرت لذت خالص است؛ در حالی که در دنیا لذت با اندوه و رنج آمیخته است.

۳- آخرت خانه ماندن و جاودانگی است نه دنیا، چنان که خدای تعالی می فرماید:

وَ إِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (۲)

سرای آخرت منزلگاه ابدی است.»

پس هر شخصی به موارد یاد شده واقف گردد، در دنیا زهد را پیشه خود ساخته و اهتمام خویش را بر آخرتش قرار می دهد.

گویا علی علیه السلام زهد در دنیا و شناخت آخرت را لازمه همدیگر می داند. آن گاه که می فرماید:

كَيْفَ يَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَا يَعْرِفُ قَدْرَ الْآخِرَةِ (۳)؛

چگونه کسی که قدر آخرت را نمی شناسد، در دنیا زهد می ورزد.

چنان چه شناخت انسان از خدا و آخرت به حد بالایی برسد، برایش یقین و اطمینان قلبی حاصل شده و حقیقتاً به زهد در دنیا دست می یابد. علی علیه السلام فرمود:

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۵.

۲- غافر، آیه ۳۹.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۵۴.

الْيَقِينُ يُثْمِرُ الزُّهْدَ (۱)

و یا در جای دیگر می فرماید

ثَمْرَةُ الْيَقِينِ الزَّهَادَةُ (۲)

یعنی ثمره یقین، زهد در دنیا است.

هر اندازه انسان به سرای باقی ایمان داشته باشد، به همان اندازه در دنیا زاهد است و چنان که پیش تر گفتیم براساس فرمایش امام علی علیه السلام زهدورزی انسان در چیزی که فنا می پذیرد به مقدار یقینی است که به آخرت دارد.

در روایت دیگری امیرالمؤمنین علیه السلام اصل زهد را یقین و ثمره آن را سعادت انسانی می داند.

أَصْلُ الزُّهْدِ الْيَقِينُ وَ ثَمْرَتُهُ السَّعَادَةُ (۳)

اصل زهد، یقین و ثمره آن سعادت است.

عوامل عاطفی و اخلاقی

اشاره

عوامل عاطفی و اخلاقی

برخی عوامل عاطفی و اخلاقی موجب پیدایش زهد و بی رغبتی انسان به دنیا می گردد که عبارتند از:

۱_ یادآوری مرگ

۱_ یادآوری مرگ

یادآوری مرگ تأثیرگذاری های مثبت و سازنده ای در زندگی آدمی دارد که در روایت های امامان معصوم علیهم السلام، به آن ها اشاره گردیده است. از اثرهای یادآوری مرگ پوشیدن لباس زهد در دنیاست. یاد مرگ، دنیا را در چشم انسان کوچک می کند. امام صادق علیه السلام شش پی آمد یاد مرگ را بیان فرموده که یکی از آن ها کوچک

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۹.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۵۹.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۸۹.

شمردن دنیا است:

ذِكْرُ الْمَيُوتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ وَيَقْلَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ وَيَقْوِي الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَيُرِقُّ الطَّبَعُ وَيُكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَى وَيُطْفِئُ فَارَ الْحِرْصِ وَيُحَقِّرُ الدُّنْيَا (۱).

یاد مرگ شهوت ها را از بین می برد، ریشه های فراموشی را یکسره برمی کند، دل انسان را با وعده های الهی محکم می کند، روحیه انسان را از سنگدلی به لطافت می کشاند، نشانه های هوس ها را می شکند و آتش حرص را خاموش و دنیا را در جلو چشمان انسان کوچک می کند.

امام باقر علیه السلام به یارانش می فرمود:

أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ مَا أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِنْسَانٌ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا (۲)

مرگ را زیاد به یاد آورید که انسان مرگ را زیاد یادآوری نمی کند، مگر این که در دنیا زهد را پیشه خود کند.

و امام صادق علیه السلام یاد مرگ را موجب زهد در دنیا می داند:

«إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ عَبْدٌ ذَكَرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا (۳)»

یاد کردن زیاد مرگ، بنده را در دنیا زاهد می کند.

علت این امر روشن است. چنان چه کسی مرگ را بسیار به یاد آورد، به کم ترین متاع دنیایی راضی و دلگرم شده و بخل و حرص در او راه نمی یابد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

وَمَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْكَفَافِ (۴)

۱- معاد، محسن قرائتی، ص ۵۵، به نقل از بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

۲- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۸. این حدیث با همین مضمون در بحارالانوار ج ۷۳، ص ۶۴؛ ج ۷۱، ص ۲۶۶؛ ج ۶، ص ۱۲۶؛ اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۸ و وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۸، حدیث ۲۵۶۸ آمده است.

۳- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۷۲.

۴- جلال الدین محدث، پیشین، ج ۷ ص ۳۷۳ و معاد، محسن قرائتی، ص ۵۶.

هر که بسیار یاد مرگ کند، با اندازه کفایت از دنیا راضی است.

اساساً دنیا فریبنده و گول زننده است و کسی که بتواند با یاد مرگ و قیامت دل خود را روانه سرای دیگر کند، حيله ها و زرق و برق های دنیا حریف او نمی شود. امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ نَجِيَ مِنْ خُدَاعِ الدُّنْيَا (۱)؛

هر که فراوان یاد مرگ کند، از حيله های دنیا رهایی می یابد.»

۲_ عشق ورزی به خدا و یاد کردن او

۲_ عشق ورزی به خدا و یاد کردن او

اخلاص در کردار و عمل از عواملی است که باعث پیدایش و تقویت زهد در انسان می گردد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ما أَخْلَصَ الْعَبْدُ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا _ أَوْ قَالَ: مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا _ إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الدُّنْيَا وَ بَصَّرَهُ دَاءَهَا وَ دَوَّاءَهَا فَانْتَبَتِ الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِهِ وَ انْطَقَ بِهَا لِسَانُهُ (۲)؛

هیچ بنده ای چهل روز ایمانش را به خدای عزوجل خالص نگرداند _ یا فرمود: هیچ بنده ای یاد خدا را تا چهل روز نیکو انجام ندهد _ جز آن که خدای عزوجل او را نسبت به دنیا زاهد سازد و درد و داروی دنیا را به او بنماید، پس حکمت را در دلش ثابت کند و زبانش را به آن گویا سازد.

در حدیث دیگری امام علی علیه السلام زهد را به اخلاص عمل تفسیر می کند:

الزُّهْدُ تَقْصِيرُ الْأَمَالِ وَ إِخْلَاصُ الْأَعْمَالِ (۳)؛

۱- جلال الدین محدث، پیشین، ج ۷ ص ۳۷۳؛ و معاد، ص ۵۶.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۷.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۷۶.

زهد کوتاهی آرزوها و اخلاص در عمل است.

۳_ رغبت به آخرت

توجه و آگاهی انسان از سرانجامی که در انتظار اوست و عواقب اعمال و رفتار و کردارش، موجب روی آوردن به زهد و تقوا است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

إِنْ كُنْتُمْ فِي الْبَقَاءِ رَاغِبِينَ فَأَزْهِدُوا فِي عَالِمِ الْفَنَاءِ (۱)؛

اگر جویای زندگی جاوید هستید، به جهان فناپذیر بی اعتنا باشید.

هم چنین اشتیاق انسان به رهایی از شقاوت ها و بدبختی های دنیا و رستگاری در آخرت، موجب روی آوردن به زهد است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«إِنْ كُنْتُمْ زَهَدْتُمْ خَلَصْتُمْ مِنْ شِقَاءِ الدُّنْيَا وَفُزْتُمْ بِدَارِ الْبَقَاءِ (۲)؛

اگر زهد را پیشه خود سازید، از چنگال بدبختی های دنیایی، رها گشته و در آخرت سرافراز و رستگار خواهید بود.»

۴_ تقوای الهی

یکی از عوامل پیدایش زهد در انسان تقوای الهی است. تقوا به معنای عام کلمه لازمه زندگی هر فردی است که می خواهد انسان باشد و با دستور عقل زندگی کند و از اصول ویژه ای پیروی نماید. قدرتی که انسان را از زشتی ها باز می دارد به سوی خوبی ها می کشاند. بهترین نیکی ها و خیرها، چنان چه در احادیث پیشین اشاره شد، زهد در دنیا و روی آوردن به آخرت است. پس کسی که به وسیله تقوا مصونیت حاصل کند، در دنیا زاهد می گردد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲- زهد اسلامی، ص ۳۴، به نقل از غررالحکم.

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ الْعِبَادُ، فَإِنَّ مَنْ رَغِبَ بِالتَّقْوَى زَهَدَ فِي الدُّنْيَا... (۱)؛

ای بندگان خدا شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، چیزی که بندگان از آن بی‌نیاز نیستند. پس کسی که به تقوا روی آورد، از دنیا کناره‌گیری می‌کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در به یاد مرگ بودن، چهار اثر برمی‌شمارد:

أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَيُوتِ فَإِنَّهُ يَمْحُصُ الذُّنُوبَ وَيُزْهِدُ فِي الدُّنْيَا فَإِنْ ذَكَرْتُمُوهُ عِنْدَ الْغِنَى هِدْمَةٌ وَإِنْ ذَكَرْتُمُوهُ عِنْدَ الْفَقْرِ أَرْضَاكُمْ بِعَيْشِكُمْ (۲)؛

مرگ را به یاد آورید؛ زیرا یاد مرگ گناهان را پاک می‌کند و حرص دنیا را کم می‌کند، اگر مرگ را به هنگام توانگری به یاد آرید، اهمیت آن را کم می‌کند و اگر به هنگام تنگ دستی یاد کنید، شما را از زندگی تان خوشنود می‌سازد.

هر که مرگ را همواره در پیش چشمان خود ببیند و با آن آشنا باشد، علاوه بر نقش سازنده آن در زندگی، محبوب خدا نیز می‌گردد. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ أَحَبَّهُ اللَّهُ» (۳)؛

کسی که فراوان یاد مرگ نماید، خداوند او را دوست می‌دارد.»

۱- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۰.

۲- نهج الفصاحه، ص ۸۳ حدیث ۴۴۴.

۳- وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۹، حدیث ۲۵۶۹.

بخش چهارم: درجات زهد

اشاره

بخش چهارم: درجات زهد

چنان که از روایت های امامان معصوم علیهم السلام به دست می آید، می توان از جنبه های گوناگون برای زهد درجاتی قایل شد: از جهت متعلق زهد؛ از جهت رغبت به زهد؛ از جهت انگیزه، زهد و از جهت روش زهدورزی.

درجات زهد از جهت متعلق زهد

درجات زهد از جهت متعلق زهد (۱)

آن چه بدان زهدورزی می شود، در یکی از مراتب حرام، شبهه ناک و حلال قرار دارد.

الف) زهد در حرام: پایین ترین مرتبه زهد پرهیز از حرام الهی است و برخورداری از این مرتبه بر هر مسلمانی واجب است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

وَلَا زُهْدَ كَالزُّهْدِ فِي الْحَرَامِ (۲)؛

هیچ زهدی مانند پرهیز از حرام نیست.

هم چنین می فرماید:

«لَا زُهْدَ كَالْكُفِّ عَنِ الْحَرَامِ (۳)؛

هیچ زهدی مانند کناره گیری از گناه نیست.»

و از امام صادق علیه السلام است که:

۱- احیاء علوم الدین، برگرفته از ابوحامد غزالی، ج ۵، ص ۱۲۸، جامع السعادات، محمد مهدی نراقی، تحقیق و تعلیق:

محمد رضا مظفر، ج ۲، صص ۶۶ و ۶۷ و المحججه البيضاء، ج ۷، ص ۳۶۳.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۱۱۳، ص ۴۸۸ و بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۶.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۸۳۴.

أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ (۱)؛

زاهدترین مردم کسی است که فعل حرام را ترک نماید.

بی شک آن که در حرام زهد می ورزد، در رتبه پایین تر از کسی است که در مباحات مثل خوردنی های لذیذ و لباس های خوب، زهد می ورزد (۲).

و سرّ این که در روایت ها، برترین زهد، ترک حرام خوانده شده، بدین لحاظ است که این مرتبه از زهد، اساس مراتب دیگر است و تا این مرتبه به دست نیاید، رسیدن به مراتب دیگر امکان پذیر نیست.

ب) زهد در شبهات: شبهات اموری اند که حلال و حرام بودن آن ها روشن نیست و دومین مرتبه زهد آن است که آدمی به این امور نیز بی رغبت باشد. امام علی علیه السلام فرمود:

و لَا وَرَعَ كَالْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ (۳)

هیچ پارسایی همانند خودداری از شبهات نیست.

هم چنین امام صادق علیه السلام می فرماید

أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ (۴)

پارساترین مردم کسی است که در امور شبهه ناک بایستد.

ج) زهد در حلال: مرتبه بالاتر زهد بی رغبتی به مباحات و حلال های دنیایی است. زهد در حلال اگرچه واجب نیست، ولی چنان چه از محدوده مسائل شرعی خارج نگشته و به حدی نرسد که به زندگی فردی و اجتماعی آسیبی برساند، به

۱- آثارالصادقین، ج ۸، ص ۶۰.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۲۷۷.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۱۱۳، ص ۴۸۸؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۶.

۴- آثارالصادقین، تابستان ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۶۰.

اندازه ای مهم شمرده شده که سبب ورود به بهشت می باشد. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در سفارش هایش به ابن مسعود می فرماید:

وَالْجَنَّةُ لِمَنْ تَرَكَ الْحَلَالَ (۱)؛

بهشت برای کسی است که حلال را ترک نماید.

زاهد به خاطر سبکی حساب در آخرت، از حلال دوری می کند. امام صادق علیه السلام زاهد را چنین توصیف می فرماید:

الَّذِي يَتْرُكُ حَلَالَهَا مَخَافَةَ حِسَابِهِ (۲)

زاهد کسی است که حلال را بخاطر ترس از حساب ترک می کند.

(د) زهد در ماسوی الله: بالاترین مرتبه زهد ترک کردن هر چیزی است که انسان را به غیر خدا مشغول می کند.

امام صادق علیه السلام درباره زهد می فرماید:

... وَ هُوَ تَرْكُ كُلِّ شَيْءٍ يَشْتَغِلُكَ عَنِ اللَّهِ، مِنْ غَيْرِ تَأْسُفٍ عَلَى فَوْتِهَا. (۳)

[حقیقت زهد] آن است که هر چیزی که تو را از خدا باز دارد، رها کنی؛ در حالی که برای از دست دادنش افسوس نخوری.

درجات زهد از جهت دلبستگی به زهد

درجات زهد از جهت دلبستگی به زهد (۴)

زهد از هنگامی که بدان توجه می شود تا هنگامی که جزو عادت ها درمی آید، دو مرحله می پیماید.

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۴۸.

۲- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۱.

۳- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵ و المحججه البيضاء، ج ۷، ص ۳۶۳.

۴- کیمیای سعادت، برگرفته از محمد غزالی، ج ۲، ص ۴۴۱؛ معراج السعاده، صص ۲۸۲ _ ۲۸۳؛ المحججه البيضاء، ج ۷، ص

الف) مرتبه زهد نمایی: نخستین درجه از زهد این است که آدمی به رغم بی میلی اش، زهد ورزد؛ تا کم کم صفت زهد جزو عادت های پایدار او درآید. امام علی علیه السلام می فرماید:

أَوَّلُ الزُّهْدِ التَّزَهُدُ (۱)

اولین مرتبه زهد، خود را به زهد واداشتن است.

آن حضرت در جایی دیگر می فرماید:

التَّزَهُدُ يُؤَدِّي إِلَى الزُّهْدِ (۲)؛

خود را به زهد واداشتن انسان را به زهد رهبری می نماید.

ب) مرتبه زهد واقعی: با ادامه دادن زهدورزی، عادت به زهد پدید می آید؛ به گونه ای که زهدورزی یکی از لذت های آدمی خواهد بود؛ چنان که به دست آمدن هر عادت در آدمی چنین است.

امام علی علیه السلام در مورد متقین می فرماید:

أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ (۳)؛

لذت بی علاقگی به دنیا را در دنیای خویش بردند.

درجات زهد از جهت انگیزه

درجات زهد از جهت انگیزه (۴)

بسته به این که انگیزه زهدورزی چه باشد، زهد مراتبی به شرح ذیر دارد:

الف) زهد برای دنیا: پست ترین زهد آن است که با هدف دست یابی به دنیا

۱- غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲- غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۷.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۲۷، ص ۳۸۳.

۴- کیمیای سعادت، محمد غزالی، ج ۲، ص ۴۴۲؛ المحججه البيضاء، ج ۷، ص ۳۵۹ و ۳۶۰.

باشد؛ یعنی آدمی در ظاهر به دنیا رو نیاورد تا به گونه ای دیگر دنیا را به چنگ آورد. چنین زهدی ناپسند است.

امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام به مأمون می فرماید:

«مَزَهَدْتُ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا(۱)؛

به خاطر دنیا، در دنیا زهد نورزیده ام.»

بسیاری از افراد برای جلب نظر دیگران در اجتماع از مصرف های زیاد خودداری کرده و خود را زاهد قلمداد می کنند. در حالی که زندگی پنهانی آن ها سراسر اسراف و زیاده روی است و در پی فرصتی هستند که با این زمینه سازی به مقام و موقعیتی دست یابند.

امام علی علیه السلام مردم را به چهار دسته تقسیم می کند که گروهی از آنان زیر نقاب آخرت، در پی دنیا هستند:

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَ لَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا، قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ، وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ، وَ شَمَّرَ مِنْ ثَوْبِهِ، وَ زَحَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِأَمَانِهِ، وَ اتَّخَذَ سِتْرًا لِلَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ(۲)؛

کسی که دنیا را با عمل آخرت می طلبد [تظاهر به عبادت و بندگی] و با عمل دنیا [زهد و تقوا و عبادت حقیقی] خواهان آخرت نیست، خود را با وقار و سنگین نشان می دهد [مانند پرهیزکاران فروتنی از خود نشان داده] و گام هایش را نزدیک به هم گذارده [مانند مردم بی اذیت و آزار در راه رفتن آهسته گام برمی دارد] و [برای عبادت] دامن جامه اش را جمع کرده، به سرعت تمام راه می رود، و خود را برای امین قرار دادن و مورد اعتماد گشتن [نزد مردم به زهد و تقوی] آراسته نموده، و پرده خداوند [راه دین و شریعت] را وسیله گناه قرار

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۸، حدیث ۲۲۳۴۶.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالحی، خطبه ۳۲، ص ۷۵.

داده [خود را به لباس دین در آورده، با حيله و تزوير برای صيد خواسته دنيایی و جلب مال و دارایی در راه مردم دام افکنده است].

گروهی دیگر را مردمانی می داند که خود را به زهد گرایي زده اند و به ظاهر، لباس اهل قناعت و زهد به تن کرده اند و حال آن که در واقع چنین نیستند:

و مِنْهُمْ مَنْ أَبْعَدَهُ عَنِ طَلَبِ الْمُلْكِ ضُمُّوْهُ نَفْسِهِ، وَأَنْقَطَاعُ سَبَبِهِ، فَقَصَبَتْهُ الْحَالُ عَلَى حَالِهِ، فَتَحَلَّى بِاسْمِ الْقِنَاعَةِ، وَ تَزَيَّنَ بِبِلَاسِ أَهْلِ الرَّهَادَةِ، وَ لَيْسَ مِنْ ذَلِكَ فِي مَرَاحٍ وَ لَامْغَدَى (۱)؛

از میان آن ها کسی است که به دلیل پست بودن و نداشتن وسیله ای برای رسیدن به ریاست، از خواستن آن مقام خانه نشین گردیده است و چون به آرزوهای خود دست رسی ندارد، به همان حالی که هست، خود را قانع نشان داده، با لباس اهل زهد و تقوا زینت می دهد، و حال آن که نه در اندرون که شب آرام می گیرد و نه در بیرون که روز به سر می برد [هیچ گاه] اهل قناعت و زهد نیست.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام کسی را که درباره دنیا، مثل زاهدان سخن می گوید، ولی در کردار مثل دنیاپرستان عمل می کند، نهی نموده و ویژگی های زاهد ریا کار را چنین توصیف می فرماید:

از کسانی مباش که بدون عمل، امید سعادت آخرت را دارند، و توبه را با آرزوهای دراز تأخیر می اندازند. درباره دنیا همچون زاهدان سخن می گویند، ولی همچون دنیاپرستان عمل می کنند. هرگاه چیزی از دنیا به او برسد سیر نمی شود، و اگر نرسد قانع نخواهد شد، از شکر آن چه به او داده شده، عاجز است، ولی باز هم فزونی می طلبد (۲).

۱- نهج البلاغه، صبحی صالحی، خطبه ۳۲، ص ۷۵.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالحی، حکمت، ۱۵۰، ص ۴۹۷.

ب) زهد برای ترس از جهنم: در این مرتبه آن چه خواسته انسان است، نجات از خشم خداوند و آتش جهنم و عذاب های دیگر مانند عذاب قبر و سؤال و جواب هنگام حساب، و خطر صراط و... است. گویا به عدم و نیستی خشنود است، خواهان رهایی از درد و رنج است؛ اگرچه در لحظه عدم و نیستی برایش حاصل گردد.

ج) زهد ورزی برای بهشت: در این مرتبه علامه بر این که درد و رنج را نمی خواهد، به نعمت های همیشگی آخرتی طمع دارد. در واقع در این درجه، هدف زاهد رسیدن به لذت های آخرتی است. این زهد به سبب امید و محبت به رحمت و رضوان الهی به دست می آید.

در این دو مرتبه یعنی زهد برای رهایی از عذاب و طمع به نعمت های بهشتی، هنوز اثرهایی از وابستگی به نفس باقی است و شایبه خودخواهی به کلی از میان نرفته است. پس زهدِ خالص و کامل نیست.

د) زهد برای حب الهی: هرگاه انسان وابستگی های غیرخدایی را ترک کند، دل او تنها به سوی درگاه الهی رفته و در نتیجه محبت الهی در کانون دلش شعله ور می شود و زهد از روی محبت صورت می گیرد. زاهد در این مرحله که بالاترین مراحل زهد است، هیچ خواسته ای به جز خدای تعالی و لقایش ندارد؛ زیرا قلب او متوجه درد و عذاب نیست که خواهان رهایی از آن باشد و هم چنین متوجه لذت های آخرتی نیز نمی باشد که خواهان رسیدن به آن باشد، بلکه همتش فقط و فقط خدای تعالی است. زندگی می کند در حالی که تنها همتش یکتاپرست واقعی بودن است. غیر خدا را نمی خواهد؛ زیرا اگر غیر خدا را بخواهد، به شرک خفی دچار شده است.

اینان عارفانی هستند که خدای متعال و لذت نظر کردن به او و لذت بهره مندی از

بهشت را می شناسند و به آن عشق می ورزند و به سویش نزدیکی می جویند.

درجه های زهد از جهت روش زهدورزی

درجه های زهد از جهت روش زهدورزی

زهدورزی از نظر آشکارا و پنهانی بودن قابل درجه بندی است. اگرچه اظهار زهد به خاطر مردم و ریا نباشد، ناپسند نیست، ولی پنهان کردن آن برتر از آشکار نمودن آن است. امام علی علیه السلام می فرماید:

أَفْضَلُ الزُّهْدِ إِخْفَاءُ الزُّهْدِ (۱)؛

بهترین زهد، پنهان کردن زهد است.

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۲۸، ص ۴۷۲؛ غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۸۴ و بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۷.

بخش پنجم: آثار زهد در روایات معصومین علیهم السلام

اشاره

بخش پنجم: آثار زهد در روایات معصومین علیهم السلام

پیش تر در معنای زهد گفته شد که امیرمؤمنان علی علیه السلام زهد را بین دو آموزه قرآنی دانستند: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ، وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ (۱)». مرحوم طبرسی می فرماید: این آیه شریفه به چهار چیز [از آثار زهد] اشاره دارد: اول، خوش رفتاری است؛ زیرا کسی که هستی و نیستی دنیا نزد او یکسان است، حسد نمی ورزد، دشمنی نمی کند و بخل نمی ورزد؛ چون این ها از نشانه های بדרفتاری و از نتایج دوستی دنیا است. دوم، کوچک شمردن دنیا و اهل آن است، به شرط آن که به وجود چیزی خوشحال نگردد و به از میان رفتن آن غمگین نشود. سوم، بزرگ شمردن آخرت است به خاطر ثواب دایمی و پیراسته از آلودگی که به او می رسد و چهارم، افتخار و مباهات به خدای تعالی است نه به سبب های دنیایی (۲).

دلبنده نبودن به دنیا آثار گوناگون دیگری دارد که در روایات معصومان علیهم السلام بدان ها اشاره شده است. این آثار عبارتند از:

۱_ دل نبستن به غیر خدا

۱_ دل نبستن به غیر خدا

در روایت هایی آمده است که زهد، ترک کردن هر چیزی است که انسان را از یاد خدای تعالی باز دارد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱- حدید، آیه ۲۳. «تا هرگز بر آنچه از دست تان رود، دل تنگ نگردید و به آنچه به شما می رسد دلشاد نشوید».

۲- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، ج ۹، ص ۳۶۲.

الرُّهْدُ مِفْتَاحُ بَابِ الْآخِرَةِ وَ الْبِرَاءَةُ مِنَ النَّارِ وَ هُوَ تَرْكُ كُلِّ شَيْءٍ يَسْتَعْلِكُ عَنِ اللَّهِ (۱)؛

زهد کلید در آخرت و آزادی از آتش است. هم چنین آن ترک کردن هر چیزی است که تو را از خدای تعالی باز می دارد.

۲_ آرامش قلب

۲_ آرامش قلب

با توجه به تعریف زهد، زاهد کسی است که از بهره های دنیایی، خوشحال نشده و از آن چه که در دنیا از دست او می رود، غمگین نگردد. چنان چه امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

إِنَّ النَّاسَ ثَلَاثَةٌ: زَاهِدٌ وَ صَابِرٌ وَ رَاغِبٌ. فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَقَدْ خَرَجَتْ الْأَحْزَانُ وَ الْأَفْرَاحُ مِنْ قَلْبِهِ، فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ لَا يَأْسِي عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ فَهُوَ مُسْتَرِيحٌ (۲)؛

مردم سه دسته اند: زاهد و صابر و راغب. زاهد همه غم ها و شادی های دنیا را از دل بیرون کرده، نه به چیزی که از دنیا به او برسد شاد می شود، و نه از چیزی که از دست او بیرون رود، دل غمین می گردد. پس او همیشه در راحتی است.

هم چنین آن حضرت علیه السلام می فرماید:

«الرَّاحَةُ فِي الزُّهْدِ (۳)؛»

آسایش در زهد است.»

«الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاحَةُ الْعُظْمَى (۴)؛»

زهد در دنیا [وسیله] آسایش و راحتی بزرگی است.»

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵؛ المحججه البيضاء، ج ۷، ص ۳۶۳.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۸.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۵.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۷.

امام صادق علیه السلام در مورد دارنده صفت زهد می فرماید:

... مِنْ غَيْرِ تَأْسُفٍ عَلَى فَوْتِهَا وَ لَا إِعْجَابٍ فَيَتَزَكَّيْهَا وَ لَا يَنْتَظِرُ فَرَجَ مِنْهَا وَ طَلَبَ مَحْمَدَهُ عَلَيْهَا وَ لَا عَوَظَ لَهَا بَلْ تَرَى فَوْتَهَا رَاحَةً وَ كَوْنُهَا آفَةً، وَ تَكُونُ أَبَدًا هَارِبًا مِنَ الْآفَةِ، مُعْتَصِمًا بِالرَّاحَةِ (۱)؛

برای از دست رفتن دنیا افسوس و در ترک کردن آن شگفتی نیست و انتظار گشایشی از آن و انتظار ستایشی بر آن وجود ندارد و جایگزینی برای آن نیست؛ بلکه از میان رفتن آن را راحتی و وجودش را رنج و آفت می بینی و همیشه تو از رنج فرار کرده، به راحتی و آسایش چنگ می زنی.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نیز درباره آرامش روح و جسم زاهد می فرماید:

الزُّهُدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَ الْبَدَنَ (۲)؛

بی رغبتی به دنیا، قلب و بدن را آسوده می دارد.

هم چنین امام هادی علیه السلام می فرماید: خداوند به بعضی انبیا چنین وحی فرمود:

أَمَّا زُهْدُكَ فِي الدُّنْيَا فَتَعْجَلُكَ الرَّاحَةُ وَ ... (۳)؛

چون در دنیا پارسایی بورزی، آسایش به سوی تو می شتابد.

به سبب آرامشی که از زهد در انسان پدیدار می گردد، تحمل سختی ها برایش آسان می شود.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است که فرمود:

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵؛ المحججه البيضاء، ج ۷، ص ۳۶۳.

۲- ترک الاطناب فی شرح الشهاب یا مختصر فصل الخطاب، ابوالحسن علی بن احمد معروف به ابو عبدالله محمد قضاعی مغربی، [از علمای قرن پنجم و محدث شافعی مذهب]، حدیث ۲۱۸؛ نک: بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۴۰ و ج ۷۳، ص ۹۱ و تحف العقول، ص ۴۱۵.

۳- تحف العقول، ص ۵۳۵.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ أَشْتَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ وَمَنْ خَافَ النَّارَ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ وَمَنْ تَرَقَّبَ الْمَوْتَ أَعْرَضَ عَنِ اللَّذَاتِ وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتِ (۱)؛

ای ابن مسعود کسی که به بهشت دل بندد، به انجام کارهای نیک می شتابد و کسی که از آتش بترسد، خواهش‌ها را رها می کند، و کسی که منتظر مرگ است از لذت‌های [دنیا] روی می گرداند، و کسی که به دنیا بی میل است، سختی‌ها بر او آسان می گردد.

مرحوم علامه مجلسی قدس سره در این باره می فرماید: ثمره زهد آسان شدن سختی‌ها است؛ زیرا بیش تر سختی‌ها به واسطه محبت به امور دنیایی به انسان می رسد. بدین روی چنان چه از دنیا دل برکند و بدان بی رغبت گردد، مصیبت‌های دنیایی برایش آسان می گردد (۲).

۳- پرهیز از حرام‌های الهی

۳- پرهیز از حرام‌های الهی

از آثار مهم زهد دوری از حرام‌های الهی است؛ زیرا وقتی آدمی به حلال‌های الهی بی رغبت گردید، به طریقه اولی به حرام‌های الهی نیز بی میل خواهد بود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ: تَنَكُّبُ حَرَامِهَا (۳)؛

از امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسیدند: بی رغبتی به دنیا چیست؟ فرمود: از حرامش چشم پوشیدن.

نیز آن حضرت می فرماید:

لَا زُهْدَ كَالْكَفِّ عَنِ الْحَرَامِ (۴)

۱- مکارم الاخلاق، ابوعلی طبرسی، ج ۲، ص ۴۱۷ و بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۹۴ و بحارالانوار، ج ۶۸، صص ۳۵۰ _ ۳۵۱ و اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۹.

۲- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۳.

۳- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۰؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۰۴، حدیث ۲۰۸۳۷.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۸۳۴.

هیچ پارسایی مانند خودداری از حرام نیست.

و از امام صادق علیه السلام درباره زاهدترین مردم است که:

أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ (۱)

بی رغبت ترین مردم به دنیا کسی است که از حرام دوری کند.

۴_ کوتاه شدن آرزوها

۴_ کوتاه شدن آرزوها

آرزو یعنی خواهش ماندن در دنیا، چنان که آورده اند وقتی اسامه کنیزکی را به صد دینار برای یک ماه دیگر خرید و خبر آن به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رسید، حضرت او را «طویل الامل» خواند. (۲) زیرا می خواهد که تا یک ماه دیگر زنده باشد و آن گاه وامش را پردازد؛ زهد دقیقاً در برابر چنین میلی است. انسان زاهد میلی به دنیا ندارد. از این رو، آرزو که میل به ماندن در دنیا است، در او نیست و یا کم است.

بنابراین امام علی علیه السلام می فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ، الزَّهَادَةُ قِصَّةُ الْأَمَلِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعِيمِ، وَالتَّوَرُّعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ، فَإِنْ عَزَبَ ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ، وَلَا تَنْسُوا عِنْدَ النَّعِيمِ شُكْرَكُمْ، فَقَدْ أَعَذَّرَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ بِحُجَجٍ مُسْفِرَةٍ ظَاهِرَةٍ، وَكُتِبَ بَارِزُهُ الْعُذْرُ وَاصِحُّهُ (۳)؛

ای مردم، زهد کوتاهی آرزو، سپاس گزاری به هنگام برخورداری و پرهیز از حرام است. اگر این [سه] را از دست دادید، حرام بر صبر شما پیروز نگردد و هنگام برخورداری، سپاس گزاری را فراموش نکنید، زیرا خدا با [فرستادن] راهنمایانش و کتاب های روشن با دلیل های آشکار، برای شما جایی برای بهانه ننهاده است.

۱- الخصال، شیخ صدوق، تصحیح: سید احمد قهری زنجانی، ج ۱، ص ۱۹.

۲- مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۰۴.

۳- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۸۱، ص ۱۰۶؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۰، ج ۷۷، صص ۱۶۵ و ۱۶۳، ج ۷۸، ص ۱۶۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۴، حدیث ۲۰۸۳۸ و غرر الحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۰.

۵_ شکرگذاری نعمت های الهی

۵_ شکرگذاری نعمت های الهی

گفتیم که امام علی علیه السلام شکر نعمت های الهی را از آثار زهد برشمردند. شکر اعتراف به این است که نعمت ها از آن خداست و او به آدمیان بخشیده است. این دقیقاً نتیجه زهد است. سرّ دلپسته نبودن زاهد به دنیا این است که آن را از آن خود نمی داند و باور دارد که دیر یا زود، آن چه در دست اوست، از او گرفته می شود. بدیهی است که چنین باوری در آدمی او را به اعتراف به این امر و قدردانی از آن که آن را به او ارزانی کرده است، وامی دارد (۱).

بی تردید سپاس گزاری، صرف اعتراف و قدردانی شفاهی نیست؛ بلکه به جان خریدن دستورها و ترک نهی های الهی را نیز لازم دارد. به همین جهت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ (۲)؛

شکر تمام نعمت های الهی دوری از حرام الهی است.»

نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ (۳)؛

شکر نعمت، دوری از حرام های الهی است.

به دلیل این که اگر دارنده نعمت در زبان سپاس گزاری کند، ولی در عمل به دستورها و نهی های او ترتیب اثر ندهد، در واقع از او سپاس گزاری نکرده، بلکه او را به مسخره گرفته است.

۶_ نزدیکی به خدا

۶_ نزدیکی به خدا

۱- نهج البلاغه، محمد عبده، ص ۱۸۳.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۴۶.

۳- میزان الحکمه.

از راه های نزدیکی به خدا و محبوب شدن نزد او زهد و بی میلی به دنیا است. از امام صادق علیه السلام است که خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی نمود: «بنده با سه ویژگی نیکو به من نزدیک می شود. موسی علیه السلام عرض کرد: آن ها چیست؟ فرمود:

الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا وَالْوَرَعُ مِنْ مَحَارِمِي وَ الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي (۱)؛

پارسایی در دنیا، پروای از حرامهایم و گریه از ترسم.

نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَارْزُقْهُ فِي الدُّنْيَا (۲)؛

اگر می خواهی خداوند تو را دوست بدارد، به دنیا بی رغبت باش.

علت این که زهد نزد خدای تعالی نزدیکی و محبوبیت ایجاد می کند، این است که دل آدمی به هر حال خالی از تویی و تبری و دوستی و دشمنی نمی ماند. بی تردید وقتی از دوستی دنیا و رغبت به دنیا تهی شد، جای آن را دوستی الهی فرا خواهد گرفت. البته هیچ دوستی ای یک سویه نیست، در نتیجه خداوند نیز چنین انسانی را دوست خواهد داشت.

۷- تقویت دین داری

۷- تقویت دین داری

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که فرمود:

إِنَّ مِنْ أَعْوَانِ الْأَخْلَاقِ عَلَى الدِّينِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا (۳)؛

زهد به دنیا بهترین خلقی است که انسان را در راه دین یاری می کند.

علامه محمدباقر مجلسی قدس سره در توضیح حدیث بالا می گوید: این مطلب به این دلیل است که مشغول شدن به دنیا و صرف فکر در به دست آوردن

۱- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۵۲.

۲- المحججه البيضاء، ج ۷، ص ۳۵۱.

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۱۹۴؛ بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۵۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۱ حدیث ۲۰۸۳۰.

و گردآوری آن و کنار زدن موانعش، مانع بزرگی برای خالی شدن قلب برای امور دینی و تفکر در آن است؛ بلکه دوستی دنیا با دوستی خدای تعالی، اطاعتش و خواستن آخرت، جمع نمی گردد. هم چنان که روایت شده دنیا و آخرت مثل دو زن [برای یک مرد] است، تمایل به یکی از آن دو، به دیگری ضرر می رساند (۱).

۸- وسیله آراستگی

۸- وسیله آراستگی

در روایت های بسیاری زهد، به عنوان زینت و آراستگی معرفی شده است. زینت آن است که چیزی را زیبا می سازد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگامی که حضرت موسی علیه السلام برای مناجات با خدای تعالی به کوه طور رفته بود، از سوی خداوند خطاب رسید:

«أَبْلَغَ قَوْمَكَ أَنَّهُ ... وَ مَا تَزَيْنَ لِي الْمُتَزِينُونَ بِمِثْلِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا عَمَّا بِهِمُ الْغِنَى عَنْهُ (۲)؛

به مردم خبرده ... که خواهند گان آراستگی با هیچ چیز مانند بی میلی به دنیا _ در مواردی که از آن ها بی نیازند _ خود را برای من نمی آرایند.»

روشن است که مراد از زینت در این جا آراستگی باطنی است نه ظاهری. زهد آدمی را دوست داشتنی می کند. به همین جهت امام علی علیه السلام می فرماید:

عَلَيْكَ بِالزُّهْدِ فَإِنَّهُ زِينُ الدِّينِ (۳)؛

زهد را پیشه خود ساز که آن زینت دین است.

از این روایت برمی آید که از تأثیرگذارترین راه های گسترش دین آن است که دین داران زهد بورزند.

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۵۰.

۲- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۴۹.

۳- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۵۰.

۹_ حکمت

۹_ حکمت

دوستی دنیا ریشه تمام فسادها است؛ از این رو، وقتی قلب انسان از محبت دنیا خالی و به آن بی رغبت شد، آماده دریافت تمامی حقایق معنوی می گردد که مهم ترین آن حقایق حکمت است.

دو معنا برای حکمت آورده اند: نخست این که گفته اند شناختی است که آدمی را از انجام دادن کار زشت باز می دارد. حکمت از «حکمه اللجام» گرفته شده است و آن دهانه بندی است که حیوان را از فرار باز می دارد. دوم، فهم معانی است و حکمت گفته اند؛ چون مانعی از جهل است (۱).

وَمَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا (۲)؛

و به هر کس حکمت داده شود، به یقین خیر فراوان داده شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

... وَمَنْ زَهَيْدٍ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ أَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ (۳)؛

هر که به دنیا زاهد و بی رغبتی باشد، خدا حکمت را در قلبش ثابت نموده و زبانش را به آن گویا سازد و او را به عیب های دنیا و درد و دوايش بينا گرداند و او را از دنیا سالم برد و به بهشت درآورد.

نیز از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است که:

۱- مجمع البحرين، ج ۱، ص ۵۳۳، ذیل حکم.

۲- بقره، ۲۶۹.

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۱۹۳ و بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۳ و ج ۶۹، ص ۴۰۶؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۰، حدیث ۲۰۸۲۷.

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ أُعْطِيَ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا فَاقْتَرِبُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقَى الْحِكْمَةَ (۱)؛

هرگاه کسی را دیدید که به او بی میلی به دنیای ارزانی شده، به او نزدیک شوید؛ زیرا به او حکمت القا می گردد.

سرّ این که دل نبستن به دنیا سبب پیدایش حکمت در دل آدمی می شود، این است که هر که به دنیا دل می بندد، عاشق آن شده و عاشق هیچ گاه عیب معشوق خود را نمی بیند، پس بی رغبتی به دنیا، یعنی دشمنی با آن، که اثر این دشمنی آگاهی از زشتی های آن است. (۲)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

إِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُبْصِرْكَ اللَّهُ مَعْرَاتِهَا، وَلَا تَغْفُلْ فَلَسْتَ بِمَغْفُولٍ عَنْكَ! (۳)؛

به دنیا دل نبند تا خدا تو را به زشتی های آن بینا سازد و بی خبر مباش که از تو غافل نیستند.

نیز آن حضرت در وصف دنیا فرمود:

وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ، وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ (۴)؛

و کسی که [با قصد عبرت] به دنیا نگریست، دنیا او را بینا گرداند و کسی که [با قصد لذت] بدان نگاه کرد، دنیا او را کور گرداند.

چنین بصیرتی نیاز به آموختن از آموزگار ندارد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ عِلْمًا بِغَيْرِ تَعَلُّمٍ وَ هُدًى بِغَيْرِ هِدَايَةٍ فَلْيُزْهَدْ فِي الدُّنْيَا (۵)؛

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۱؛ المحججه البيضاء، ج ۷، ص ۳۵۱ و المعجم المفهرس لالفاظ الحديث النبوي، الجزء الثاني، ص ۳۴۹.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۳۳۹.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۳۹۱، ص ۵۴۵.

۴- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۸۲، ص ۱۰۶.

۵- المحججه البيضاء، ج ۷، ص ۳۵۶؛ بحارالانوار، ج ۷۸، صص ۶۳ - ۶۴، که از حضرت علی علیه السلام چنین روایت کرده: «من زهد في الدنيا و لم يجزع من ذلها و لم ينافس في عزاها هداه الله بغير هدايه من مخلوق و علمه بغير تعليم و اثبت الحكمة في صدره و أجزاها على لسانه.» و معراج السعاده، ص ۲۷۶.

کسی که می خواهد خداوند به او بدون آموختن، علم و بدون راهنما، هدایت عطا فرماید، باید به دنیا بی رغبت باشد.

نیز امام علی علیه السلام می فرماید:

كَسَبُ الْعِلْمِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا (۱)؛

به دست آوردن علم [به وسیله] بی رغبتی به دنیا است.

۱۰_ محبوب شدن میان مردم

۱۰_ محبوب شدن میان مردم

طمع نداشتن به دارایی مردم سبب محبوب شدن در میان آنان می گردد. شخصی به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد، به من چیزی بیاموز تا با انجام دادن آن از طرف آسمان خدای عزوجل، و از طرف زمین، مردم مرا دوست داشته باشند. آن حضرت فرمود:

إِرْعَبْ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّكَ اللَّهُ وَ أَزْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ (۲)؛

به آن چه در نزد خداست، دل ببند تا خدا تو را دوست بدارد و از آن چه در نزد مردم است، دل برکن تا مردم تو را دوست بدارند.

۱۱_ رهایی از بدبختی

۱۱_ رهایی از بدبختی

یکی از ویژگی های مهم دنیا که در روایت های امامان معصوم علیهم السلام نیز بدان اشاره شده، بدبختی و بدفرجامی است. هرکس دوست دار دنیا شود، دچار فتنه ها و

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۷۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۲؛ ترک الاطناب فی شرح الشهاب، ص ۳۶۲، حدیث ۴۴۲ و المحججه البيضاء، ج ۷، ص ۳۵۶؛ نهج الفصاحه، ۵۲، حدیث ۲۶۸. در کتب یاد شده روایت چنین است: «ازهد فی الدنیا یحبک الله و ازهد فیما فی ایدی الناس یحبک الناس.»؛ المعجم لالفاظ الحدیث النبوی، الجزالثانی، ص ۳۴۸.

آفات آن می گردد، بنابراین، چنان چه انسان به آن بی رغبت گردد، از بدبختی ها و بدفرجامی های آن رهایی می یابد.
امام علی علیه السلام می فرماید:

زُهِدْكَ فِي الدُّنْيَا يُنْجِيكَ وَ رَغْبَتُكَ فِيهَا تُرْدِيكَ (۱)

زهد ورزیدن در دنیا تو را نجات می دهد و دل باختن به دنیا تو را به سر در می افکند.

هم چنین فرمود:

إِنَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ زَهَدْتُمْ خَلَصْتُمْ مِنْ شِقَاءِ الدُّنْيَا وَ فُزْتُمْ بِدَارِ الْبَقَاءِ (۲)

اگر زهد را پیشه خود سازید، از چنگال بدبختی های دنیایی، رها گشته، و در آخرت سرفراز خواهید بود.

امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام بی رغبتی به دنیا را وسیله نجات از شر و فساد آن می داند. آن حضرت در پاسخ به مأمون که فضل، علم، زهد، ورع و عبادت او را دلیل برحق بودن ایشان برای خلافت برمی شمرد، فرمود:

بِالْعُبُودِيَّةِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَفْتَحِرُ وَ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو النَّجَاهَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ بِالْوَرَعِ عَنِ الْمَحَارِمِ أَرْجُو الْفُوزَ بِالْمَغَانِمِ وَ بِالتَّوَضُّعِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو الرَّفْعَةَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ... (۳)؛

به بندگی خدای عزوجل افتخار می کنم و با دل نبستن به دنیا از شر دنیا امید نجات دارم و با پروای از حرام الهی، رسیدن به نعمت های [آخرتی] را امیدوارم و با فروتنی در دنیا به بلند مرتبگی نزد خداوند امیدوارم.

امام علی علیه السلام می فرماید:

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۲۶.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۹۲.

۳- وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۷، حدیث ۲۲۳۴۶.

أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَسْلَمُ مِنْهَا إِلَّا بِالزُّهْدِ فِيهَا وَ لَا يُنْجَى مِنْهَا بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا (۱)؛

آگاه باشید که جز با پارسایی از [گزند] دنیا نتوان در امان ماند و با هیچ چیزی که برای آن باشد [از آتش] نتوان نجات یافت.

۱۲_ سخاوت

۱۲_ سخاوت

بخل نتیجه دل بستگی به دنیا است. بنابراین، کسی که به دنیا دل نبندد، سخاوت و بخشندگی را پیشه خود می سازد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

رَأْسُ السَّخَاءِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا (۲)

اساس سخاوت مندی، بی رغبتی به دنیا است.

۱۳_ زندگی ساده

۱۳_ زندگی ساده

از آثار دیگر زهد، روی آوردن به زندگی ساده و بدون تجمل است.

امام علی علیه السلام در مورد فضیلت زاهدان می فرماید:

طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِينَ فِي الْآخِرَةِ، أُولَئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ تُرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طَبِيبًا وَ الْقُرْآنَ شِعَارًا وَ الدُّعَاءَ دِتَارًا ثُمَّ قَرَضُوا الدُّنْيَا قَرْضًا عَلَى مِنْهَاجِ الْمَسِيحِ (۳)؛

خوشا به حال پارسایان در دنیا که به آخرت دل بسته اند، ایشان گروهی هستند که زمین را فرش و خاک آن را بستر و آب آن را شربت گوارا قرار داده اند و قرآن را پیراهن و دعا را جامه رو گردانیده اند، پس به روش مسیح دنیا را از خود جدا کردند.

۱۴_ ترجیح دادن آخرت بر دنیا

۱۴_ ترجیح دادن آخرت بر دنیا

زاهد با شناختی که از دنیای فانی و ماهیت آن دارد، می داند که زندگی واقعی

- ١- غررالحكم و دررالکلم، ج ١، ص ١٦١.
- ٢- آثار الصادقین، ج ٨ ص ٥٤.
- ٣- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ١٠٤، ص ٤٨٦.

انسان در آخرت است، از این رو، به جهان بی ارزش دنیا دل نبسته و آخرت را بر آن ترجیح می دهد. در اثر این ترجیح ارزش هایی که برای زاهد مطرح است، ارزش های الهی و معنوی و اخلاقی است؛ ارزش هایی که از فطرت او سرچشمه گرفته است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

الزَّاهِدُ الَّذِي يَخْتَارُ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا (۱)؛

زاهد کسی است که آخرت را بر دنیا اختیار کند.

و علی علیه السلام در وصف زاهدان می فرماید اینان با این که در دنیایند، ولی اهل دنیا نیستند:

كَانُوا قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ لَيْسُوا مِنْ أَهْلِهَا، فَكَانُوا فِيهَا كَمَنْ لَيْسَ مِنْهَا (۲)؛

پارسایان گروهی از اهل دنیایند که اهل آن نیستند، پس در دنیا می باشند، مانند کسی که اهل آن نیست.

علت این که زاهدان اهل آخرتند نه اهل دنیا، این است که سلامتی و عافیت واقعی را در آخرت می جویند و می دانند که سراسر دنیا رنج و سختی است. امام صادق علیه السلام در ادامه حدیث پیشین فرمود:

وَ عَافِيَةَ الْأَجْلِ عَلَى مِخْنَةِ الْعَاجِلِ (۳)

زاهد سلامتی آخرت را بر رنج دنیا ترجیح می دهد.»

۱۵_ اختیار عزت بر ذلت

۱۵_ اختیار عزت بر ذلت

عزت عزیز بودن زاهد آن است که به امور مادی و دنیایی و مقام های آن دلبستگی

۱- المحججه البيضاء، ج ۷، ص ۳۶۳؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۳۰، ص ۳۵۲.

۳- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵.

ندارد، از تمام آن‌ها دل برکنده (۱) و خود را از قید و بند آن‌ها رهانیده است. در نتیجه، خوار و ذلیل نیست و زیر سیطره اشیا بی ارزش دنیایی قرار نمی‌گیرد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تعریف انسان ذلیل می‌فرماید:

كُلُّ عَزِيزٍ دَاخِلٌ تَحْتَ الْقُدْرَةِ فَذَلِيلٌ (۲)؛

هر عزیزی که در زیر قدرت باشد، ذلیل است.

۱۶- بیزاری از زندگی دنیا

۱۶- بیزاری از زندگی دنیا

زاهد مرگ را پیش چشمانش می‌بیند، چنان که آورده اند:

سَأَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ تَفْسِيرِ الزُّهْدِ فَقَالَ: الزَّاهِدُ ... وَكَانَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ أَجَلُهُ (۳)؛

در تفسیر زهد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند، فرمود مرگ پیش چشمان اوست.

لذا زندگی در دنیا را خوش ندارد. همین معنا از امام رضا علیه السلام روایت شده که درباره صفت زاهد فرمود:

مُتَبَرِّمٌ بِحَيَاتِهِ (۴)؛

[زاهد] از زندگی در دنیا بیزار است.

و امام علی علیه السلام پارسایان را در دل گریان و غمگین معرفی می‌کند، اگرچه در ظاهر شاد باشند. آن بزرگوار فرمود:

إِنَّ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا تَبْكِي قُلُوبُهُمْ وَإِنْ ضَحِكُوا (۵)؛

۱- این معنا از امام علیع نیز روایت گردیده است: العزم مع اليأس (میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۲).

۲- میزان الحکم، ج ۶، ص ۲۸۶.

۳- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۴۸.

۴- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۹.

۵- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۱۳، ص ۱۶۸.

قلب زاهدان در دنیا گریان است اگرچه بخندند.

و نیز فرمود:

... وَ يَشْتَدُّ حُزْنُهُمْ وَإِنْ فَرِحُوا (۱)؛

و غم هایشان زیاد است، اگرچه شاد باشند.

۱۷- ترجیح گرسنگی بر سیری

۱۷- ترجیح گرسنگی بر سیری

گفتیم که زاهد دارای مصرف کم و بازدهی زیاد است؛ چون می داند شکم پرستی سبب سقوط انسان است، می کوشد تنها، در جهت تأمین غذای مورد نیاز بدنش گام بردارد. مصرف کم و گرسنگی یکی از عوامل بازدارنده شترارت نفس انسانی است؛ زیرا عادت کردن به بیش از اندازه نیاز، باعث کمی تحمل در مواقع کمبود و موجب دوری از ارزش های انسانی است. علی علیه السلام می فرماید:

نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى أَشْرِّ النَّفْسِ وَ كَثْرَةِ عَادَتِهَا التَّجُوعُ (۲)

گرسنگی، علیه شر نفس و شکستن عادت هایش یاور بسیار خوبی است.

امام صادق علیه السلام نیز گرسنگی را از ویژگی های زاهدان می داند:

وَالْجُوعُ عَلَى الشَّيْءِ... (۳)

زاهد گرسنگی را بر سیری ترجیح می دهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم درباره ویژگی زاهدان از جبریل نقل می کند که:

... وَ يَتَحَرَّجُ مِنْ كَثْرَةِ الْأَكْلِ كَمَا يَتَحَرَّجُ مِنَ الْمَيْتَةِ الَّتِي قَدْ اشْتَدَّتْ نَتْنُهَا (۴)؛

زاهد از پرخوری می پرهیزد، هم چنان که از مردار بدبو، دوری می کند.

۱- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۱۳، ص ۱۶۸.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۷۷۳.

۳- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵.

٤- بحار الانوار، ج ٧٣، ص ٤٨ و ج ٦٩، ص ٣٧٤.

۱۸_ فراموش نکردن**۱۸_ فراموش نکردن**

دوستی و دل بستگی به دنیا نشانه غفلت انسان از مرگ است؛ زیرا کسی که در پی دنیا است از این که مرگ نیز در پی اوست و در آینده، تمام آمال و آرزوهایش بر آب خواهد شد، غافل است. امام صادق علیه السلام یکی از ویژگی های زاهدان را ترجیح ذکر بر غفلت می خواند:

... وَالذُّكْرُ عَلَى الْغَفْلَةِ... (۱)

[زاهد] ذکر را بر فراموشی ترجیح می دهد.

آن حضرت از کسی که مرگ را فراموش کرده اظهار شگفتی می کند:

عَجِبْتُ بِسِتٍّ... وَ أَمَّا الَّتِي أَضْحَكْتَنِي فَطَالِبُ الدُّنْيَا وَالْمَوْتُ يَطْلُبُهُ، وَ غَافِلٌ لَيْسَ بِمَعْفُولٍ عَنْهُ... (۲)

از شش چیز در شگفتم ... و اما چیزی که مرا به خنده می آورد خواهنده دنیا است؛ در حالی که مرگ در پی اوست، و غافلی که از او غفلت نشده است.

زاهد به خاطر غفلت نکردن، و توجه به زندگی واقعی و کامل تر انسان پس از مرگ، هر چند در این دنیا زندگی می کند و مانند بقیه هم نوعانش از نعمت های دنیایی استفاده می کند، ولی خود را وابسته به آخرت می داند. از این رو، در هر لحظه زندگی به آخرت توجه دارد. امام صادق علیه السلام در وصف زاهد می فرماید:

وَيَكُونُ نَفْسُهُ فِي الدُّنْيَا وَ قَلْبُهُ فِي الْآخِرَةِ (۳)

خودش در دنیا، ولی قلبش در آخرت است.

درباره فراموش نکردن قبر، هم چنین چشم پوشی از آرایش های دنیایی و ترجیح

۱- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۶۱.

۳- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵.

آخرت بر دنیا، پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَنْسِ الْقَبْرَ وَ الْبَلَاءَ وَ تَرَكَ أَفْضَلَ زِينَةِ الدُّنْيَا وَ آثَرَمَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى وَ لَمْ يَعُدَّ غَدًا مِنْ أَيَّامِهِ وَ عَدَّ نَفْسَهُ فِي الْمَوْتَى (۱)؛

زاهدترین مردم کسی است که قبر و بلا را فراموش نکند و از بهترین زینت دنیا چشم پوشد و نعمت باقی را بر نعمت فانی ترجیح دهد و فردا را از عمر خویش حساب نکند و خود را در ردیف مردگان شمارد.

۱۹_ دوستی با دوست خالق

۱۹_ دوستی با دوست خالق

از ویژگی های زاهد که در اثر دوستی و انس با خدای تعالی صورت می گیرد، محبت به خداوند است. در نتیجه آن چه را که او دوست دارد، زاهد نیز دوست داشته و آن چه را او دشمن می دارد، زاهد نیز دشمن می دارد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم از قول جبرئیل نقل می فرماید:

الزَّاهِدُ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّ خَالِقَهُ (۲)

زاهد دوست می دارد کسی را که خالقش را دوست می دارد.

زاهد تنها با کسانی نشست و برخاست دارد که آن ها نیز مانند خودش از دنیا بیزارند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در توصیف زاهدان می فرماید:

تَقَلَّبَ أَبْدَانُهُمْ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَهْلِ الْآخِرَةِ (۳)

بدن هایشان در بین اهل آخرت در گردش است [سر و کارشان با آن هاست].»

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

إِنَّ عِلْمَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِينَ فِي الْآخِرَةِ تَرْكُهُمْ كُلَّ حَلِيطٍ وَ حَلِيلٍ وَ رَفْضُهُمْ

۱- نهج الفصاحه، ص ۵۳، حدیث ۲۷۰.

۲- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۴۸.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۳۰، ص ۳۵۳.

كُلِّ صَاحِبٍ لَا يُرِيدُ مَا يُرِيدُونَ (۱)؛

نشان زاهدان در دنیا و شیفتگان آخرت دست کشیدن از هر همدم و دوست و وانهادن هر هم نشینی است که مراد آن ها را نخواهد.

۲۰_ دشمنی با دشمن خالق

۲۰_ دشمنی با دشمن خالق

هر آدمی دشمن محبوب خود را دشمن می دارد. زاهد نیز از این امر مستثنا نیست. محبوب زاهد، خالق اوست و او دشمن خالقش را دشمن می دارد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در این زمینه از قول جبریل علیه السلام چنین می فرماید:

... وَ يُبْغِضُ مَنْ يُبْغِضُ خَالِقَهُ (۲)

و دشمن می دارد کسی را که با خالقش دشمن است.

به علت این که نفس انسانی به بدی و دوری از خدا امر می کند، از دشمنان خدا شمرده می شود. از این رو، اگر چه زاهد به خاطر کارهایش در میان مردم به خوبی شهرت یافته و مورد غبطه واقع شود، باز دشمن نفس شیطانی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

... وَ يَكْثُرُ مَقْتُهُمْ أَنْفُسُهُمْ وَ إِنْ اغْتَبَطُوا بِمَا رَزَقُوا (۳)

خشم آن ها بر نفس هایشان بسیار است، هر چند به سبب آن چه به آن ها داده شده مورد غبطه اند.

۲۱_ رحم کردن به مسلمانان

۲۱_ رحم کردن به مسلمانان

زهد از چندین جهت رحم و دلسوزی نسبت به مردم را به همراه دارد: یکی آن که چون زاهد به اندازه نیاز پس انداز نمی کند، حالت بیش تر مردم که چنین وضعیتی

۱- مجمع البحرین، ص ۳۱۰.

۲- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۴۸ و ج ۶۹، ص ۳۷۴.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۱۳، ص ۱۶۸.

دارند، بهتر برای او قابل درک است. به لحاظ این که خود سختی می کشد، سختی زندگی دیگران را کاملاً احساس می کند، از این رو، بهتر می تواند با دیگران هم دردی نماید. دوّم چون دلبسته دنیا نیست، لذا به راحتی می تواند اگر بهره ای از دنیا داشته باشد، آن را به دیگران ببخشد. سوم چون همواره به یاد مرگ و آخرت است، این حالت برای آدمی ترس و دل نازکی ایجاد می کند و روشن است که آدم دل نازک به دیگران ترحم و دلسوزی می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم درباره ویژگی زاهد از جبریل نقل می فرماید:

... وَ يَرْحَمُ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ كَمَا يَرْحَمُ نَفْسَهُ (۱)

و به مسلمانان رحم می نماید، هم چنان که به خودش رحم می نماید.

از امام علی علیه السلام است که

أَرْحَمُكُمْ أَزْهَدُكُمْ (۲)

با رحم ترین شما زاهدترین شماست.

۲۲_ عمل به وظیفه

۲۲_ عمل به وظیفه

دل نبستن به دنیا و گرایش به آخرت سبب روی آوردن انسان به آن دسته رفتارهایی است که او را به آخرت و پاداش آن نزدیک سازد. لذا زاهد می کوشد وظایفی را که به عهده اش گذاشته شده، به خوبی انجام دهد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

عَمِلُوا فِيهَا بِمَا يُبْصِرُونَ (۳)؛

عمل زاهد در آن چیزی است که [بعد از مرگ] می بینند.

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۴۸ و ج ۶۹، ص ۳۷۴.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۳۰، ص ۳۵۳.

هم چنین امام سجاد علیه السلام می فرماید:

... الْحَاتُّ عَلَى الْعَمَلِ قَبْلَ فَنَاءِ الْأَجْلِ وَ نُزُولِ مَا لَا بُدَّ مِنْ لِقَائِهِ (۱)

زاهد پیش از سر آمدن مهلت و فرا رسیدن آن چه ناگزیر باید ملاقاتش کرد، در عمل می کوشد.

۲۳- ایثار

۲۳- ایثار

ایثار از اهداف زهد است. ایثار یعنی دیگران را بر خویش مقدم داشتن و خود را برای آسایش دیگران به رنج افکندن. زاهد بر خود سخت می گیرد تا به دیگران ببخشد، در کمال قناعت و سادگی زندگی می نماید، تا دیگران در آسایش باشند، آن چه دارد به نیازمندان می بخشد؛ زیرا چنان چه دیگران بخورند و بپوشند و در آسایش باشند، بیش تر لذت می برد تا این که خود بپوشد و بخورد و در آسایش باشد. با فضیلت ترین زاهدان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و خاندان گرامیش هستند که نتیجه ایثارشان در سوره هل اتی آمده است، در روایت آمده است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دست بندی از نقره بر دست حضرت زهرا علیها السلام و پرده ای بر درِ اتاق آن حضرت دید، ناراحت گشت. حضرت زهرا علیها السلام فوراً قاصدی خدمت حضرت فرستاد تا آن پرده و دست بند به مصرف دیگران برسد. به قول شهید مطهری قدس سره شعار الجار ثم الدار رسم جاری در خاندان حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام بود (۲).

امام علی علیه السلام درباره ویژگی از خود گذشتگی زاهد می فرماید:

نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ، وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ. أَتَعَبَ نَفْسَهُ لِأَخْرَجَتِهِ، وَ أَرَاخَ النَّاسَ مِنْ

۱- مجمع البحرین، ص ۳۱۰.

۲- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، صص ۲۲۳ - ۲۲۴ با گزینش.

نفس او از او در زحمت است و مردم از وی در راحت. خود را برای آخرتش به رنج انداخته، و مردمان را از خویش آسوده ساخته است.

اسلام، چنین زهدی را که به خاطر از خود گذشتگی برای دیگران است می پذیرد؛ زیرا هدفی عقلانی و انسانی دارد. اگر دینی چنین زهدی را توصیه نکند، دین نیست. اگر مکتبی اخلاقی چنین زهدی را سفارش نکند، آن مکتب از مفاهیم والای انسانی بی خبر است. قرآن درباره گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم [انصار و مؤمنین در مدینه] می فرماید:

و يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ (۲)؛

با این که خودشان در سختی به سر می بردند، ولی برادران مسلمانشان را بر خود مقدم می دارند (۳).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم زیبایی و لطافت مسأله زهد را به ایثاری که در آن نهفته می داند و می فرماید:

... وَالْإِيثَارُ زِينَةُ الزُّهْدِ ... (۴).

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۳۰۶.

۲- حشر، ۹. ترجمه: و آن ها را بر خود مقدم می دارند و هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند.

۳- حق و باطل، مرتضی مطهری، ص ۱۴۸.

۴- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۳. ترجمه: «از خود گذشتگی زیبایی زهد است.»

بخش ششم: آفات زهد در روایات معصومین علیهم السلام

اشاره

بخش ششم: آفات زهد در روایات معصومین علیهم السلام

از دیدگاه اسلام انسان مسلمان آن گاه شخصیت واقعی خود را درمی یابد که خود را از اسارت ماده پرستی و پول پرستی و وابستگی های دنیایی آزاد ساخته و امور دنیایی را در تسخیر خویش قرار دهد. هنگامی که چنین شخصیتی یافت، به زهد واقعی رسیده است (۱).

دل بستگی و گرایش به دنیا صفت مقابل زهد و بزرگ ترین آفت آن است چون در اثر آن آفت های دیگری نیز به هم می رسد.

۱_ دوستی دنیا

۱_ دوستی دنیا

دوستی دنیا دقیقا در مقابل زهد است و این دو با هم جمع نمی گردند. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که: «حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا (۲)؛ هرگز دوستی دنیا و دوستی خدا در یک دل جمع نمی شود.»

نیز قرآن می فرماید: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ (۳)؛ خداوند در اندرون کسی دو دل قرار نداده است.» بنابراین هیچ کس نمی تواند هم محبت دنیا و هم محبت خداوند را در خود جمع کند. البته منظور آیه شریفه این نیست که مردم یا باید به خدا علاقه مند باشند یا به غیر خدا؛ بلکه مقصود این است که باید یک هدف اعلی در زندگی داشت. دو چیزی که با هم جمع نمی شود یعنی این که منتهای آرزو، یعنی خدا همراه با مادیات دنیایی باشد. والا روشن است که صرف علاقه به چند چیز در یک

۱- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۲۵۴.

۲- اخلاق اسلامی، محمدعلی سادات، ص ۱۲۸، به نقل از تنبیه الخواطر، ص ۳۶۲.

۳- احزاب، آیه ۴.

چه زشت است که انسان به خاطر طمع و رغبتی که به دنیا دارد، خود را در برابر متاع ناچیز دنیایی کوچک و خوار نماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تَذِلُّهُ (۲)؛

چه زشت است برای مؤمن که به چیزی دل بندد که او را خوار نماید.

در بحث دنیاطلبی و دوستی دنیا، به زمین و آسمان و درخت و خوراک و پوشاک و مانند آن، دنیا گفته نمی شود؛ زیرا همه این ها از نعمت های الهی و از مظاهر قدرت و رحمت اوست. دنیا چیزی است که انسان را از خدا بریده و از یاد او غافل گرداند. یعنی هر چیزی که انسان جداگانه به آن علاقه پیدا کند، دنیاست. اگر علاقه انسان به امور دنیایی بیش تر گردد، رفته رفته بر غفلت او افزوده شده، و اثری از اعتقاد به خدا در زندگی او نخواهد ماند.

علامه مجلسی قدس سره درباره دوستی دنیا می فرماید:

آن چه بر حسب فهم ما از مجموع آیات و اخبار درک می شود، این است که دنیای مذموم مرکب است از اموری که انسان را از اطاعت خدا و دوستی او و تحصیل آخرت باز دارد. پس دنیا و آخرت باهم تقابل دارند. هرچه باعث رضای خدای سبحان و قرب او شود، از آخرت است اگرچه به حسب ظاهر از دنیا باشد، مثل تجارات و زراعات و صناعاتی که مقصود از آن ها تأمین معیشت خانواده و اطاعت امر خدا، و صرف کردن آن ها در مصارف خیریه و اعانت کردن به محتاجان و صدقات و باز ایستادن از سؤال از مردم و غیر آن. و این ها همه از آخرت است، گرچه مردم آن را از دنیا دانند. و ریاضات مبتدعه و اعمال ریائی، گرچه با تزهّد و انواع مشقت باشد، از دنیاست؛ زیرا که باعث دوری از خدا شود و قرب به

۱- بیست گفتار، مرتضی مطهری، ص ۲۱۳.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۱ ص ۳۲۱ حدیث ۲۰۸۶۴.

سوی او نیاورد، مثل اعمال کفار و مخالفان(۱)».

در هر حال دوستی دنیا و آخرت نقیض یکدیگرند. دوستی یکی خشم نسبت به دیگری را به همراه دارد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدُوَانِ مُتَفَاوِتَانِ، وَ سَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ، فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَ تَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَ عَادَاهَا، وَ هُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، وَ مَا شِ بَيْنَهُمَا، كُلَّمَا قَرَّبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعُدَ مِنَ الْآخَرِ، وَ هُمَا بَعْدُ ضَرَّتَانِ! (۲)

دنیا و آخرت دو دشمن ناجور و دو راه جدایند، بدین روی کسی که دنیا را دوست داشت و به آن دوستی ورزید، آخرت را دشمن داشته و با آن دشمنی کرده است، و آن دو مانند خاور و باخترند، که رونده میان آن ها هرچه به یکی نزدیک شود، از دیگری دور گردد و آن ها پس از این اختلافشان به دو زن مانند که یک شوهر داشته باشند.

بنابراین اگر انسان دوستدار دنیا شود، آخرت خود را تبه خواهد ساخت؛ ولی زاهد در همان حالی که از دنیا بهره می برد، به ثواب آخرت نیز می رسد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

أَفْلَحَ الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا، حَظِيَ بَعْزُ الْعَاجِلِهِ وَ بَثَابِ الْآخِرَةِ (۳)؛

زاهد در دنیا رستگار شده، از عزت دنیا و ثواب آخرت بهره برد.

مفاسدی که دوستی دنیا در پی دارد، بسیار است که از مهم ترین آن ها دشمنی به خدا، ترس از مرگ و بازداشتن از عبادت خداوند را می توان نام برد(۴). حضرت عیسی

۱- چهل حدیث، امام خمینی قدس سره، حدیث ششم، صفحه ۱۲۰.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۱۰۳، ص ۴۸۶.

۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۲۳۱.

۴- چهل حدیث، صص ۱۲۳ تا ۱۲۶.

علیه السلام پرستش خداوند همراه با دوستی دنیا را همانند ساختمان بر روی آب می داند.

الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ فَاعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمَرُوهَا. وَقِيلَ لَهُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَوْ أَمَرْنَا أَنْ نَبْنِي لِمَكَ بَيْتًا تَعْبُدُ اللَّهُ فِيهِ فَقَالَ: إِذْهَبُوا فَاَبْنُوا بَيْتًا عَلَى الْمَاءِ، فَقَالُوا: كَيْفَ يَسْتَقِيمُ بُيُوتًا عَلَى الْمَاءِ؟ قَالَ: فَكَيْفَ تَسْتَقِيمُ عِبَادَةُ عَلَى حُبِّ الدُّنْيَا (۱)؛

دنیا پلی است؛ از آن گذر کنید، ولی آن را آباد نکنید. و به ایشان گفتند: ای پیامبر خدا کاش به ما امر می کردی که خانه ای برایت بسازیم تا در آن خدای را عبادت کنی! فرمود: بروید خانه ای بر آب بنا کنید، گفتند: چگونه ساختمان بر آب استوار می گردد؟ فرمود: پس چگونه عبادت خداوند بر دوستی دنیا استوار می ماند.

از پی آمدهای دل بستن به دنیا غم و اندوه است؛ زیرا فطرت انسانی جویای بی نهایت است، پس هرچه از دنیا به دست آورد، قانع نمی شود و بیش از آن را می خواهد. در نتیجه احساس کمبود می کند و این کمبود او را به غم و اندوه دچار می سازد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكْثِرُ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ (۲)؛

دل بستن به دنیا غم و اندوه را زیاد می کند.

این غم و اندوه پایان ناپذیر است. امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ تَعَلَّقَ بِحُبِّ الدُّنْيَا تَعَلَّقَ مِنْ ضَرَرِهَا بِثَلَاثِ خِصَالٍ: هُمْ لَا يَفْنَى وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُ وَ رَجَاءٌ لَا يَنَالُ؛ (۳)

هر که به دنیا دل بندد سه زیان به او خواهد رسید: اندوهی که از میان نمی رود؛ آرزویی

۱- المحججه البيضاء، ج ۷، ص ۳۵۵؛ امالی مفید، ص ۵۵، از حضرت عیسی علیه السلام چنین نقل کرده: «الدنيا قنطرة فاعبروها ولا تعمروها و قال: ايكم يبني على موج البحر دارا؟ تلکم الدار الدنيا فلا تتخذوها دارا».

۲- ابو عبدالله محمد قضاعی مغربی، پیشین، ص ۱۴۳، حدیث ۲۱۹.

۳- ابن شعبه حرانی، پیشین، ص ۴۲۷.

که [پایانش] درک نمی شود و امیدی که به آن نمی رسد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می فرمود:

مَنْ أَثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ابْتِلَاءُ اللَّهِ مَبْتَلًا: هُمْ لَا يُفَارِقُ قَلْبَهُ أَبَدًا، وَفَقْرٌ لَا يَشْغِي مَعَهُ أَبَدًا، وَحِرْصٌ لَا يَشْبَعُ مَعَهُ أَبَدًا؛ (۱)

هر که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، به سه چیز مبتلا می شود: غمی که هرگز از دلش بیرون نمی رود، فقری که هیچ گاه برطرف نمی شود و حرصی که هرگز از آن سیر نمی گردد.

هم چنین امام صادق علیه السلام غمناک شدن بر چیزی که را که به انسان نمی رسد، سرزنش می کند:

يَابْنَ آدَمَ مَالِكَ تَأْسَفُ عَلَى مَفْقُودٍ لَا يَرُدُّهُ إِلَيْكَ الْفَوْتُ وَ مَالِكَ تَفْرَحُ بِمَوْجُودٍ لَا يَتْرُكُهُ فِي يَدَيْكَ الْمَوْتُ؛ (۲)

ای فرزند آدم! چرا غمناک می شوی بر از دست رفته ای که به تو باز نمی گردد و چرا خوشحال می گردی به موجودی که مرگ، آن را به تو نمی رساند.

۲- طمع

۲- طمع

طمع از دیگر آفت های زهد است و با وجود طمع، زهد پیشگی معنا ندارد. امام علی علیه السلام زهد را برای کسی که خود را از طمع تهی نساخته، بی فایده دانسته، می فرماید:

لَا يَنْفَعُ زُهْدَ مَنْ لَمْ يَتَخَلَّ عَنِ الطَّمَعِ وَ يَتَخَلَّ بِالْوَرَعِ (۳)؛

کسی که از طمع پیراسته نشده و به پرهیزگاری آراسته نگردیده، از زهد سودی نمی برد.

۱- فیض کاشانی، پیشین، ج ۷، ص ۳۵۵. نیز ر.ک: محمدی ری شهری، پیشین، ج ۴، ص ۲۶۴.

۲- ابوالفتوح رازی، تفسیر روح الجنان و روح الجنان، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، ناشر: کتابفروشی اسلامیة، تاریخ نشر: ۱۳۹۸، ج ۱۱، ص ۵۲.

۳- غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۸۵۳.

نیز امام علی علیه السلام بیشترین فساد و تباهی عقل را در رویارویی با آزمندی انسان دانسته، می فرماید:

أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْأَطْمَاعِ (۱)

بیشترین قتل گاه های عقل ها، زیر برق [شمشیر] آزهاست.

۳_ بخل

۳_ بخل

گفته شد که صفت مقابل زهد، دل بستگی و دوستی دنیا است. از این رو، یکی از آثار دوستی دنیا بخل است و انسان بخیل از زهد حقیقی به دور می باشد.

السَّخَاءُ مِنَ الْيَقِينِ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ مُوقِنٌ وَ الْبُخْلُ مِنَ الشَّكِّ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ شَكَّ (۲)؛

بخشندگی از باور [به رستاخیز] سرچشمه می گیرد. هیچ باورمندی به آتش [دوزخ] در نمی آید؛ ولی آزا از دو دلی [به رستاخیز] بر می خیزد؛ هیچ دو دلی به بهشت نمی رود.»

نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ، قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ، وَالْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ، بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ (۳)؛

بخشنده به خدا، مردم و بهشت نزدیک است، ولی آزمند از خدا و مردم دور، و به آتش [دوزخ] نزدیک است.

۴_ ثروت اندوزی

۴_ ثروت اندوزی

البته ثروت اندوزی با زهد تضادی ندارد و این دو به شرط آن که با مال دوستی و دنیا خواهی همراه نباشد جمع پذیرند.

۱- ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۱۱۰؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۲۲، حدیث ۲۰۸۷۱.

۲- فیض کاشانی، پیشین، ج ۷ ص ۳۵۳.

۳- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۰۸.

علامه امینی رحمهم الله گوید: مال اندوزی و جمع کردن ثروت از راه مشروع و راه های مجاز شرعی با روحیه زهدگرایی تضادی ندارد؛ زیرا حقیقت زهد آن است که مال و روحیه مال اندوزی، زمام اختیار آدمی را به دست نگیرد؛ نه این که آدمی مالک چیزی نباشد (۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ثروتی را که انسان را مست و سرکش سازد، میراننده دل می داند. آن حضرت می فرماید:

أَرْبَعٌ يُمِئِنَنَّ الْقَلْبَ: الدَّنْبُ عَلَى الدَّنْبِ وَ كَثْرَةُ مُنَاقَشَةِ النِّسَاءِ وَ مُمَارَاةُ الْأَحْمَقِ تَقُولُ وَ يَقُولُ وَ لَا يَرْجِعُ إِلَى خَيْرٍ وَ مُجَالَسَةُ الْمَوْتَى، فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَسَلَّمَ وَ مَا الْمَوْتَى؟ قَالَ: كُلُّ غَنِيٍّ مُتْرَفٍ (۲)؛

چهار چیز دل را می میراند: گناه روی گناه، جدال بسیار با زنان، مجادله با نادان که تو [هر چه] گویی او [چیزی] آگوید و [این سخنان] را خیری نباشد و هم نشینی مردگان. عرض شد: یا رسول الله مقصود از مردگان چیست؟ فرمود: هر ثروت مند نازپرورده.

هم چنین حضرت ثروت را هلاک کننده انسان دانسته است:

إِنَّ الدَّيْنَارَ وَ الدَّرْهَمَ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَ هُمَا مَهْلِكَاكُمْ (۳)؛

دینار و درهم، پیشینیان شما را هلاک کرد و آن دو هلاک کننده شما [نیز] هستند.

۵- آرزو

۵- آرزو

انسانی که به دنیا دل بندد، همواره خود را تهی دست می یابد؛ زیرا از صفات مهم انسان بی نهایت خواهی اوست و چون خواهنده دنیا به طور کامل به خواسته خود دست نمی یابد، همواره خود را نیازمند می بیند. از این رو، همیشه در پی دنیاست. حالتی که به حرص و آرزو تعبیر می شود.

۱- زهد اسلامی، ص ۵۰، به نقل از الغدیر، ج ۲، ص ۹۱.

۲- الخصال، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳- وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۹.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

مَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الدُّنْيَا فَرَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَجَعَلَ الْفَقْرَيْنِ عَيْنَيْهِ وَ لَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا كَتَبَ لَهُ وَ مَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الْآخِرَةَ جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ وَ جَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ وَ أَتَتْهُ الدُّنْيَا وَ هِيَ رَاغِمَةٌ (۱).

کسی که هدفش دنیا باشد، خداوند [رشته] کارش را از هم می گسلد و تنگ دستی را برابر چشمانش می نهد؛ ولی از دنیا به او نمی رسد جز آن چه خداوند برایش مقدر فرموده است؛ اما کسی که هدفش آخرت باشد، خداوند گسستگی [کارش] را برطرف می سازد و بی نیازی را در دلش می نهد و به رغم خواستش دنیا به او روی می آورد.

و از امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که:

إِنَّ عَلَامَةَ الرَّاغِبِ فِي ثَوَابِ الْآخِرَةِ زُهْدُهُ فِي عَاجِلِ زَهْرِهِ الدُّنْيَا أَمَا إِنَّ زُهْدَ الزَّاهِدِ فِيهِدِهِ الدُّنْيَا لَا يَنْقُصُهُ مِمَّا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا وَ إِنَّ زَهْدًا، وَ إِنَّ حِرْصَ الْحَرِيصِ عَلَى عَاجِلِ زَهْرِهِ الدُّنْيَا لَا يَزِيدُهُ فِيهَا وَ إِنَّ حِرْصَ فَالْمَغْبُونِ مِنْ حَرَمِ حَظِّهِ مِنَ الْآخِرَةِ (۲)؛

نشانه علاقه مند به پاداش آخرت، بی رغبتی به شادی زودگذر دنیا است، اما بی رغبتی زاهد در این دنیا از آن چه خدای عزوجل سهم او گردانیده، نمی کاهد؛ اگرچه زهد و رزد، و حرص شخص حریص به شادی زودگذر دنیا، چیزی در [سهم] او نمی افزاید، هرچند حرص و رزد. پس زیان دیده، کسی است که بهره آخرت را بر خودش حرام گردانیده است.

امام باقر علیه السلام حریص را مانند کرم ابریشم دانسته، می فرماید:

مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُودِهِ الْقَزِّ كُلَّمَا ازْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا

۱- مجمع البیان، ابوعلی طبرسی، ج ۹، ص ۴۱؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۲۳۱؛ المحججه البیضاء، ج ۷، ص

۲- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۵۲؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۱، حدیث ۲۰۸۲۹.

مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًا (۱)؛

حریص به دنیا، مانند کرم ابریشم است که هرچه بیش تر بر خود تَنَد، راه بیرون آمدنش دورتر شود تا آن که از غصه بمیرد.

۶- آرزو

۶- آرزو

چنان که پیش تر در فرمایشی از مولای متقیان علی علیه السلام درباره زهد آوردیم، یکی از جنبه های زهد و بی میلی به دنیا، کوتاهی آرزوهاست. بنابراین، یکی از آفت های زهد آرزوهای طولانی است. آرزو نوعی خواستن است که خواسته، موضوع های غیرضروری و دور از توان کنونی آدمی است و ممکن است همین ناتوانی تا پایان عمر نیز ادامه یابد. باید گفت انسان آرزومند همواره در فردهای موهوم زندگی می کند (۲). امام علی علیه السلام فرمود:

أَكْذَبُ شَيْءٍ أَلْمَلُ (۳)

دروغ ترین چیز آرزو است.

نیز فرمود:

أَبْعَدُ شَيْءٍ أَلْمَلُ (۴)

دورترین چیز آرزو است.

هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم کوتاهی آرزوها را شرط ورود به بهشت می داند:

أَكُلُّكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ؟ قَالُوا: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: قَصْرُوا مِنَ الْأَمَلِ وَ

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۲۰۲؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۸، حدیث ۲۰۸۵۳.

۲- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، ج ۱۳، ص ۳۴۱ با گزینش.

۳- غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۱۷۴.

۴- غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۱۷۸.

تَبَيَّنُوا أَجَالَكُمْ بَيْنَ أَبْصَارِكُمْ وَاسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ (۱)؛

آیا همه شما دوست دارید که وارد بهشت شوید؟ گفتند: آری یا رسول الله . فرمود: آرزویتان را کوتاه کنید و اجل هایتان را برابر چشمانتان نهدید و از خداوند چنان که شایسته است، شرم کنید.

۱- ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۴۹۴.

بخش هفتم: اسوه های زهد

اشاره

بخش هفتم: اسوه های زهد

زهد از صفات انبیا، اولیا و صالحان است و خدای تعالی آن را شرط امامان معصوم علیهم السلام قرار داده است.

وَ شَرَطَتْ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فَيَدْرَجَاتٍ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّينِيَّةَ (۱)

زهد را در مراتب این دنیای پست بر آنان لازم ساختی.

در اینجا به سیره بعضی از اسوه های زهد می پردازیم.

زهد پیامبران گذشته

زهد پیامبران گذشته

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در مورد زهد انبیای الهی به ابن مسعود فرمود:

ای پسر مسعود! حضرت نوح علیه السلام نهصد و پنجاه سال زندگی کرد، چون صبح می کرد می گفت: به شب نمی رسم، و چون شب می رسید می گفت: به صبح نمی رسم، جامه اش از پشم و خوراکش نان جو بود. اگر بخواهی از کار داود علیه السلام خلیفه و جانشین خدا در زمین _ آگاہت کنم، جامه اش پشم و خوراکش نان جو بود. اگر می خواهی از کار سلیمان علیه السلام آگاہت سازم، سلیمان علیه السلام با آن سلطنتی که داشت، خود نان جو می خورد و به مردم نان سفید گندم می خورانید، و جامه اش پشم بود، و چون شب فرا می رسید، دست خود را [به حالت خواری] به گردن می نهاد و تمام شب را تا به صبح نماز می گزارد. و ابراهیم علیه السلام _ خلیل خداوند _ لباسش پشم و خوراکش نان جو بود، و پوشش یحیی علیه السلام از لیف خرما بود و از برگ درختان می خورد. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از زهد عیسی علیه السلام سخن گفت و سپس با آوردن ستایشی که خداوند از این پیامبران زاهد علیهم السلام در قرآن کریم کرده، فرمود: ای ابن مسعود! آتش

[دوزخ] برای کسی است که حرام انجام دهد و بهشت از آن کسی است که [برای رعایت زهد] استفاده از حلال را ترک گوید. پس باید که در زندگی زهد پیشه سازی؛ زیرا خداوند با زهد ورزیدن تو به فرشتگان مباحات می کند و لطف و عنایت او به تو روی می آورد و پروردگار جبار بر تو سلام و درود می فرستد (۱).

هم چنین امام علی علیه السلام درباره زهد پیامبران الهی می فرماید: موسای کلیم علیه السلام می گفت: پروردگارا! هرچه از نیکی به من ببخشی، نیازمندم. به خدا سوگند موسی جز نانی برای خوردن، از خدا نخواسته بود؛ زیرا گیاه زمین را می خورد و به جهت لاغری و کمی گوشت، سبزی گیاه از نازکی پوست درونی شکمش دیده می شد، و داوود علیه السلام که دارای مزامیر (۲) و زبور بود و خواننده اهل بهشت است، به دست خود از لیف خرما زنبیل ها می بافت و به هم نشینان خویش می گفت: کدام یک از شما در فروختن آن ها مرا یاری می کند؟ و از بهای آن ها، خوراک او قرصی نان جو بود. و عیسی بن مریم علیه السلام [هنگام خوابیدن] سنگ را زیر سر گذاشته، بالش قرار می داد، و جامه زبر می پوشید و طعام خشن می خورد. خورش او گرسنگی بود و چراغش در شب روشنایی ماه بود، و سایه بان او در زمستان جایی بود که آفتاب می تابید یا فرو می رفت. میوه و سبزی خوش بوی او گیاهی بود که زمین برای چهارپایان می رویانید؛ نه زنی داشت که او را به فتنه و تباه کاری افکنند، و نه فرزندی که او را اندوهگین سازد، و نه دارایی که او را [از خدا] برگرداند، و نه [به دنیا و اهلش] طمعی داشت که او را خوار کند؛ مرکب او دو پایش بود و خدمتکارش دو دستش (۳).

۱- آثار الصادقین، ج ۸، ص ۷۹.

۲- زبور داود یا به تعبیری که در کتب عهد قدیم آمده مزامیر داود عبارت است از مجموعه ای از مناجات ها و نیایش ها و اندرزه های داود پیامبر علیه السلام. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۶.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۶۰، ص ۲۲۷، ترجمه فیض الاسلام. روایتی به همین مضمون از عیسی علیه السلام نیز نقل گردیده است که متن آن چنین است: روی عن المسيح علیه السلام انه قال للحواریین: أكلی ما انبتته الارض للبهائم و شربی ماء الفرات بكفی و سراجی القمر و فراشی التراب و وسادتی المدر و لبسی الشعر لیس لی ولد یموت و لالی امرأه تحزن و لا بیت یخرب و لا مال یتلف فأنا أغنی و لد آدم. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵. ترجمه روایت: از حضرت مسیح علیه السلام نقل شده که به یاران خود فرمود: «خوراک من چیزی است که زمین برای چارپایان می رویاند، و نوشیدنی من به اندازه کف دست از آب گوارا است و چراغ من نور ماه، و فرش من خاک زمین، و متکای زیر سر من گل [= خاک] و لباسم از مو [لباس زبر و خشن] می باشد. فرزندی ندارم تا بیمرد و [و مرا غمگین کند] و نه همسری تا مرا محزون نماید و نه خانه ای که ویران شود و نه مالی که مرا سرگرم خود کند. پس من ثروتمندترین فرزند آدم هستم.

زهد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم

زهد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم

روایت های بسیاری درباره زهد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم رسیده است. از امام صادق علیه السلام است که:

ما أَعْجَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَيْءٌ مِّنَ الدُّنْيَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِيهَا جَائِعًا خَائِفًا (۱)؛

برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم چیزی در دنیا خوشایندتر از این نبود الا این که در آن گرسنگی و خوف باشد.

امام علی علیه السلام درباره آن حضرت می فرماید:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم دنیا را کوچک می پنداشت و بدان اهمیتی نمی داد. آن را پست دانسته و می دانست خداوند سبحان او را برگزیده، دنیا را از او دور گردانیده، و چون کوچک و پست است، آن را در نظر غیر آن حضرت جلوه داده است. پس آن بزرگوار نیز در دل از آن روی گرداند و بی میل شد، و یاد آن را از نفس خود دور گردانید و دوست داشت که زینت و آرایش آن را به چشم نیند، تا از زینت آن لباس آراسته نخواهد، یا ماندن در آن را آرزو نکند. از جانب پروردگارش احکام را تبلیغ نمود، و امت و پیروان خود را [از عذاب الهی] ترسانیده، پند و اندرز داد. و آنان را مژده رسانده، به سوی بهشت دعوت

فرمود(۱).

زعیق بن قاسم است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حدیثی از پدر بزرگوارتان روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از نان گندم سیر نشد، آیا این مطلب درست است؟ فرمود: «نه، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هرگز نان گندم نخورد. و از نان جو هم یک شکم سیر نخورد.»(۲)

مردی یهودی از امیرمؤمنان علیه السلام پرسید: مردم گمان می کنند که عیسی بن مریم علیه السلام مرد زاهدی بود. حضرت فرمود: چنین است. ولی محمد صلی الله علیه و آله وسلم از همه پیغمبران زاهدتر بود... هرگز نان گندم نخورد و از نان جو نیز سه شبانه روز پی در پی سیر نشد.(۳)

روزی عمر در چشمه ام ابراهیم [محلّی در نزدیکی مدینه] خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رسید، در حالی که بر روی حصیری از برگ خرما خوابیده بود و بخشی از بدن مبارک حضرت روی خاک قرار داشت، و متکایی از لیف درخت خرما زیر سرداشت، سلام کرد و نشست. پس گفت: شما پیامبر خدا و بهترین آفریده او هستی، کسرا و قیصر بر تخت های طلا و فرش های ابریشمین می خوابند، ولی شما این چنین! پیامبر فرمود:

أُولَئِكَ قَوْمٌ أَجَلَتْ طَبِيبَاتُهُمْ، وَ هِيَ وَ شَيْكُهُ الْإِنْقِطَاعَ وَ إِنَّمَا آخَرْتُ لَنَا طَبِيبَاتِنَا(۴)؛

آن ها گروهی اند که طبیات شان در این دنیا به آنان داده شده، و به زودی قطع می گردد،

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۰۹، ص ۱۶۲، ترجمه فیض الاسلام.

۲- سنن النبی، محمدحسین طباطبائی، ص ۱۶۰.

۳- سنن النبی، محمدحسین طباطبائی، ص ۱۶۱.

۴- تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۴۷.

ولی طیبات ما برای قیامت ذخیره شده است.

او از امام باقر علیه السلام است که فرمود: روزی مقداری حلوی مخصوص نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آوردند. حضرت آن را نخورد. پرسیدند آیا آن را حرام می دانی؟ فرمود: نه، ولی من از این می ترسم که نفسم به آن مشتاق گردد و پیوسته در پی آن باشم (۱).

امام علی علیه السلام می فرماید: از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پیروی کن! زیرا راه و رسمش سرمشق کسی است که می خواهد پیروی کند و انتسابی است برای آن که بخواهد منتسب گردد، و محبوب ترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش الگو پذیرد و قدم در جای پای او گذارد. پیامبر بیش از کم ترین نیاز از متاع دنیا استفاده نکرد و به آن تمایلی نشان نداد. پهلویش از همه لاغرتر و شکمش از همه گرسنه تر بود. دنیا به وی عرضه شد [تا آن چه می خواهد انتخاب کند] ولی آن را نپذیرفت. او از آن چه مورد خشم خداوند است، آگاه بود، لذا خود نیز آن ها را ناپسند می شمرد و آن چه را که خداوند کوچک شمرده بود، او نیز کوچک می دانست.

اگر ما آن چه را که مورد غضب خدا و رسول اوست، دوست بداریم و آن چه را که خداوند و پیامبرش آن را کوچک شمرده اند، بزرگ بداریم، همین نوعی مخالفت ما با خدا و سرپیچی از فرمان اوست.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم روی زمین می نشست و غذا می خورد. با فروتنی همچون بردگان می نشست و با دست خود کفش و لباسش را وصله می کرد. بر مرکب برهنه سوار می شد و حتی کسی را پشت سر خود سوار می نمود. پرده ای را بر در اطاقش دید که بر آن تصویرهایی بود؛ همسرش را صدا زد و گفت: آن را از نظرم پنهان کن! که هرگاه چشمم به آن می افتد، به یاد دنیا و زرق و برق آن می افتم. آن حضرت با تمام وجود از زرق و برق دنیا روی گرداند و یاد آن را در دلش میراند. سخت علاقه مند بود که زینت ها و زیورهای دنیایی از چشمش پنهان گردد، تا از آن لباس زیبایی تهیه

نکند و آن را قرارگاه همیشگی نداند. از این رو، آن را از روحش بیرون کرد و از قلبش دور و از چشمش پنهان ساخت. (۱)

زهد امام علی علیه السلام

زهد امام علی علیه السلام

درباره زهدورزی امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت های بسیاری در منابع شیعه و اهل سنت وارد شده است. زندگی امام علی علیه السلام بهترین روش زندگی است که بشر تاکنون در زندگی تاریخی اش آن را تجربه کرده است؛ زندگی انسان کاملی که الهی ترین افراد بشر است و سزاوارترین انسان برای خلیفه الهی بودن است.

از شاخص های زندگی امام، زهدی است که سراسر زندگی او را پوشانده است. زاهد به معنای در اختیار داشتن همه جهان و با این حال، روی گرداندن از تمام امور دنیایی. زهدی که قناعت را ترجیح می دهد و در برابر دشواری ها، صبر را در پیش می گیرد.

گروهی در نزد عمر بن عبدالعزیز درباره زاهدترین انسان بحث می کردند. بعضی از آنان کسانی مانند اباذر را برشمردند. عمر بن عبدالعزیز گفت:

أَزْهَدُ النَّاسِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (۲)

زاهدترین مردم علی بن ابیطالب است.

بارها وقتی برای نماز حاضر می شد، در حالی که از تنها پیراهنش هنوز آب چکه می کرد، خطبه می خواند. درحالی که در رأس حکومت بود و اموال زیادی از مالیات ها و خراج های سرزمین های پهناور تابعه بر خزانه های آن سرازیر بود، امام ساده ترین غذاها را می خورد، به گونه ای که به وی می گفتند: آیا در سرزمین عراق _ کشور فراوانی نعمت ها _ عرصه را چنین بر خود تنگ می کنید. اما این وضع برای امام افتخار

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۶۰، صص ۲۲۷ - ۲۲۸.

۲- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۷۲.

بزرگی بود.

خود می فرمود:

أَنَا الَّذِي أَهَنْتُ الدُّنْيَا (۱)

من کسی هستم که دنیا را سبک شمردم.

اسودبن قیس گوید: علی علیه السلام در رحبه کوفه مردم را اطعام می کرد و وقتی از آن فارغ می شد، به منزل باز می گشت و در خانه خویش غذا می خورد. یکی از اصحاب گوید: پیش خود گفتم شاید علی در منزل خود، غذای لذیذتر از طعامی که به مردم داده، می خورد. غذا را رها کرده، در پی او به راه افتادم. به من گفت آیا غذا خوردی؟ گفتم نه، فرمود: پس با من بیا. من نیز با او به منزلش رفتم. او فضه را صدا زد. دیدم کنیزی وارد شد، علی علیه السلام به او گفت: برای ما غذا بیاور. او نیز گرده نانی همراه با ظرف دوغی آورده و نان را در آن ترید کرد، در حالی که در آن سبوس گندم وجود داشت. به امیرالمؤمنین علیه السلام گفتم اگر می فرمودید آرد بی سبوس بیاورند بهتر بود. امام گریست و فرمود: به خدا قسم هرگز ندیدم که در خانه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم غذای بدون سبوس باشد (۲).

نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ - قَدْ زَيَّنَكَ بِزِينَتِهِ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِزِينَتِهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْهَا هِيَ زِينَةُ الْأَبْرَارِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، جَعَلَكَ لَا تَزْرَأُ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا وَ لَا تَزْرَأُ الدُّنْيَا مِنْكَ شَيْئًا (۳)؛

به راستی خداوند به تو زینتی بخشیده که بندگانش را به چیزی دوست داشتنی تر از آن

۱- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ج ۱، ص ۷۳.

۲- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ج ۱، ص ۷۳.

۳- بحار الانوار، ج ۴۰، صص ۷۹ - ۸۰. روایاتی به همین مضمون در ج ۴۰، صص ۳۱۸ و ۷۸ نیز آمده است.

نیاراسته و آن زینت نیکان نزد خداوند است، یعنی زهد در دنیا؛ خداوند تو را چنان قرار داده که به چیزی از دنیا دست نیابی و دنیا نیز به تو دست نیابد.

آری امام علی علیه السلام حقیقت دنیا را یافته و براساس شناختش به آن نگریسته است. حضرت درباره خودش می فرماید:

أَنَا كَابُّ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا، وَ قَادِرُهَا بِقَدْرِهَا، وَ نَاطِرُهَا بِعَيْنِهَا (۱)؛

من دنیا را بروافکننده ام و چهره اش را به خاک مالیده ام و آن را درست سنجیده ام و با چشم خودش به آن نگریسته ام.

سویدبن غفله گوید: به خدمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رسیدم. حضرت نشسته بود و ظرفی از ماست که بوی ترشیدگی از آن به مشام می رسید در برابرش بود و در دستش گرده نانی بود که پوست جو بر آن نمودار بود. امام نان را می شکست و در ماست می ریخت. به من فرمود: نزدیک بنشین و از غذای ما بخور. عرض کردم: من روزه هستم، فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: هر که را، روزه از خوردن غذایی که میل آن را دارد، منع نماید، خداوند از خوراکی های بهشت به او بخوراند و از آب های بهشتی به او بنوشاند. من به فضّه که نزدیک حضرت بود گفتم: از خدا نمی ترسی که در غذای این پیرمرد سبوس جو را نگرفته ای؟ گفت: خود او فرمان داده که نخاله و سبوس غذای او را نگیریم. امام علیه السلام فرمود: به فضّه چه می گفتمی؟ آن چه گفته بودم، عرض کردم. فرمود: پدر و مادرم فدای کسی باد که هیچ گاه نخاله و سبوس غذایش گرفته نشد و از نان گندم سه روز پی در پی سیر نخورد تا خدایش به جوار رحمت خود برد. امام علیه السلام نان خشک شده جو را در ظرفی می گذاشت و بر آن مهر می نهاد. علت را از حضرت پرسیدند؟ فرمود: می ترسم فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام روغن زیتون یا روغن دیگری بر آن بریزند. (۲)

ابواسحاق سبعی گوید: روز جمعه بر دوش پدرم سوار بودم. علی علیه السلام خطبه

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۲۸، ص ۱۸۶.

۲- آثار الصادقین، ج ۸، ص ۷۷.

می خواند و با آستینش خود را باد می زد. گفتم: ای پدر امیرالمؤمنین گرمش شده است؟ گفت: گرمی و سردی ای در کار نیست، بلکه حضرت پیراهنش را شسته و چون جز آن پیراهنی نداشته آن را مرطوب به تن کرده است، و چنین می کند تا خشک شود. (۱)

۱- الحیاه، محمدرضا، محمد و علی حکیمی، ج ۲، ص ۲۳۰.

بخش هشتم: خلاصه و دستاوردها

بخش هشتم: خلاصه و دستاوردها

زهد در لغت به معنای بی رغبتی به چیزی و قانع شدن به کم آن است. راغب در معنای زهد گوید: زهید چیز کم را گویند و زاهد یعنی روی گرداننده از چیزی و راضی شونده به مقدار کم آن. بسیاری از لغت شناسان قید دیگری به آن افزوده اند که زهد روی گردانیدن از چیزی به جهت کوچک شمردن آن است. معنای اصطلاحی زهد از دو جهت عرفان و اخلاق و نیز روایات مطرح است. در اصطلاح اهل عرفان دشمن داشتن دنیا و روی گرداندن از آن است. ابن مسروق گوید: «زاهد کسی است که هیچ امری بر او چیره نباشد مگر خدای تعالی». امام محمد غزالی قید مهم دیگری به آن افزوده و گوید: «زهد کناره گیری از دنیا است از روی میل و رغبت با وجود قدرت بر داشتن آن». به هر حال زهد در نظر اینان به معنای بی رغبتی به غیرخدا و قانع بودن به کم آن است.

در روایت های بسیاری معنای زهد در دو جنبه خلاصه می گردد: یکی تأسف نخوردن بر آن چه از دست رفته و دیگری خوشحالی نکردن بر آن چه به انسان می رسد. امام علی علیه السلام در همین معنا می فرماید:

الرُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ: قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» وَ مَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الرُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ؛

تمام زهد میان دو کلمه قرآن است: خداوند می فرماید: به آن چه از دست می دهید تأسف

نخورید و به آن چه به دست می آورید، شادمان نگردید. کسی که به گذشته تأسف نمی خورد و به آینده خوشحال نمی گردد، هر دو طرف زهد را رعایت کرده است.

و در احادیث آمده است که زهد واقعی آن است که موافق سنت نبوی باشد.

تاریخچه زهد نشان می دهد که نخستین ریاضت ها در هند قدیم یافت می گردد. آیین ها و باورهای گوناگون هندی در این اصل مشترکند که پایه و اساس خوشبختی و رستگاری، فرار از دنیا و ترک تمام لذت های جسمانی، همراه با شکنجه های بدنی است. از این رو، باید نفس را با انواع ریاضت های سخت و شکنجه ها عادت داد تا بدین وسیله علاقه او از دنیا و خوشی های جسمانی قطع گردد. مسیحیان در این زمینه سابقه دیرینه دارند، دعوت به زهد و قطع علایق مادی و تأمین خوشبختی آخرت، از اهداف اساسی رسالت حضرت مسیح علیه السلام بوده است. هر چند آموزه های اخلاقی و زهدی که آن حضرت آموخته بود آن رهبانیتی نبود که در قرن های چهارم و پنجم میلادی به نام مسیحیت در میان مسیحیان گسترش یافت. مسلمانان سومین گروهی هستند که در این زمینه فعال بوده اند. مهم ترین عامل تشکیل دهنده تصوف در اسلام رهبانیت مسیحی است که در اثر نشست و برخاست مسلمانان با ایشان گسترش یافت.

در زمینه زهد کتاب های بسیاری نوشته شده است که متأسفانه بیش تر کتاب های قدیمی در دست نمی باشد. دو دیدگاه مختلف درباره حقیقت زهد وجود دارد: یکی آن که زهد ترک دنیا است، بدین معنا که کارهای دنیا و آخرت را از یکدیگر جدا بدانیم. بنابراین کسی که در پی آخرت است، باید به عبادت و ریاضت بپردازد. پس زهد یعنی رها کردن زندگی اجتماعی برای پرداختن به اعمال عبادی. برخی از این دسته نیز می گویند زهد امری قلبی است نه عملی. یعنی از مرحله قلب به مرحله عمل سرایت نمی کند. در این دیدگاه زهد و رهبانیت مسیحی بسیار به هم نزدیک اند. اما دیدگاه دوم زهد را ترک دنیا طلبی می داند. از نظر اسلام کارهای دنیایی نیز می تواند

مربوط به آخرت باشند. در اسلام تجارت یا کشاورزی، هم می تواند جنبه مالی و دنیایی داشته باشد و هم جنبه آخرتی. در واقع بستگی به هدف شخص دارد. اگر کسب و کار مشروع بود، از نظر اسلام عبادت بوده و از حوزه امور آخرتی بیرون نیست؛ ولی اگر از راه غیر مشروع بود، نه تنها برای آخرت بلکه برای دنیا هم زیان آور است.

زهد با برخی مفاهیم نوعی ارتباط نزدیک دارد. رابطه ایمان و زهد در دنیا آن قدر تنگاتنگ است که امام صادق علیه السلام زهد را شرط چشیدن شیرینی ایمان دانسته است. تقوا نیز صفتی است که عامل زهد و بی رغبتی آدمی به دنیا معرفی شده است. اگر آدمی از حساب و عقاب الهی بیم داشت لزوماً به دنیا دل نمی بندد و به اندک آن بسنده می کند. زهد و فقر مفاهیمی هستند که کاملاً از هم جدایند یکی پسندیده و دیگری ناپسند. زهد با برخورداری از مال منافی نیست؛ اما فقر عارضه ای خارجی است، یعنی برخوردار نبودن از مال. مفهوم زهد با کسب حلال در حد گذران معاش، نه تنها جمع پذیر است، که بسیار ستوده شده است. زهد و قناعت رابطه بسیار نزدیکی دارند و در واقع تکمیل کننده یکدیگرند. قناعت یعنی راضی شدن به اندک خواسته دنیایی، دقیقاً در جهت بی رغبتی به دنیا است. هر کدام از زهد و رهبانیت دیدگاهی معکوس به هستی دارند. رهبانیت، به فلسفه زندگی و آفرینش نگاه بدبینانه دارد؛ از مردم بریدن و روی آوری به ریاضت و عبادت، ضد جامعه گرایی و به نوعی فرار از مسئولیت است؛ اما زاهد، جامعه گرایی، مسئولیت پذیری، انتخاب همسر و تولید فرزند را از وظایف خود می داند. در زمینه رابطه زهد و ریاضت باید گفت، مهم در ریاضت مخالفت با نفس است. هم چنین در زهد ریشه دل بریدگی از دنیا مخالفت با نفس است. پس این نقطه اشتراک آن دو می باشد. ولی ریاضت لازمه زهد نیست، هرچند گاهی مقدمه بی رغبتی به دنیا، ریاضت است. در رابطه زهد و تصوف صوفی ها ویژگی هایی دارند که زهد اسلامی از آن خالی است. به عنوان نمونه ویژگی مبالغه در

توکل و ذکر از ویژگی های ایشان است.

دو دسته عامل در پیدایش زهد تأثیر دارد. دسته اول عوامل معرفتی و اعتقادی انسان است. شناخت انسان به خدا و جهان هستی، از مهم ترین آن ها است و چنان که در احادیث بسیاری آمده نتیجه شناخت، کناره گیری از دنیا است. هر چیزی که نیاز آدمی را برطرف می سازد، انسان بدان دل می بندد و خداوند برترین موجودی است که همه نیازهای انسانی را برآورده می سازد. شناخت این امر آدمی را به آب رهنمون و از سراب بیزار می نماید. باور داشتن به این که دنیا پل گذر به آخرت است، عامل دیگری در دل نبستن به دنیا است. آگاهی به چهره واقعی دنیا و دریافتن نهایت آن که فنا و نابودی است، به بیزاری و کناره گیری از آن می انجامد.

دسته دوم عوامل عاطفی و اخلاقی است. یادآوری مرگ و سفر آخرتی، موجب کوچک شمردن و کناره گیری از دنیا است. عامل دیگر عشق به خدای تعالی است. در روایت هایی آمده است که هر کس ذکر خدای عزوجل را به نیکوئی در چهل روز انجام دهد، خداوند او را به دنیا بی میل سازد. توجه به آخرت و آگاهی انسان به سرانجامی که در انتظار اوست، عامل دیگری است که باعث روی آوری انسان به زهد و تقوا می گردد. ترس از عذاب الهی نیز عامل دیگری در کناره گیری از دنیا است.

زهد و بی میلی به دنیا مراتبی دارد. مراتب زهد از جهت متعلق زهد از این قرار است:

الف _ زهد در حرام: پایین ترین مرتبه زهد پرهیز از حرام های الهی است، ولی بر هر مسلمانی واجب است.

ب _ زهد در شبهات: کناره گیری از اموری که حلال و حرام آن ها مشخص نیست، دومین مرتبه زهد است. امام علی علیه السلام می فرماید: هیچ گونه پارسایی، همانند خودداری از شبهات نیست.

ج _ زهد در حلال: بی رغبتی به امور مباح و حلال های دنیایی مرتبه بالاتر زهد است. این امر واجب نیست، و باید از حوزه مسایل شرعی خارج نگردد.

د _ زهد در غیر خدا: بالاترین مرتبه زهد، ترک هر چیزی است که انسان را به غیر خدا می کشاند.

زهد از جهت رغبت به زهد در دو مرتبه خلاصه می گردد: یکی زهدورزی به این معنا که آدمی به رغم بی میلی، زهد ورزد، تا کم کم صفت زهد از عادت های پایدارش گردد. دیگری زهد واقعی است. با ادامه دادن زهدورزی، عادت به زهد پدید می آید، به گونه ای که یکی از لذت های آدمی می شود.

مراتب زهد از جهت انگیزه عبارت است از:

الف _ زهد برای دنیا: پست ترین زهد که جنبه منفی نیز دارد، آن است که به انگیزه به دست آوردن دنیا باشد؛ یعنی آدمی به دنیا رو نیاورد، تا از رنج ها و اندوه های آن در امان ماند.

ب _ زهد برای ترس از جهنم: در این مرتبه خواسته انسان نجات از خشم خدا و آتش جهنم است.

ج _ زهدورزی برای بهشت: در این مرتبه علاوه بر این که درد و رنج را نمی خواهد، به نعمت های دایمی آخرتی طمع دارد.

د _ زهد در جهت دوستی خدا: وقتی انسان وابستگی های غیرخدایی را ترک گوید، رفته رفته دلش کانون محبت الهی شده و زهدورزی از روی عشق صورت می گیرد، که این مرتبه از بالاترین مراتب زهد است.

درجه های زهد از جهت روش زهدورزی به ظهور و خفا درجه بندی شده است که مرتبه اخفاء برتر از اظهار آن است.

دل نبستن به دنیا آثار گوناگونی دارد که بر اساس روایات امامان معصوم علیهم السلام به قرار زیر است:

۱_ توجه نداشتن به غیر خدا

در روایت هایی آمده است که زهد ترک کردن هر چیزی است که انسان را از خدای تعالی باز دارد.

۲_ آرامش قلب

زاهد همه غم ها و شادی های دنیا را از دل بیرون کرده، نه به چیزی که از دنیا به او برسد، شاد می گردد و نه از چیزی که از دست او بیرون رود، محزون می گردد. پس

او همیشه در آرامش است. نیز به سبب آرامشی که در آدمی پدید می آید تحمل سختی ها برایش آسان می شود.

۳_ پرهیز از حرام الهی

وقتی آدمی به مواردی که خدای تعالی حلال فرموده، دل نبندد، لزوماً به حرام های الهی نیز بی میل خواهد شد.

۴_ کوتاه شدن آرزو

آرزو یعنی خواهش ماندن در دنیا. انسان زاهد به دنیا دل نمی بندد، لذا آرزو که میل به ماندن در دنیا است، در او وجود ندارد یا اندک است.

۵_ شکر نعمت های الهی

شکر اعتراف به این است که نعمت ها از آن خداست و او به آدمیان ارزانی داشته است. و چون زاهد، به دنیا دل نمی بندد، این باور او را به این اعتراف کشانده و سپاسگزار نعمت های الهی می شود.

۶_ تقرب به خدا

بی تردید وقتی دل آدمی از دوستی دنیا تهی گردید، جای آن را دوستی خدا فرا خواهد گرفت.

۷_ تقویت دین داری

پرداختن به دنیا مانع بزرگی برای خالی شدن قلب از امور دینی و تفکر در آن است. پس پرداختن به دنیا، موجب تقویت دین داری است.

۸_ زهد به عنوان زینت و آراستگی معرفی شده است

۹_ حکمت

حکمت دانشی است که آدمی را از انجام دادن کار زشت باز می دارد. کسی که به دنیا دل بندد، عاشق آن شده و عاشق هیچ گاه عیب معشوقش را نمی بیند؛ اما بی میل به دنیا، با آن دشمنی می نماید و اثر این دشمنی آگاهی بر زشتی های آن است.

۱۰_ محبوب شدن میان مردم

طمع نداشتن به مال مردم به محبوب شدن در نزد آنان می انجامد.

۱۱_ رهایی از بدبختی

هر کس دوست دار دنیا شود، دچار فتنه ها و آفات آن می گردد، بنابراین، چنان چه انسان به آن دل نبندد، از بدبختی ها و بدفرجامی های آن رهایی می یابد.

۱۲_ سخاوت و بخشندگی نیز از آثار بی رغبتی به دنیا است

۱۳_ زندگی ساده

روی آوری به زندگی ساده و بدون تجمل اثر دیگر زهد است.

۱۴_ ترجیح آخرت بر دنیا

زاهد با شناختی که از دنیای فانی و ماهیت آن دارد، زندگی واقعی خود را در آخرت می جوید.

۱۵_ اختیار عزت بر ذلت

زاهد خود را زیر سیطره اشیا بی ارزش دنیایی قرار نمی دهد و خود را از قید و بند آن ها می رها کند، در نتیجه عزیز می گردد.

۱۶_ بیزاری از دنیا

زاهد مرگ را جلوی چشمانش می بیند و زندگی دنیایی را خوش ندارد.

۱۷_ ترجیح گرسنگی بر سیری

زاهد مصرف کم و بازدهی زیادی دارد. شکم پرستی را سبب انحطاط می داند و می کوشد تنها در جهت تأمین غذای مورد نیاز بدنش گام بردارد. از طرف دیگر می داند مصرف کم و گرسنگی یکی از عوامل باز دارنده شرارت نفس انسانی است.

۱۸_ غفلت نکردن از مرگ و ترجیح ذکر بر آن اثر دیگری از دل بریدگی از دنیا است.

۱۹ و ۲۰_ دوستی با دوست خالق و دشمنی با دشمن خالق، اثرهای دوستی با خداوند و بیزاری از دنیا است.

۲۱_ رحم کردن به مسلمین

به دلیل این که زاهد دوست دار دنیا نیست، اگر بهره ای از دنیا برد، به راحتی می تواند به دیگران ببخشد. علاوه بر این، چون به اندازه نیاز پس انداز می نماید، ضعیفان را بیش تر درک می کند و با این دو جهت با دیگران هم دردی می کند و با آنان مهربانی می نماید.

۲۲_ عمل به وظیفه به بهترین صورت از دیگر آثاری است که زاهد در پی آن است.

۲۳_ ایثار

ایثار یعنی دیگران را بر خود مقدم داشتن و برای آسایش دیگران به رنج افتادن. زاهد بر خود تنگ می گیرد، تا به دیگران بدهد؛ در کمال قناعت و سادگی زندگی می نماید، تا دیگران در آسایش باشند.

آفت های زهد در نظر روایت های معصومان علیهم السلام از این قرار است:

۱_ دوستی دنیا: دوستی دنیا صفت مقابل زهد است و این دو با هم جمع نمی شوند. دنیا انسان را از خدا دور و از ذکر او غافل می گرداند. یعنی هر آن چیزی که انسان جداگانه به آن توجه و علاقه پیدا کند.

۲_ آز: کسی که به دنیا دل بندد، همواره خود را تهی دست می یابد. بدین روی، همیشه در پی به دست آوردن دنیا است.

۳_ حزن و اندوه: فطرت انسانی جویای بی نهایت است، پس هرچه از دنیا به دست آورد قانع، نمی شود و بیش از آن را می خواهد، در نتیجه، احساس کمبود کرده به غم و اندوه دچار می گردد.

۴_ بخل: از دیگر آفت های دنیا دوستی و رغبت به آن است.

۵_ ثروت اندوزی: خود ثروت اندوزی با زهد تضادی ندارد و این دو به شرط آن که با مال دوستی و دنیاخواهی همراه نباشد، جمع پذیرند.

۶_ طمع: آفتی است که با وجود آن زهد پیشگی معنا ندارد.

۷_ آرزو: آرزو نوعی خواستن است که خواسته، امور غیر ضروری و دور از توان آدمی است. در روایت های بسیاری یکی از وجوه زهد، کوتاهی آرزوها شمرده شده است.

زهد از صفات انبیا و اولیا شمرده شده و خداوند آن را برای معصومان علیهم السلام شرط قرار داده است.

بخش نهم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش نهم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

سیمای زهد در صدا و سیما

سیمای زهد در صدا و سیما

اشاره

سیمای زهد در صدا و سیما

زیر فصل ها

ضرورت طرح بحث زهد در صدا و سیما

آموزش درست و منطقی

آسیب شناسی زهد در رسانه

الگوسازی

ارایه محورهای برنامه سازی

پرسش های مصاحبه ای

پرسش های کارشناسی

پیام های کوتاه [زیرنویس]

ضرورت طرح بحث زهد در صدا و سیما

ضرورت طرح بحث زهد در صدا و سیما

در جهان کنونی رسانه های جمعی به ویژه صدا و سیما در تأثیر گذاری روحی و روانی و نیز الگوسازی جامعه مهم ترین نقش را دارد. بسیاری دگرگونی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی به نحوه نگرش رسانه ها به مسایل بستگی دارد. انسان کنونی در برهه ای است که با شکل گیری از تبلیغات درست یا تبلیغات فاسد، راه حق یا مسیر انحراف و باطل را می پیماید. تبلیغات استکبار جهانی علیه اسلام ناب محمدی و ارزش های آن در این راستا است از نمونه های مهم هجوم گسترده استکبار علیه ارزش های اسلامی، تبلیغات و ایجاد دل بستگی بسیار زیاد به مسایل دنیایی است. مهم ترین آفتی که انقلاب اسلامی و ارزش های اسلامی را تهدید می نماید، کشاندن مردم به سوی دنیا است: زیرا چنان چه در روایات آمده ریشه تمامی بدبختی های بشر، [\(۱\)](#) دل بستگی و محبت به دنیا است. به همین جهت می توان با ارایه و طرح درست و منطقی زهد که در مقابل دوستی دنیا است، با این تهدید مبارزه نمود و مردم را در برابر هجوم بیگانگان مصون بداریم.

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در این باره می فرماید:

به نظر ما امروز آن زمانی است که بایستی جامعه را به زهد فرا بخوانیم؛ زیرا به سمت

۱- الدنيا رأس كل خطيئه.

تمول پیش می رود و ثروت در کشور رو به ازدیاد است و جایی است که اگر چنانچه کسانی اهل دنیا باشند، می توانند ثروت را از طریق مختلف به دست آورند و آن را «علی غیر حله» (۱) کسب و خرج کنند. (۲)

ایشان با اشاره به این که یکی از روش های مبارزه و نفوذ در دستگاه حاکمان جور، زهد می باشد، می فرماید:

روحانیت بادو چیز، یکی با علم و یکی با زهدش توانست علی رغم خواست آن ها [اشخاص فاسد شاهنشاهی] در دستگاه های مختلف و در دانشگاه که جایی برای ماها نبود و مظهر و مرکز تبلیغات ضدآخوندی بود، نفوذ کند. (۳)

زندگی ساده و بی آلایش همه مردم در نخستین روزهای انقلاب و رزمندگان اسلام در جبهه ها را فراموش نکرده ایم. به راستی مگر نه این است که بسیاری از برکاتی که به آن رسیده ایم، به دلیل همان روحیات و روش و منش ساده و بدون تشریفات بود؟

به هر حال از مهم ترین مسایلی که لازم است به طور صحیح در صدا و سیما طرح گردد، زهد پذیرفته شده پیشوایان معصوم علیهم السلام است. به ظاهر صدا و سیمای جمهوری اسلامی در این مسیر وظیفه خود را به خوبی انجام نداده است. به ویژه در سال های اخیر بسیاری از برنامه ها مردم را به سوی تشریفات و تجملات کشانده است. باید سیمای حقیقی زهد در صدا و سیما به نمایش گذاشته شود؟ برنامه سازان باید به مردم بفهمانند که اسلام با دنیا داری مخالفتی نکرده است و تنها با دل بستن به دنیا مخالفت نموده است.

۱- در غیر راه حلال.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب در درس خارج فقه، ۱۴/۶/۱۳۷۴.

۳- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت، ۱۳/۸/۱۳۶۹.

آموزش درست و منطقی

آموزش درست و منطقی

آن چه در این دوران مهم به نظر می رسد آموزش صحیح مقوله زهد است. بسیاری زهد را در کناره گیری از دنیا می دانند. از این رو، هنگام بحث از زهد و زاهد، مفهوم رکود، خمودگی، انزوا و ایستایی به ذهن می رسد.

بحث های گذشته نشان می دهد که مفهوم زهد، پویایی بسیار زیادی به جامعه بشری می بخشد.

زهد حقیقی می گوید: «دنیا را داشته باش؛ ولی علاقه مند و بنده دنیا مباش.» در عمل نتیجه چنین اعتقادی سبب می شود که روحیه از خود گذشتگی، انفاق، آرامش و... انسان را در برگیرد و چرخ های گوناگون اقتصاد، تولید، سیاست و... در جامعه به چرخش درآید. بنابراین آموزش درست و منطقی زهد در قالب های گوناگون، مهم و اساسی است.

آسیب شناسی زهد در رسانه

آسیب شناسی زهد در رسانه

برخی عوامل سبب دوری ذهن بیننده و شنونده از زهد حقیقی است و تأثیرگذاری های ناخواسته ای در پای بندی به زهد دارد. به همین جهت لازم است از آن ها به نحو شایسته ای پیش گیری گردد. مهم ترین عواملی که تأثیرگذاری های ناخواسته در پی دارد، از این قرار است:

— ارایه صحنه های ترغیب کننده به تشریفات و کارهای غیرضروری؛

— برنامه هایی که دل بستگی و آزمندی به دنیا را زیاد می کند؛

— برنامه هایی که بهره مند نبودن از دارایی های دنیایی را کوچک می شمارد؛

— برنامه هایی که ثروت اندوزی و بخل را در جامعه برمی انگیزد؛

— سست کردن برخی باورهای اسلامی، مثل زندگی دوباره انسان پس از مرگ و حساب رسی؛

— سست کردن ارزش های اسلامی، مثل ایثار و گذشت.

الگوسازی

الگوسازی

زهد سالم در زندگی پیشوایان معصوم علیهم السلام و بسیاری از بزرگان و دانشمندان اسلامی، بوده است. از این رو، باید در برنامه های داستانی، فیلم ها و مصاحبه ها به آن پرداخته شود.

برای نمونه می توان به داستانی از نهج البلاغه که در فصل اول آمده است، اشاره نمود: دو برادر که یکی منزلی وسیع دارد و دیگری گوشه نشینی برگزیده است. اولی به دلیل این که در آخرت به آن خانه نیازمندتر است، از سوی امیرمؤمنان علیه السلام سرزنش می شود. البته آن حضرت یادآوری می کند که چنان چه بخواهی میتوانی با این خانه، آخرت را نیز به دست آوری. برادر دیگر هم به سبب این که نعمت های الهی را بر خود حرام کرده، از سوی امام سرزنش و نکوهش می گردد.

ارایه محورهای برنامه سازی

ارایه محورهای برنامه سازی

۱_ بهره گیری از سریال ها و داستان های کوتاه در مورد سیره عملی زندگی امامان معصوم علیهم السلام، بزرگان و کسانی که به نحوی زهد حقیقی را در زندگی تجربه کرده اند. مثلاً میتوان به زندگی حضرت امام رحمهم الله، مقام معظم رهبری (دام ظلّه) و شهید رجایی اشاره کرد؛

۲_ بهره گیری از الگوهای انقلاب، رزمندگان و شهیدان گران قدر انقلاب اسلامی؛ مانند مستندهایی همچون روایت فتح؛

۳_ برنامه ریزی میزگرد و گفت و گو با چهره های سرشناس دینی و مردمی؛

۴_ بهره گیری از موضوع زهد در مسابقه های گوناگون صدا و سیما؛

۵_ پرهیز از دنیاگرایی در جنبه های مختلف برنامه های صدا و سیما؛

۶_ پرهیز از تبلیغات و آگهی هایی که مردم را به سوی دنیا خواهی می کشاند؛

۷_ بهره گیری از شگردهای گوناگون فرهنگی برای القا به نسل جوان و نیز کودکان در برنامه های ویژه آن ها؛

۸_ تبیین درست و دقیق معنای زهد در بحث های کارشناسی؛

۹_ تبیین درست مفهوم دنیا، دنیاخواهی و فانی بودن دنیا در کارشناسی ها؛

۱۰_ ایجاد انگیزه برای ویژگی های پسندیده اخلاقی همچون ایثار، سخاوت، ساده زیستی و قناعت.

پرسش های مصاحبه ای

پرسش های مصاحبه ای

۱_ به نظر شما زهد به چه معنا است؟

۲_ آیا اسلام به زهد تأکید کرده است؟ چرا؟

۳_ آیا زهد با مال اندوزی منافات دارد؟ چگونه؟

۴_ اسلام چگونه انسان را به زهد تشویق کرده است؟

۵_ برای زاهد شدن چه باید کرد؟ چه افرادی بایستی در این زمینه پیش قدم باشند؟

۶_ آیا دوست دارید زاهد باشید؟ چرا؟

۷_ آیا بزرگان دین ما زاهد بوده اند؟

۸_ تأثیرهای منفی تجمل گرایی در زندگی چیست؟

۹_ آیا اسلام، دنیا را نکوهش کرده است؟ چرا؟

۱۰_ به نظر شما زاهدان واقعی در انقلاب ما چه کسانی بوده اند؟

۱۱_ آیا دوستی دنیا سبب پیش رفت انسان است یا نکوهش آن؟

۱۲_ دیدگاه شما نسبت به دنیا چیست؟

۱۳_ تأثیرهای مثبت ساده زیستی در دنیا چیست؟

- ۱۴_ آیا گسترش زهد در جامعه لازم است؟
- ۱۵_ چگونه می توان زهد را در جامعه گسترش داد؟
- ۱۶_ انتظار شما از مسئولان در رابطه با زهد و ساده زیستی چیست؟
- ۱۷_ نقش کارگزاران حکومت در گسترش زهد چیست؟
- ۱۸_ آیا زهد یک ارزش است؟
- ۱۹_ چگونه می توان زهد را به عنوان یک ارزش گران بها در جامعه رواج داد؟
- ۲۰_ صفتی که در مقابل زهد مطرح شده، چیست؟
- ۲۱_ چرا زهد، پسندیده و دل بستگی به دنیا ناپسند است؟
- ۲۲_ تأثیرهای ویران کننده رفاه طلبی در زندگی چیست؟
- ۲۳_ روش های پیش گیری از رفاه طلبی و اشرافی گری چیست؟
- ۲۴_ به نظر شما برداشتن تشریفات تا چه حد ما را در حل مشکلات زندگی کمک می کند؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

- ۱_ زهد حقیقی در قرآن و روایات به چه معناست؟
- ۲_ دیدگاه های گوناگون در رابطه با مفهوم زهد چیست؟
- ۳_ آیا دنیا داری و زهد با یکدیگر منافات دارد؟ چگونه؟
- ۴_ آیا تأثیرهای زهد تنها قلبی است یا در مرحله عمل نیز ظهور دارد؟
- ۵_ زهد حقیقی در اسلام با خمودگی، ایستایی و عدم نشاط چگونه جمع پذیر است؟
- ۶_ زهد و تجمل گرایی چه ارتباطی با هم دارند؟

۷_ زهد با تشریفات و اشرافی گری چه ارتباطی دارد؟

- ۸_ ساده زیستی چگونه از زهد ناشی می شود؟
- ۹_ اثرهای اجتماعی ساده زیستی در زندگی چیست؟
- ۱۰_ ویژگی های یک زاهد حقیقی چیست؟
- ۱۱_ آیا پیشرفت انسان در زندگی، مانع زهدورزی نیست؟
- ۱۲_ ارتباط فانی بودن دنیا و زهد در چیست؟
- ۱۳_ تفاوت رهبانیت و زهد چیست؟
- ۱۴_ تشویق به زهد چگونه امکان پذیر است؟
- ۱۵_ آیا تهاجم فرهنگی، به مقوله زهد نیز توجه دارد؟
- ۱۶_ زهد امیرالمؤمنین علیه السلام را توضیح دهید؟
- ۱۷_ آیا زهدورزی کارگزاران حکومتی لزومی دارد؟ چرا؟
- ۱۸_ دنیا از نظر یک زاهد واقعی چگونه است؟
- ۱۹_ چگونه می توان بین زهدورزی و کار و تلاش در جامعه ارتباطی سازنده برقرار کرد؟
- ۲۰_ نقش کلیدی و اساسی زهد در زندگی انسان چیست؟
- ۲۱_ زهد با قناعت در زندگی چه ارتباطی دارد؟ اثرهای قناعت در زندگی اجتماعی چیست؟
- ۲۲_ دیدگاه امام علی علیه السلام در رابطه با زهد و ساده زیستی مسئولان چیست؟
- ۲۳_ زهدورزی در زندگی چه لزومی دارد؟
- ۲۴_ رابطه زهد و تقوا چیست؟
- ۲۵_ ارتباط زهد و فقر چگونه است؟ آیا زاهد فقیر نیست؟ چرا؟
- ۲۶_ چه صفاتی، انسان را از زهد حقیقی دور می سازد؟

۲۷_ الگوهای زهد در تاریخ بشری کدامند؟

۲۸_ آیا آن چه به عنوان زهد در امت های پیشین و نیز در غیر مسلمانان مشهور

می باشد، مورد تأکید اسلام است؟

۲۹_ راهبردهای عملی زهد در جامعه چیست؟

پیام های کوتاه [زیرنویس]

پیام های کوتاه [زیرنویس]

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

جُلَسَاءُ اللَّهِ غَدَا أَهْلُ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا (۱)

فردا [ی قیامت] هم نشینان خدا پرهیزگاران و زاهدان در جهانند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

لَا تَكُونُ زَاهِدًا حَتَّى تَكُونَ مُتَوَاضِعًا. (۲)

تا فروتن نباشی، زاهد نگردی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

مَا التَّخَذَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَاهِدًا. (۳)

خداوند هیچ پیامبری برنگزید، مگر این که زاهد بود.

علی علیه السلام

الزُّهْدُ مَتَجَرُّ رَابِعٌ (۴)

زهد تجارت خانه سودمندی است.

علی علیه السلام

۱- نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۱۰.

۲- نهج الفصاحه، حدیث ۲۴۸۴.

۳- میزان الحکمه، ۴/۲۴۸.

الزُّهْدُ تَرْوَةٌ (۱)

زهد سرمایه است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ما عُبِدَ اللهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلُ مِنَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا. (۲)

خداوند به هیچ چیزی بهتر از زهد در دنیا، پرستش نشده است.

علی علیه السلام

الزُّهْدُ تَقْصِيرُ الْأَمَالِ، وَ إِخْلَاصُ الْأَعْمَالِ. (۳)

زهد کوتاه کردن آرزوها و خالص کردن اعمال است.

علی علیه السلام

أَخْزَمُكُمْ أَزْهَدُكُمْ. (۴)

با تدبیرترین شما زاهدترین شماست.

علی علیه السلام

أَزْهَدٌ فِي الدُّنْيَا تَنْزِلُ عَلَيْكَ الرَّحْمَةُ. (۵)

زهد را در دنیا پیشه خود ساز، تا رحمت الهی بر تو فرود آید.

علی علیه السلام

لَنْ يَفْتَقِرَ مَنْ زَهَدَ. (۶)

کسی که زهد ورزد، هرگز تنگ دست نمی گردد.

۱- میزان الحکمه، ۴/۲۴۸.

۲- میزان الحکمه، ۴/۲۴۹.

٣- ميزان الحكمه، ٤/٢٥٢.

٤- ميزان الحكمه، ٤/٢٥٧.

٥- ميزان الحكمه، ٤/٢٦٣.

٦- ميزان الحكمه، ٤/٢٦٣.

علی علیه السلام

مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَهَانَ بِالْمُصِيبَاتِ. (۱)

کسی که در دنیا زهد بورزد، دشواری ها و گرفتاری ها بر او آسان می گردد.

علی علیه السلام

مَعَ الزُّهْدِ تُثْمِرُ الْحِكْمَةُ. (۲)

نتیجه حکمت با زهد به ثمر می نشیند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

أَزْهَدَ النَّاسِ مَنْ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ. (۳)

زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری گزیند.

علی علیه السلام

الزُّهْدُ أَصْلُ الدِّينِ. (۴)

زهد اصل و اساس دین است.

استاد شهید مطهری رحمه الله

زهد، قدرت روحی است نه ضعف اقتصادی. (۵)

استاد شهید مطهری رحمه الله

زهد اسلامی عبارت است از برداشت کم برای بازدهی زیاد. (۶)

استاد شهید مطهری رحمه الله

۳- میزان الحکمه، ۴/۲۶۵.

۴- میزان الحکمه، ۴/۲۵۰.

۵- حق و باطل، مرتضی مطهری، ص ۱۲۷.

۶- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۲۴۷.

زهد برای آدمی تمرین روح است. روح با زهد ورزش می یابد و تعلقات اضافی را می ریزد، سبکبال و سبکبار می گردد و در میدان فضایل، سَبُکْ به پرواز درمی آید. (۱)

۱- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۲۴۹.

کتاب نامه

کتاب نامه

الف) کتاب های عربی

* قرآن کریم

۱_ آقا بزرگ تهرانی؛ الذریعه الى تصانیف الشیعه، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ه . ق.

۲_ آمدی، عبدالواحد؛ [قرن پنجم] غررالحکم و درالکلم، محمدعلی انصاری، دارالکتاب، بی تا.

۳_ ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، داراحیاء الکتب العربیه، عیسی البابی الحلبی و شرکاء تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم الطبعه الثانيه، ۱۹۶۷ م _ ۱۳۷۸ ه . ق، منشورات مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه . ق.

۴_ ابن اثیر؛ مجدالدین ابی السعادات المبارک بن محمد الجزری [۵۴۴ _ ۶۰۶ ه . ق]؛ النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق: محمود محمد الطناحی و طاهر احمد الزاوی، بیروت _ لبنان، المکتبه الاسلامیه و احیاء التراث العربی، ۱۳۸۳ ه . ق _ ۱۹۶۳ م.

۵_ احسان بخش رشتی، صادق؛ آثارالصادقین، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۹.

۶_ الحویزی، عبدالعلی بن جمعه عروسی؛ تفسیر نور الثقلین، مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۲۵ ربیع الاول ۱۳۸۳.

۷_ اهوازی، حسین بن سعید؛ [قرن دوم و سوم]، الزهد، تحقیق: غلامرضا عرفانیان، المطبعه العلمیه بقم، ذی الحجه ۱۳۹۹ ه . ق.

۸_ پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه [مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم]، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ پانزدهم، ۱۳۶۰.

۹_ حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه؛ تحف العقول، انتشارات علمیه

- ١٠_ حر عاملی، محمد بن حسین؛ وسایل الشیعه، طهران، چ ٥، مکتبه الاسلامیه _ ١٣٩٨ هـ . ق.
- ١١_ حکیمی، محمدرضا. محمد و علی؛ الحیاه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ١٤٠٩ هـ . ق.
- ١٢_ دشتی، محمد؛ نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، آبان ١٣٧٢.
- ١٣_ دشتی، محمد و محمدی کاظم؛ المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، امام علی علیه السلام چاپ دوم، آبان ماه ١٣٦٩.
- ١٤_ راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل؛ المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، الطبع الثانی ١٤٠٤ هـ . ق.
- ١٥_ صالح، صبحی؛ نهج البلاغه، بیروت، چاپ اول، ١٣٨٧ هـ . ق. ١٩٦٧ م.
- ١٦_ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی؛ الخصال، انتشارات علمیه اسلامیه، تصحیح: سیداحمد فهری زنجانی، بی تا.
- ١٧_ طباطبائی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت _ لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٣٩٤ هـ . ق، ١٩٧٤ م.
- ١٨_ طباطبائی، محمدحسین؛ سنن النبی صلی الله علیه و آله وسلم، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ چهارم، ١٣٦٦.
- ١٩_ طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت _ لبنان، دارالمعرفه، ١٤٠٨ هـ . ق _ ١٩٨٨ م.
- ٢٠_ طبرسی، ابوعلی؛ مکارم الاخلاق، مؤسسه فراهانی، چاپ دوم، ١٣٦٥.
- ٢١_ طریحی، فخرالدین؛ [وفات ١٠٨٥]، مجمع البحرين، تحقیق: محمود عادل، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٣٦٧.

- ۲۲_ عبده، محمد؛ نهج البلاغه، مكتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه. ق _ ۱۳۷۰ ش.
- ۲۳_ غزالی، ابو حامد محمد؛ احیاء علوم الدین، بیروت _ لبنان، دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۹۵ ه. ق _ ۱۹۷۵ م.
- ۲۴_ غزالی، ابو حامد محمد؛ کیمیای سعادت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.
- ۲۵_ فیض کاشانی، محسن؛ المحجبه البيضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
- ۲۶_ فؤاد عبدالباقی، محمد؛ المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴ م.
- ۲۷_ قضاعی مغربی، ابوالحسن علی بن احمد معروف به ابو عبدالله محمد قضاعی مغربی؛ [محدث شافعی مذهب ۴۵۴م]، ترک الاطناب فی شرح الشهاب یا مختصر فصل الخطاب، انتشارات دانشگاه تهران، ۹۳۶، ۱۳۴۳ ه. ش.
- ۲۸_ قمی، مرحوم شیخ عباس؛ مفاتیح الجنان، انتشارات علمیه اسلامیة، ۱۳۶۳.
- ۲۹_ کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی؛ اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، [۴جلدی]، بی تا.
- ۳۰_ کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی؛ الروضه من الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.
- ۳۱_ مجلسی، محمد باقر؛ [م ۱۱۱۱] بحار الانوار، تهران، بازار سلطانی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.
- ۳۲_ محمدری شهری؛ میزان الحکمه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ه. ق.
- ۳۳_ معاد یخواه، عبدالمجید؛ فرهنگ آفتاب [فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه]،

انتشارات ذره، ۱۳۷۲، چاپ اول.

۳۴_ معلوف، لويس؛ المنجد في اللغة والاعلام، انتشارات اسماعيليان، چاپ اول ۱۳۶۲.

۳۵_ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبري بغدادی؛ امالی، بنياد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۴.

۳۶_ نراقی، محمد مهدی؛ (م ۱۲۰۹ هـ)، جامع السعادت، تحقیق و تعلیق: محمدرضا مظفر، بیروت، چاپ دوم، مطبعه النجف ۱۳۷۵ هـ. ق _ ۱۹۵۵ م.

۳۷_ ونسْتَنَك، أ.ی. استاد العربيه بجامعة ليدن و منسج، ی.پ. محاضر العربيه بجامعة ليدن؛ المعجم المفهرس لالفاظ الحديث النبوي، الجزء الثاني (خب _ سنر)، مطبعه بريل في مدينه ليدن، ۱۹۴۳.

ب _ کتاب های فارسی

۳۸_ انصاریان، حسین؛ عرفان اسلامی شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، طلوع آزادی، چاپ اول، ۱۳۶۶.

۳۹_ جعفریان، رسول؛ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۴۰_ جعفری، محمد تقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.

۴۱_ خمینی، امام روح الله الموسوی قدس سره؛ چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

۴۲_ دهخدا، علی اکبر؛ لغتنامه، چاپ دانشگاه تهران، زیر نظر محمد معین، ۱۳۳۹ هـ. ش.

۴۳_ دیلمی؛ ارشادالقلوب، برگردان: سید هدایت الله مسترحمی، کتاب فروشی بوذرجمهری مصطفوی، چاپ سوم، ۱۳۴۹.

۴۴_ رازی، ابوالفتوح؛ [قرن ششم هجری]، تفسیر رُوحِ الْجِنَان و رُوحِ الْجَنَان، تصحیح: میرزا ابوالحسن شعرانی، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۹۸ ه. ق.

۴۵_ زنجانی، عمید؛ تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۶.

۴۶_ سادات، محمدعلی؛ اخلاق اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها [سمت]، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

۴۷_ سجادی، سیدجعفر؛ فرهنگ معارف اسلامی، چاپ خانه کاویان، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، اردیبهشت ۱۳۶۲.

۴۸_ شفیعی مازندرانی، سیدمحمد؛ زهد اسلامی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، پاییز ۱۳۷۵.

۴۹_ عزیزاده، محمدجواد؛ زهد راستین، مشهد، چاپ خانه سعید، چاپ اول، آذر ۱۳۷۴.

۵۰_ قرائتی، محسن؛ معاد، مؤسسه در راه حق، چاپ سوم، زمستان ۱۳۶۸.

۵۱_ گولد تسهیر [مستشرق آلمانی]؛ زهد و تصوف در اسلام، برگردان: محمدعلی خلیلی، شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء، چاپ اقبال، تهران اسفند ۱۳۳۰.

۵۲_ محدث، سیدجلال الدین؛ شرح فارسی غرر و دررآمدی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶.

۵۳_ مطهری، مرتضی؛ آشنائی با علوم اسلامی، انتشارات صدرا، بی تا.

۵۴_ _____؛ بیست گفتار، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۵۸.

۵۵_ _____؛ حق و باطل، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

۵۶_ _____؛ سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا، بی تا.

۵۷_ مقدس اردبیلی احمدبن محمد؛ (م. ۹۹۳)، حدیقه الشیعه، انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا.

۵۸_ مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، زمستان ۱۳۶۷.

۵۹_ میرزاحمدی، علیرضا، و جمعی از پژوهندگان؛ مفتاح المیزان، مرکز نشر و فرهنگی رجاء، ۱۳۶۴.

۶۰_ نراقی، احمد؛ معراج السعاده، انتشارت رشیدی، تیرنگ، چاپ دوم، بهمن ماه ۱۳۶۱.

۶۱_ نیرومند محقق، کریم؛ تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن، کتاب فروشی ستاره، زنجان، ۱۳۶۴.

۶۲_ ورام بن ابی فراس، ابوالحسین؛ [۶۰۵م]، مجموعه ورام، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

